

تحریرات و تصحیفات

پیرامون زیارت عاشورا

مہدی آقابابایی

مشخصات کتاب :

نام کتاب : تحریفات پیرامون زیارت عاشورا

تألیف : مهدی آقابابایی

ناشر: نورالحیات

چاپ : اول ۱۳۹۸

قطع و صفحه : ۲۱۴ رقی

قیمت : ۳۲۰۰۰ ت

سرشناسه	: آقابابایی، مهدی، ۱۳۶۳ -
عنوان و نام پدیدآور	: تحریفات و تصحیفات پیرامون زیارت عاشورا/مهدی آقابابایی.
مشخصات نشر	: اصفهان: نورالحیات، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۲۱۴ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۹۶۴۵۲-۱-۵
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: زیارتنامه عاشورا -- تحریف
موضوع	: Tenth of muharran prayer* -- Distortion
موضوع	: زیارتنامه عاشورا -- نقد و تفسیر
موضوع	: Tenth of muharran prayer* -- Criticism, interpretation, etc
رده بندی کنگره	: BP۲۷۱/۶
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۷۷۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۹۴۶۸۴۶

الله أكبر

تقديم به :

سالار شهيدان حضرت اباعبدالله الحسين عليه السلام و ياران با
وفای حضرت .

فهرست

مقدمه	۱۱
فصل اول : اختلاف نسخه‌ها در نقل زیارت عاشورا.....	۱۷
دسته‌بندی اختلاف نسخه‌ها	۱۹
دسته اول	۱۹
دسته دوم	۱۹
دسته سوم	۲۰
دسته چهارم	۲۰
دسته پنجم	۲۱
نمونه‌ای بارز از اختلاف نسخه‌های دسته پنجم	۲۱
سخنان آیت‌الله‌العظمی مکارم‌شیرازی پیرامون اختلاف نسخه‌های زیارت عاشورا	۲۳
فصل دوم: بررسی روش‌های اثبات اعتبار زیارت عاشورا	۲۵
(۱)- روش متأخرین	۲۷
الف) بررسی سند زیارت در کتاب کامل الزیارات	۲۹
ب) بررسی سند زیارت در کتاب مصباح‌المتهدجد	۳۲
(۲)- روش قدما	۳۵
(۳)- اثبات اعتبار توسط اجماع قولی و علمی	۳۹
بررسی سند زیارت عاشورا در مصباح‌الزائر	۴۲
(۴)- اثبات اعتبار از راه قاعده تسامح در ادله سنن	۴۵
(۵)- اثبات اعتبار از راه برکات و ثمرات خواندن این زیارت	۴۷
الف) ثمرات برزخی خواندن زیارت عاشورا	۴۷

- ب) رفع خطر ابتلای شیعیان سامرا به وبا در اثر خواندن زیارت عاشورا..... ۵۰
ج) خواندن زیارت عاشورا برای پیدا شدن قالی‌های مسروقه..... ۵۲
د) دستور العمل مرحوم شاه آبادی ۵۳

فصل سوم: ارائه شواهدی بر وجود هر چهار فقره در زیارت عاشورا

- ۵۹.....
شاهد ۱) - کلام مرحوم سید بن طاووس ، متوفی ۶۴۴.ق..... ۶۱
شاهد ۲) - کلام مرحوم شهید اول، متوفی ۷۸۶.ه.ق ۶۳
شاهد ۳) - کلام مرحوم کفعمی ۶۳
شاهد ۴) - کلام مرحوم ابن مشهدی ۶۴
شاهد ۵) - وجود این نسخه ها در اکثر نسخه های خطی ۶۵
شاهد ۶) - ذکر فقرات حذف شده در حاشیه ۶۵
شاهد ۷) - منهاج الصلاح علامه حلی ۶۶
شاهد ۸) - کتاب المزار محمدبن داوود ۶۶
شاهد ۹) - پذیرش عملی متأخرین ۶۷
شاهد ۱۰) - نقل داستان شیخ طوسی توسط بزرگان ۷۲
نقل ماجرای شیخ طوسی ۷۳
شاهد ۱۱) - موافقت مضمون هر چهار فقره با روایات و زیارات
۷۴.....
۷۵..... حقیقت زیارت عاشورا در کلام شیخ صدوق
شاهد ۱۲) : ذکر سه اصل برای رفع تردید ۷۸
اصل اول : اصل عدم خیانت و تزویر ۷۹
اصل دوم: اصل عدم اجتهاد در استنساخ ۷۹

- ۸۰ اصل سوم: اصل عدم زیاده
- ۸۱ بیان دو نکته ضروری :
- ۸۱ نکته اول: فهمی نادرست از معنای «اصل عدم زیاده»
- ۸۶ نکته دوم: مقایسه نقل «کامل الزیارات» با «مصباح المتهجد»

فصل چهارم : تصاویر بعضی از نسخ خطی زیارت عاشورا

- ۸۹
۹۱ نسخه مصباح المتهجد معروف به نسخه بروجردی
- ۹۲ نسخه مصباح الزائر سید بن طاووس رحمته الله علیه
- ۹۳ نسخه مصباح الصغیر، ابن ابی الجود
- ۹۴ نسخه کامل الزیارات کتابخانه آیت الله مرعشی رحمته الله علیه
- ۹۵ نسخه مصباح المتهجد کتابخانه آستان قدس رضوی
- ۹۶ نسخه تحفه الزائر علامه مجلسی رحمته الله علیه کتابخانه آستان قدس رضوی

فصل پنجم : شبهه تحریف زیارت عاشورا و پاسخ مفصل و قاطع به آن

- ۹۷
۹۹ نقد زیارت عاشورا از دیدگاه شیخ راضی
- ۱۰۰ منشأ تحریف
- ۱۰۱ بازکاوی نسخه‌های خطی
- ۱۰۲ نسخه ابن ابی الجود
- ۱۰۳ نسخه کتابخانه آستان قدس رضوی
- ۱۰۳ نسخه شیخ عباس قمی رحمته الله علیه
- ۱۰۳ نتیجه گیری شیخ راضی
- ۱۰۴ پاسخ شیخ یوسف احمد احسائی

- بیان صحت نسخ مصباح المتهجد ۱۰۷
- ۱) : در خصوص نسخه خطی (مصباح کبیر) ۱۰۷
- الف) : نسخه مرحوم غیاث الدین استرآبادی ۱۰۸
- تذکری در خصوص نسخه غیاث الدین استرآبادی رحمته الله ۱۱۰
- صفحه اول نسخه غیاث الدین ۱۱۴
- صفحه زیارت نسخه غیاث الدین ۱۱۵
- صفحه آخر نسخه غیاث الدین ۱۱۶
- ب) : نسخه ابن ابی الجود ۱۱۷
- تأیید بر نسخه غیاث الدین رحمته الله و ابن ابی جود رحمته الله ۱۱۸
- صفحه اجازة نسخه ابن ابی الجود ۱۲۰
- صفحه زیارت نسخه ابن ابی الجود ۱۲۱
- نسخه مرحوم رقی رحمته الله ۱۲۲
- نسخه محمد صالح نهاری رحمته الله ۱۲۳
- نسخه بخشی تونی رحمته الله ۱۲۶
- خصوصیات نسخه ۱۲۶
- نسخه انصاری رحمته الله ۱۲۷
- ب) در خصوص نسخه خطی مصباح صغیر ۱۲۸
- نسخه خطی مرحوم محمد بن احمد بن علقمی رحمته الله ۱۲۹
- نسخه مرحوم محمد بن علی طبسی رحمته الله ۱۳۱
- صفحه مقابله نسخه طبسی مشهدی ۱۳۴

تحریفات و تصحیفات پیرامون زیارت عاشورا

- ۱۳۵..... صفحه زیارت نسخه طیبی مشهدی
- ۱۳۶..... نسخه مرحوم ابن ابی زنبور رحمته الله
- ۱۳۸..... نسخه کتابخانه آیت الله العظمی گلپایگانی رحمته الله
- ۱۳۸..... امتیازات نسخه
- ۱۳۹..... صفحه اول نسخه کتابخانه آیت الله گلپایگانی رحمته الله
- ۱۴۰..... صفحه زیارت نسخه کتابخانه آیت الله گلپایگانی رحمته الله
- ۱۴۱..... نسخه مرحوم معین الدین اصفهانی رحمته الله
- ۱۴۱..... نسخه مرحوم عبدالسمیع رحمته الله
- ۱۴۲..... نسخه مرحوم شاهرودی رحمته الله
- ۱۴۳..... نسخه مرحوم شمس الدین یزدی رحمته الله
- ۱۴۳..... نسخه ملا محمدجعفر رحمته الله
- ۱۴۴..... نسخه کرکانی رحمته الله
- ۱۴۶..... نسخه علاء بیک رحمته الله
- ۱۴۶..... نسخه عبدالحی رحمته الله
- ۱۴۷..... نسخه ابن زنگی رحمته الله
- ۱۴۸..... نسخه فرخ رحمته الله
- ۱۴۹..... فصل ششم : لعن در زیارت عاشورا و وحدت اسلامی
- ۱۵۱..... سخن مقام معظم رهبری دامت ظله پیرامون لعن نمودن
- ۱۵۱..... وحدت در کلام مقام معظم رهبری دامت ظله
- ۱۵۳..... نقادان بی پروا

مطالبی پیرامون لعن در زیارت عاشورا	۱۶۰
زیارت عاشورا و وحدت اسلامی	۱۶۲
اعلامیه علامه سید حمد علی العلی به نیابت از علما احساء	۱۶۳
فصل هفتم : سنت و سیره قرار دادن زیارت عاشورا	۱۶۵
فصل هشتم : استفتائات	۱۷۳
از محضر آیت الله الطعمی شیخ لطف الله صافی گلپایگانی <small>دامتله</small>	
.....	۱۷۵
از محضر آیت الله العظمی مظاهری <small>دامتله</small>	۱۷۶
فصل نهم : کتابشناسی زیارت عاشورا	۱۷۷
الف . کتابهای چاپی عربی	۱۷۹
ب . کتابهای چاپی فارسی	۱۸۴
ج . کتابهای خطی عربی	۱۹۸
د . کتاب های خطی فارسی	۲۰۵
هـ کتاب های اردو	۲۰۵
منابع و مآخذ	۲۰۹

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

پندار بعضی از نویسندگان است که از یک قرن قبل به بهانه وحدت جامعه اسلامی، خواندن زیارت عاشورا را دامن زدن به اختلاف بین شیعه و سنی دانسته و در صدد برآمده‌اند که از راه ضعف سند، آن را از اعتبار ساقط نمایند.

و برخی هم اظهار داشته‌اند این زیارت، برگشت به تاریخ گذشته و موجب تفرقه بین مسلمانان است و مصلحت در حذف فقرات حاوی لعن بر قاتلان سیدالشهدا (علیه السلام) می‌باشد؛ زیرا مانع وحدت است و ما نباید حدت مسلمین را فدای یک امر تاریخی کنیم. گذشتگان مسئول کار خود می‌باشند و ما هم مسئول حفظ وحدت مسلمانان هستیم.

در جواب اینان باید گفت که تشخیص این امر به عهده اولیای مسلمین است، هرگاه مقامات مسئول لزوم ترک امری را برای انجام امر مهم‌تری تشخیص دهند، آن را به عنوان امر ثانوی و نه اولی و از باب تقدیم اهم بر مهم به هنگام مزاحمت در مقام اجرا و امتثال احکامی می‌پذیریم. و متأسفانه عده‌ای از کسانی که ادعای شیعه بودن می‌نمایند در گوشه و کنار و حتی در کتاب‌هایشان این گونه نوشته‌اند که: «نزد شیعه درباره متن رایج این زیارت اتفاق وجود ندارد. نقل‌های معتبر دیگری از زیارت عاشورا وجود دارد که بعضی از فرازهای آن، متفاوت با متن رایج این زیارت است، خصوصاً لعن‌های انتهایی زیارت عاشورا که افراد تفرقه‌انگیز به آن استشهاد کرده‌اند.»

کتاب «کامل الزیارات»، تألیف جعفر بن محمد بن قولویه قمی (وفات ۳۶۷ ق) و کتاب «مصباح المتهدجد الكبير و الصغير»، تألیف شیخ طوسی (ره) (م ۴۶۰ ق). لعن‌ها و فرازهای انتهایی زیارت عاشورا در این دو منبع تفاوت عمده‌ای دارند؛ زیرا در متن رایج زیارت عاشورا که برگرفته از بعضی نسخ کتاب «مصباح المتهدجد» است، لعن‌های انتهایی زیارت عاشورا این‌گونه آمده است:

«اللَّهُمَّ خُصَّ أَنْتَ أَوْلَ ظَالِمٍ بِاللَّعْنِ مِنِّي، وَابْدَأْ بِهِ أَوْلًا ثُمَّ الثَّانِي وَالثَّلَاثَ وَالرَّابِعَ، اللَّهُمَّ الْعَنُ يَزِيدَ خَامِسًا، وَالْعَنُ عُبَيْدَ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ وَابْنَ مَرْجَانَةَ وَعُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَشِمْرًا، وَآلَ أَبِي سُفْيَانَ وَآلَ زِيَادٍ وَآلَ مَرْوَانَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.»^۱

این در حالی است که در تمامی نسخه‌های خطی و چاپی کتاب کامل الزیارات، لعن‌های انتهایی با این تعبیر آمده است: «اللَّهُمَّ خُصَّ أَنْتَ أَوْلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ آلَ نَبِيِّكَ بِاللَّعْنِ ثُمَّ الْعَنُ أَعْدَاءَ آلِ مُحَمَّدٍ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، اللَّهُمَّ الْعَنُ يَزِيدَ وَآبَاهُ وَالْعَنُ عُبَيْدَ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ وَآلَ مَرْوَانَ وَبَنِي أُمَيَّةَ قَاطِبَةً إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»^۲

از همه این‌ها گذشته، از کتاب «مصباح المتهدجد» نیز نسخه‌های خطی معتبر و مهمی بر جای مانده است که یا کل لعن‌های انتهایی زیارت عاشورا در آن‌ها وجود ندارد. یا این لعن‌ها به صورتی دیگر آمده است.

۱ - محمد بن حسن طوسی، مصباح المتهدجد و سلاح المتعبد، ج ۲، ص ۷۷۶.

۲ - جعفر بن محمد بن قولویه، کامل الزیارات، ص ۱۷۹.

برای نمونه ، لعن انتهایی زیارت عاشورا که در متن رایج بین شیعیان این گونه بوده :

«اللَّهُمَّ خُصَّ أَنْتَ أَوَّلَ ظَالِمٍ بِاللَّعْنِ مِنِّي، وَابْدَأْ بِهِ أَوَّلًا ثُمَّ الثَّانِيَّ وَالثَّلَاثَ وَالرَّابِعَ، اللَّهُمَّ الْعَنْ بَزِيدَ خَامِسًا، وَالْعَنْ عُبَيْدَ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ وَابْنَ مَرْجَانَةَ...»

و به بعضی از نسخه‌های کتاب «مصباح‌المتهجد» متعلق است ، در بعضی از نسخه‌های معتبرتر این کتاب چنین آمده است :

«اللَّهُمَّ خُصَّ أَنْتَ أَوَّلَ ظَالِمٍ بِاللَّعْنِ مِنِّي، وَابْدَأْ بِهِ جَمِيعَ الظَّالِمِينَ لَهُمْ، عُبَيْدَ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ وَابْنَ مَرْجَانَةَ...»^۱

همچنین در بعضی نسخه‌های «مصباح‌المتهجد صغیر» که مختصر کتاب «مصباح‌المتهجد الکبیر» است نیز این لعن‌ها وجود ندارد .^۲

در پاورقی کتاب لعن‌های نامقدس در صفحه ۹۲ چنین آمده است : گفته شده است در بعضی از نسخه‌های معروف و معتبر مصباح‌المتهجد، این لعن‌ها وجود ندارد ؛ از جمله نسخه «نقاش رازی» که در کتابخانه آستان قدس رضوی در مشهد نگهداری می‌شود . از ویژگی‌های این نسخه می‌توان به این‌ها اشاره کرد : تاریخ نسخه : ۵۰۲/۲/۲۳ ه.ق است . یعنی فقط ۴۲ سال بعد از وفات مؤلف .

این نسخه ، قدیمی‌ترین نسخه خطی کتاب «مصباح‌الکبیر» شیخ طوسی رحمته‌الله است . بر این نسخه تعدادی قرائت از جانب علمای مشهور از

۱ - ن ک : حسین راضی، زیارة عاشورا فی المیزان ، بیروت دارالحجة البيضاء ، ۱۴۲۹.ق.

۲ - لعن‌های نامقدس، ص ۹۱-۹۳.

جمله علامه حلی و ابن ادریس و درویشی وجود دارد . نسخه‌ای است تام و کامل از ابتدا تا انتهای نسخه .

بر اساس برخی خط شناسان ، اجازه‌ای برای ابن ادریس در این نسخه هست که به خط علامه حلی رحمته الله علیه است ؛ چون در آن عبارت آمده است : «حسن بن مطهر بن علی» همچنین گفته شده است که سید بن طاووس رحمته الله علیه بعد از نقل این زیارت در کتاب مصباح الزائر به این مطلب تصریح می‌کند که این زیارت را از کتاب «مصباح الکبیر» شیخ طوسی رحمته الله علیه که به خط خودش نوشته است ، نقل می‌کند ؛ در حالی که دو فصل آخر یعنی صد مرتبه لعن و سلام و فصل «اللَّهُمَّ خُصَّ...» در آن نبوده است وی آن‌ها را از کتاب مصباح الصغیر نقل کرده است .

چیزی که قطعی است اینکه شیعیان می‌توانند با استناد به کتاب «کامل الزیارات» ، زیارت عاشورا به گونه‌ای بخوانند که جنبه توهین به مقدسات اهل سنت را نداشته باشند ؛ چون لعن‌های انتهایی زیارت عاشورا در دو کتاب «کامل الزیارات» و «مصباح المتهدجد» ، با هم تفاوتی آشکار دارند .

و از این مهم غافل نشویم که امامت نزد اشیعیان از امور اعتقادی است که با نصب خدای متعال و با ابلاغ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم صورت گرفته است و مصادیق آن ائمه اثنی عشر علیهم السلام می‌باشند ؛ اولین آنان علی بن ابیطالب علیه السلام و آخرین آنان حضرت مهدی موعود امام زمان حجت بن الحسین علیه السلام است . طبق روایات ، انکار امامت یکی از آنان مساوی با انکار امامت همگی می‌باشد . این منظومه پیوسته تا پایان عمر دنیا باقی است و در این زمان ولایت و امامت بر عهده امام دوازدهم است که در پرده

استتار و منتظر فرمان خدا برای ظهور و تأسیس حکومت عدل جهانی است. بر ایان اساس پرداخت به امر امامت و برگشت به تاریخ، پرداختن به یک امر تاریخی محض نیست؛ بلکه در واقع بررسی یک امر کلامی بودن آن حدیث قطعی الصدور: «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»^۱ و حدیث قطعی الصدور: «ستفرق امتی ثلاثة و سبعین فرقة منها فرقة الناجية و الباقي في النار»^۲ می باشد.

بنابراین زنده نگه داشتن حادثه کربلا، احیای ارزش‌های اسلامی است، نه بررسی و پرداختن به یک حادثه صرفاً تاریخی، و آن چه نباید به آن پرداخت امور تاریخی بیهوده و بی‌هدف است، نه وقایع پیام آور و حافظ ارزش‌ها. امام حسین (علیه السلام) قرآن مجسم و ممثل تمام ارزش‌ها و اهداف مقدس انبیا و اولیا است که باید تا ابد راه و روش او زنده و محفوظ بماند و این زیارت برای تحقق اهداف امام باید همه ساله، بلکه همه روزه خوانده شود تا «کل ارض کربلا و کل یوم عاشورا» برای نسل‌های بعد به فراموشی سپرده نشود.

حوزه علمیه اصفهان
مهدی آقابابایی

۱ - بحارالانوار، ج ۲۵، ص ۱۵۸.

۲ - مناقب خوارزمی، ص ۳۳۱.

تحريفات و تصحيقات پيرامون زيارت عاشورا

فصل اول:

اختلاف نسخه‌ها در نقل زیارت عاشورا

تحریفات و تصحیفات پیرامون زیارت عاشورا

اختلاف نسخه‌ها در نقل زیارت عاشورا

وجود اختلاف نسخه در کتب گذشتگان امری طبیعی است. از این رو بزرگان ما از دیرباز در پی تصحیح کتب بوده و مخصوصاً کتب ادعیه و زیارات، تلاش مضاعفی به خرج می‌دادند.

دسته‌بندی اختلاف نسخه‌ها

با دقت در اختلاف نسخه‌هایی که در زیارت عاشورا وجود دارد، می‌توان اهم این اختلاف‌ها را در پنج دسته خلاصه کرد:

دسته اول:

اختلاف در به کارگیری واژه‌هایی که تقریباً مترادف هستند. مثل این که در برخی از نسخه‌ها چنین آمده است: «وَأَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ تَارِكٍ مَعَ إِمَامٍ مَنْصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ...»، در حالی که در برخی دیگر از نسخه‌ها، به جای «اهل بیت» از واژه «ال» استفاده شده است.

دسته دوم:

برخی از اختلاف نسخه‌ها در بود و نبود واژه‌ای است که در معنی و اساس جمله تأثیر چندانی ندارد. مثل این که در برخی از نسخه‌ها آمده است: «بَرَأْتُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى»، در حالی که کلمه «تعالی» در نسخه دیگری نیست.

دسته سوم :

اختلاف‌هایی که معنای اصلی جمله را تغییر می‌دهد . مثل این مورد :
«جلت و عظمت المصیبة بک علینا و علی جمیع اهل الاسلام» ، که با این
جمله تفاوت دارد : «جلت و عظمت مصیبتک فی السماوات علی جمیع
اهل السموات» .

دسته چهارم :

اختلاف نسخه‌هایی که ریشه در نکته‌های لغوی و ادبی و ... دارد . مثل
این دو مورد :

الف) «اللَّهُمَّ الْعَنِ الْعِصَابَةَ الَّتِي جَاهَدْتَ الْحُسَيْنَ» . در برخی از نسخه‌های
دیگر به جای «جاهدت» ، لفظ «حاربت» به کار رفته است . گروهی بر
این باورند که واژه جهاد [جاهدت] در جنگ باطل علیه حق به کار نمی-
رود ، بلکه فقط در نبرد حق علیه باطل کار برد دارد ، لذا می‌گویند: این جا
تحریفی صورت گرفته و واژه اصلی «جاحدت» بوده که به معنای انکار
کردن است . معنای آن این است که: خداوندا! گروهی را که امام حسین
علیه السلام را انکار کردند ، نفرین کن .

ب) در فقرة «اللَّهُمَّ خُصَّ أَنْتَ أَوَّلَ ظَالِمٍ بِاللَعْنِ مِنِّي وَابْدَأْ بِهِ اَوْلَا...» در
اکثر نسخه‌ها ، «وابدأ به اولاً» آمده ، در حالی که عده‌ای می‌گویند : از
نظر ادبی باید عبارت این‌گونه باشد : «وابدأ به اول» .

توجه : کنکاش در این چهار دسته و غیر از این بحث‌های بسیار مفید و بلکه
لازمی است که مجال مستقلی می‌طلبد و ما فعلاً در پی آن نیستیم .

دسته پنجم :

در زیارت عاشورا به اختلاف نسخه دیگری هم بر می‌خوریم که به نظر ما تنها و تنها با در نظر گرفتن شرایط دشوار ائمه علیهم‌السلام و شیعیان و رعایت «تقیّه» قابل توجیه است .

نمونه‌ای بارز از اختلاف نسخه‌های دسته پنجم

با جستجو در نسخه‌های متعدد خطی و چاپی زیارت عاشورا در مصباح و دیگر کتاب‌ها به نتایج زیر دست یافتیم:

الف) در برخی از نسخه‌ها به این جمله می‌رسیم :

«اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا يَوْمٌ تَبَرَّكَتَ بِهِ بِنوَامِيهِ وَابْنِ آكِلَةِ الْأَكْبَادِ اللَّعِينِ بْنِ اللَّعِينِ عَلَيَّ لِسَانِكَ
وَلِسَانِ نَبِيِّكَ فِي كُلِّ مَوْطِنٍ وَ مَوْطِنٍ وَقَفَ فِيهِ نَبِيِّكَ اللَّهُمَّ الْعَنُ أَبَا سُفْيَانَ»

بعد از این جمله زیارت تمام می‌شود و امر به سجده و دعای سجده می‌کند . یعنی این چهار فقره در این نسخه‌ها وجود ندارد :

(۱) - و معاوية و يزيد بن معاوية عليهم منك اللعنة ابد الآبدين و هذا يوم فرحتت به آل زياد و آل مروان يقتلهم الحسين صلوات الله عليه . اللهم فضعف عليهم اللعن و العذاب اللهم اني اتقرب اليك في هذا اليوم و في موقفي هذا و ايام حياتي و بالبرائة منهم و اللعنة عليهم و بالموالاة لنيبك و آل نبيك عليه و عليهم السلام .

(۲) - «اللهم العن اول ظالم ...» [که صد بار تکرار می‌شود].

(۳) - «السلام عليك يا ابا عبد الله و على الارواح التي حلت بفنائك ...» [که صد بار تکرار می‌شود]

۴- «اللهم خص انت اول ظالم باللعن منى...»

ب) در بعضی از نسخه‌ها دو فقره مشتمل بر «صد لعن» و «صد سلام» یافت نمی‌شود، ولی فقره اول و چهارم به همان نحو مشهور که در مفاتیح الجنان آمده، دیده نمی‌شود.

ج) در بعضی از نسخه‌ها، سه فقره اولیه وجود دارد، اما فقره چهارم به این نحو است:

«اللهم خص انت اول ظالم ظلم ال نبيك باللعن ثم العن اعداء ال محمد من الاولين و الآخريين. اللهم العن يزيد و اباه و العن عبيدالله بن زياد و آل مروان و بنى اميه قاطبة الى يوم القيامة.»

د) در بعضی از نسخه‌های خطی ضمن وجود سه فقره اولیه، فقره چهارم با اختلاف‌هایی نقل شده است که به دو مورد از آن‌ها اشاره می‌شود:

«اللهم خص انت اول ظالم باللعن منى و ابدأ به اللهم العن يزيد بن معاوية و العن عبيدالله بن زياد و ابن مرجانه و عمر بن سعد و شمرا و آل ابى سفيان و آل زياد و آل مروان الى يوم القيامة»

«اللهم خص انت اول ظالم عبد [كذا] الله بن زياد و ابن مرجانه و عمر بن سعد و شمرا و آل ابى سفيان و آل زياد و آل مروان الى يوم القيامة»

ه) در بسیاری از نسخه‌ها هر سه فقره اولیه موجود است و فقره چهارم هم با همان عبارت مشهور دیده می‌شود:

«اللهم خص انت اول ظالم باللعن منى و ابدأ به اولاً ثم العن الثانى ثم الثالث و الرابع اللهم العن يزيد بن معاويه خامسا و العن عبيدالله بن زياد و ابن مرجانه و عمر بن سعد و شمرا و آل ابى سفيان و ال زياد و آل مروان الى يوم القيامة»
پرواضح است که منظور ما از چهار فقره ، اساس چهار فقره است و اختلاف نسخه‌های جزئی که در قسم پنجم نمی گنجد ، از بحث ما خارج است .

سخنان آیت‌الله‌العظمی‌مکارم‌شیرازی (دام ظلّه) پیرامون اختلاف نسخه‌های زیارت عاشورا

حضرت آیت‌الله‌العظمی‌مکارم‌شیرازی(دام‌ظلّه) در کتاب «مفاتیح نوین» ذیل زیارت عاشورا می‌نویسد :

باید توجه داشت که جمله‌های فوق در چند نسخه مهم و معتبر دیگر «مصباح‌المتهجد» و «مصباح‌الصغیر» موجود است .

۱- نسخه قدیمی و خطی «مصباح‌المتهجد» تاریخش به زمان شیخ طوسی رحمته‌الله (قرن پنجم) بر می‌گردد و در کتابخانه مسجد اعظم قم به شماره ۳۹۴ موجود است و در صفحه اول آن نوشته شده : «نسخه زمان مؤلف».

۲- نسخه ابن ابی الجود که در کتابخانه مرحوم آیت‌الله‌العظمی‌مرعشی نجفی رحمته‌الله به شماره ۶۸۳۷ موجود است ؛ وی می‌نویسد : این نسخه را با نسخه‌ای که در اختیار نوه ابن شهر آشوب بوده، مقابله کردم و نوه ابن شهر آشوب گفته است که من از جدم «ابن شهر آشوب» شنیدم که این نسخه‌ای است که آن را بر شیخ طوسی خوانده‌ام و در این نسخه نیز جملات فوق قرار دارد .

۳- مرحوم سید ابن طاووس رحمته الله هم در «مصباح الزائر» این زیارت را به همین کیفیت نقل کرده و پس از آن می گوید : من آن را از «مصباح الصغیر» شیخ نقل می کنم.^۱

۴- در بحارالانوار که مستقیماً از «مصباح المتهدد» نقل کرده این فقرات موجود است که نشان می دهد در نسخه موجود نزد علامه مجلسی نیز جملات فوق بوده است.^۲

و اگر هم در برخی از نسخه ها نیست ، ممکن است به شرایط زمانی عرضه این زیارت [در راستای رعایت تقیه] برگردد.^۳

۱ - مصباح الزائر ، ص ۲۷۸.

۲ - بحارالانوار ، ج ۹۸ ، ص ۲۹۶.

۳ - مفاتیح نوین ، ص ۳۹۹.

فصل دوم:

بررسی روش‌های اثبات اعتبار زیارت عاشورا

تحريفات و تصحيقات پيرامون زيارت عاشورا

بررسی روش‌های اثبات اعتبار زیارت عاشورا

۱- روش متأخرین

زیارت عاشورا در کتاب‌های مصباح کبیر و صغیر شیخ طوسی و کامل الزیارات ابن قولویه و مصباح الزائر ابن طاووس و المزار الکبیر ابن مشهدی و بحار الانوار و کتاب‌های دیگر مذکور است.^۱

بعضی نوشته‌اند این زیارت طبق نوشته سید بن طاووس در مصباح الزائر، در کتاب مصباح کبیر شیخ طوسی بدون صد لعن و صد سلام است، لذا مرحوم سید بن طاووس زیارت کامل را از مصباح صغیر شیخ نقل کرده است. بدین ترتیب، این مستشکل با این کلام هم کتاب مصباح کبیر شیخ را از مدار خارج می‌کند و هم مصباح صغیر را دچار خدشه می‌نماید و هم سید بن طاووس را زیر سؤال می‌برد. بنابراین زیارت کامل را منحصر به مصباح صغیر و کتاب کامل الزیارات کرده است و این را دلیل تحریف به زیاده در نسخه‌های دیگر مصباح کبیر دانسته است.^۲

۱ - مصباح المتعجد: ۷۱۳؛ کامل الزیارات: ۱۷۳، ب ۷۱؛ مصباح الزائر: ۲۶۹؛ المزار الکبیر از محمد بن جعفر مشهدی: ۴۸۰؛ بحار الانوار ۹۸: ۲۹۰؛ زاد المعاد: ۳۷۳؛ تحفة الزائر: ۳۲۷؛ مفاتیح الجنان: ۷۵۰.

۲ - لازم است در مورد این اشکال توضیح داده شود که مصباح صغیر خلاصه مصباح کبیر است که توسط خود شیخ طوسی خلاصه شده است. حال چگونه ممکن است

لیکن این که متن کامل زیارت ، منحصر به این دو کتاب باشد ، مردود است ؛ زیرا در کتاب‌های دیگر که یکی از آنها کتاب المزار الکبیر ابن مشهدی است (که مؤلف در مقدمه آن تضمین وثاقت راویان سند احادیث آن را نموده است) این زیارت به نحو کامل موجود است . از آنجا که مؤلف این کتاب مرحوم جعفر بن محمد مشهدی از علمای مورد وثوق می‌باشد بی‌گمان با تضمین مؤلف ، روات کتاب توثیق کلی می‌شوند و مرسلات آن کتاب در حکم مسانید معتبر شناخته می‌شود و در نتیجه ادعای تحریف این زیارت ، افتزایی بیش نخواهد بود . صاحب کتاب «شفاء الصدور» در پایان بحث سند اظهار داشته است که در اعتبار روایت شک و تردیدی نیست و علمای شیعه در تمامی اعصار و تطاول ایام به این روایت پایبند بوده و غالباً آن را از اوراد لازمه و اذکار دائمه خود قرار داده‌اند .

با وجود این که بعضی سندهای آن صحیح و بعضی حسن است و فی الجمله وثاقت سند بر مشرب تحقیق به هیچ وجه جای تأمل نیست، بدین ترتیب احدی از علما در این جهت سخنی نگفته و تأملی نکرده است .^۱

صد لعن و صد سلام در مصباح صغیر باشد، ولی در مصباح کبیر نباشد؟ به طور حتم در نسخه‌ای که سید بن طاووس داشته، صد لعن و صد سلام ساقط شده است چرا که تمام نسخه‌های خطی مصباح کبیر دارای این دو فراز می‌باشند و کسانی که این زیارت را از مصباح کبیر نقل کرده‌اند، آن دو فراز را هم آورده‌اند. بنابراین به نظر می‌رسد نسخه مصباح کبیر که نزد سید بن طاووس بوده، کامل نبوده است.

۱ - شفاء الصدور ، ج ۱، ص ۷۲.

در هر حال زیارت عاشورا که مشتمل بر صد لعن و سلام می‌باشد از امام محمد باقر و امام صادق (علیهما السلام) در کتب امامیه به چند طریق مذکور است .

الف) بررسی سند زیارت در کتاب کامل الزیارات

جعفر بن محمد بن قولویه در کتاب کامل الزیارات (باب ۷۱) آن را به دو سند از حضرت امام باقر (علیه السلام) ذکر کرده است .

سند اول : حکیم بن داود و غیره از محمد بن موسی همدانی از محمد بن خالد طیالسی از سیف بن عمیره و صالح بن عقبه از علقمه بن محمد حضرمی از امام باقر (علیه السلام) .

سند دوم : محمد بن اسماعیل از صالح بن عقبه از مالک جهنی از امام باقر (علیه السلام) .

مرحوم ابن قولویه در مقدمه کتاب کامل الزیارات فرموده‌اند روایاتی که در این کتاب درج شده همگی از مشایخ ثقات واصل شده است. در نتیجه وی با این گفتار ۳۸۸ راوی را توثیق کرده است ، البته به عقیده اکثر علما ، این جمله تنها مربوط به آخرین حلقه نزولی سند است ؛ یعنی افرادی که نسبت به او (ابن قولویه) دارای رابطه استادی می‌باشند و آنها ۳۲ نفر از مشایخ بدون واسطه ایشان هستند . در هر حال چون حکیم بن داود در آخرین حلقه نزولی است به هر دو وجه مشمول توثیق ابن قولویه می‌شود .^۱

۱ - شیخ ابو القاسم جعفر بن قولویه همان است که سی سال قبل از وفات خود که سنه ۳۳۹ هجری باشد به قصد حج حرکت کرد. برای آن که در آن سال حجر الاسود را قرامطه به سوی مکه می‌بردند تا در جای خود نصب کنند در زمانی که قریب بیست سال بود که

حجر را کنده و به هجر برده بودند. شیخ ابن قولویه به آرزوی تشریف به لقاء امام زمان علیه السلام قصد حج کرد تا به خدمت آن حضرت در وقت نصب حجرالاسود مشرف شود. چون به بغداد رسید مریض شد و نتوانست برود. ناچار نایبی گرفت و به مکه فرستاد و رقعهای نوشت و مهر کرد به او داد و گفت این رقعہ را می‌دهی به آن کس که حجر الاسود را در مکان خود نصب می‌کند و در آن نامه سؤال کرده بود از مدت عمر خود و آن که از این مرض می‌میرد یا خوب می‌شود. آن شخص به مکه مشرف شد و روزی که می‌خواستند حجر را نصب کنند، مردم جمع شده بودند، او قدری پول به خدام کعبه داد تا وی را نزدیک رکن جای دهند که ببیند چه کسی حجر را نصب می‌کند. این نایب گفته است: هر کس که حجر را برداشت اضطراب کرد و افتاد، تا آن که شخصی گندم گون نیکو روی آمد و حجر را برداشت و جای خود گذاشت. حجر به جای خود مستقر گردید آن شخص از همان راهی که آمده بود، بازگشت من دنبال او را گرفتم و دیده را به سوی او دوخته بودم و مردم را از خود به زحمت دور می‌کردم و دنبال او می‌رفتم. مردم از این حال من خیال کردند که من دیوانه شده‌ام از این‌رو راه برای من می‌گشودند و من با عجله می‌دویدم و او به آهستگی و وقار می‌رفت و با این حال به او نمی‌رسیدم تا رسیدم به جایی که کسی نبود، آن شخص روی به من کرد و فرمود: بیاور آن‌چه با تو است. رقعہ را به خدمتش دادم، بدون آن که آن را ملاحظه فرماید، فرمود. با وی بگو که خوفی از برای بیماری تو نیست و سی سال دیگر خواهی مرد. پس مرا گریه روی داد و دیگر نتوانستم حرکت کنم. این بفرمود و برفت. آنگاه نایب جناب شیخ ابن قولویه از مکه مراجعت کرد و این خبر را به شیخ داد و چنان شد که آن حضرت خبر داده بود. آیت الله آقای محسن خرازی در کتاب روزنه‌ای به عالم غیب (ص ۱۷۶) از یکی از دوستان ثقه خود نقل کرده در زمان آیت الله خویی و حکیم در هنگام تعمیر قبر ایشان، پیکر وی از زیر خاک نمایان شد کفن پوشیده ولی بدن سالم و موی صورت رنگ کرده و هیچ تغییری در اندام پدید نیامده و تازه بود اما از شدت لاغری پوست بدن به استخوان چسبیده بود.

محمد بن موسی همدانی نیز گرچه توثیق صریح ندارد ، ولی نجاشی او را ذکر کرده و اظهار نموده است که قمیون گفته‌اند : وی غالی و نزد بعضی ، از جاعلین است والله اعلم. از آن جا که نجاشی در مقدمه کتابش گفته است که من از سلف صالح در این کتاب درج می‌کنم و چون به نقل دیگران اکتفا کرده و با جمله «والله اعلم» آنان را زیر سؤال برده است و نه محمد بن موسی را، از این شیوه کلام کشف می‌شود محمد بن موسی نزد ایشان نقطه ضعف ندارد و عموم سلف صالح شامل او می‌شود . همچنین ایشان محمد بن خالد طیالسی را هم ذکر نموده و جرحی درباره وی ارائه نکرده است .^۱

در حلقه سوم از سند اول ، دو نفر قرار دارند ؛ سیف بن عمیره که ثقه است و دومین آنان صالح بن عقبه است . از این رو چنانچه صالح توثیق نشود ، ضرری به سند وارد نمی‌گردد و علقمه بن محمد حضرمی هم در سند شیخ هم طراز صفوان است که به آن اشاره شد. به هر روی از آن جا که صاحب شفاء الصدور از عهده این بحث به نحو اکمل بر آمده‌اند مشتاقان برای استفاده بیشتر می‌توانند به آن رجوع کنند .

ب) بررسی سند زیارت در کتاب مصباح المتهجد

سند شیخ الطائفه در کتاب مصباح المتهجد بدین ترتیب است :
مرحوم شیخ طوسی در این کتاب از امام باقر علیه السلام به دو سند و از امام صادق علیه السلام به یک سند زیارت را نقل کرده است .

۱ - رجال نجاشی ، ص ۳۳۸ و ص ۳۴۰.

در این مختصر ابتدا نظر به سند سوم است که منتهی به امام صادق علیه السلام می‌شود . سند مزبور بدین قرار است :

محمد بن خالد طیالسی از سیف بن عمیره نقل می‌کند که : به همراه صفوان بن مهران جمّال و جماعتی از اصحاب، بعد از آن که امام صادق علیه السلام از حیره به مدینه برگشته بود به نجف اشرف رفتیم . هدف از این اجتماع زیارت قبر مطهر ابوالحسن امیرالمؤمنین علیه السلام بود ، وقتی به محدوده مزار شریف رسیدیم ، صفوان مشغول زیارت شد ، ابتدا زیارت حضرت امیر علیه السلام را خواند و بعد از آن رو به طرف کربلا ایستاد و زیارت عاشورا را که از علقمه نقل شده بود خواند و پس از آن دعای معروف به همان دعای علقمه را که در واقع دعای صفوان است ، خواند . سیف بن عمیره گوید من به صفوان گفتم : علقمه بن محمد حضرمی زیارت عاشورا را برای ما از امام باقر علیه السلام خواند و این دعایی که تو حالا خواندی در آن نبود صفوان درباره علقمه هیچ‌گونه قدحی وارد نکرد و فقط گفت من با امام صادق علیه السلام در این مکان آمدم امام علاوه بر آنچه علقمه برای شما نقل کرده است این دعا را هم خواند .

از این مطالب استفاده می‌شود که : علقمه در نزد صفوان مجهول الحال نبوده ؛ بلکه یک شخصیت علمی مورد تأیید است . این گفتار هم زیارت عاشورا را توجیه و هم وضع علقمه را روشن می‌نماید . تفصیل بیشتر در کتاب شفاء الصدور مذکور است و به همین اندازه اکتفا می‌کنیم .

و اما دو سند دیگر که به امام باقر علیه السلام منتهی می‌شود ،

سند اول : محمد بن اسماعیل بن بزیع از صالح و سیف بن عمیره از علقمه بن محمد حضرمی . این سند هم قابل تصحیح و توجیه فنی است

؛ زیرا طریق شیخ به محمد بن اسماعیل بن بزیع صحیح است و صالح بن عقبه هم هرچند توثیق صریح ندارد ، ولی نقل ابن بزیع اعتماد بر اوست و توثیق عملی محسوب می‌شود ، علاوه بر این در طبقه او سیف بن عمیره واقع شده که صریحاً مورد توثیق علمای علم رجال است . در آخرین طبقه سند هم علقمه قرار دارد که پیش‌تر وضع او روشن شد .

اما سند دوم : محمد بن خالد طیالسی از سیف بن عمیره . طیالسی از کسانی است که هم در سند کامل الزیارات و هم در سند تفسیر علی بن ابراهیم واقع شده است و هم در سند دیگر که ذکر شد مورد اعتماد ابن بزیع قرار دارد. نتیجه این که هر سه سند شیخ در کتاب مصباح معتبر می‌باشد . بدین ترتیب زیارت عاشورا به روش متأخرین که تنویع اخبار آحاد به صحیح ، حسن ، موثق و ضعیف است ، زیارتی معتبر و دارای سند قوی محسوب می‌شود .

باید توجه داشت که برای روز عاشورا چند زیارت در کتاب های امامیه وجود دارد ، اما مورد بحث ما زیارتی است که در کتاب «مفاتیح الجنان» به عنوان زیارت عاشورای معروف ذکر شده است. در آن جا این زیارت دارای مقدمات، آداب، تعقیبات و ادعیه خاصی است. این ادعیه و آداب

۱ - صالح بن عقبه در کتاب کامل الزیارات و نیز در تفسیر قمی در سلسله سند روایت قرار دارد و مؤلفان این دو کتاب (مرحوم ابن قولویه و مرحوم علی بن ابراهیم قمی) در مقدمه کتاب خود به وثاقت راویان احادیث خود تصریح کرده‌اند. به علاوه مرحوم محدث نوری روایت کردن یونس (که از اصحاب اجماع است) از صالح بن عقبه و روایت کردن محمد بن اسماعیل بن بزیع و محمد بن حسین بن ابی خطاب از او را دلیل بر وثاقت وی گرفته است .

که مربوط به قبل و بعد زیارت می‌باشد مورد بحث نیست ، بلکه خود زیارت مطلوب و مورد نظر می‌باشد و آن از «السلام علیک یا ابا عبدالله» شروع و به دعایی که در سجده خوانده می‌شود خاتمه می‌یابد . و بعد از سجده ، علقمه که راوی آن زیارت است گفته است که امام باقر علیه السلام فرمود : اگر بتوانی هر روز آن حضرت را از منزل خود زیارت کنی انجام بده و برای تو تمام ثواب‌ها که گفته شد ، خواهد بود.

این زیارت با آداب و تشریفات در کتاب مصباح کبیر و مصباح صغیر شیخ طوسی و مصباح الزائر سید بن طاووس و بحار الانوار و زادالمعاد و تحفه الزائر مرحوم مجلسی با ذکر سند مذکور است . همچنین بدون دعای بعد از آن در کتاب کامل الزیارات ابن قولویه و المزار الکبیر ابن مشهدی با ذکر سند و در مصباح کفعمی بدون ذکر سند روایت شده است و ۴۵ شخصیت علمی درباره آن به صورت کتاب مستقل یا مقاله اظهار نظر کرده‌اند .

۲- روش قدما

آنچه تاکنون گفته شد، بررسی سند به روش متأخرین بود که خبر واحد را به چهار دسته: صحیح، حسن، موثق و ضعیف تقسیم کرده‌اند. اما قدما، روایات را با قرائن داخلی و خارجی به صحیح و ضعیف تقسیم نموده و اخبار کتاب‌های معتبر را محفوف به قرینه و مورد وثوق دانسته‌اند. این شیوه تا زمان علامه حلی ادامه داشت. مرحوم شیخ بهاء الدین عاملی و مرحوم صاحب وسائل، این قرائن را جمع‌آوری کرده‌اند که عمده آنها، ذکر روایت در اصول معتمده متعدد یا تکرار در اصل واحد، استناد مشهور قدما به آن، موافقت با محکّمات کتاب و سنت قطعی، موافقت با عقل بدیهی و فطرت طبیعی، علوّ متن و... می‌باشد.

مرحوم شیخ بهاء الدین عاملی فرموده‌اند که: این قرائن به مرور زمان از بین رفته‌اند از این رو علامه و پیروان وی به تنويع اخبار به چهار دسته قائل شده و حجیت را دائر مدار بررسی سند دانسته‌اند.^۱ لیکن مرحوم صاحب وسائل فرموده‌اند: قرائنی که گفته شد به قوّت خود باقی است و ما چیزی از آنها را از دست نداده‌ایم.

آیت الله شیخ حسین کریمی بر این عقیده است که با جمع‌آوری نسخه‌های خطی و پیدایش صنعت چاپ و ارتباط با دیگر کشور های جهان و بررسی اکثر قرائن موجود توسط محققان، وثوق به صدور حاصل می‌شود. با این ترتیب به مطلق خبر موثوق الصدور (خواه از ناحیه سند

۱ - رجوع شود به مقدمه کتاب مشرق الشمسین که ضمیمه کتاب حبل المتین در قم توسط مکتبه بصیرتی به چاپ رسیده است.

باشد و خواه از ناحیه قرائن) عمل می‌کنیم. بنابراین، اخبار موجود در کتب اربعه را باید پذیرفت، مگر معارض داشته باشد که در صورت تعارض، به معیارهای رجالی رجوع می‌کنیم و بعضی از اخبار را بر بعضی دیگر ترجیح می‌دهیم.

مرحوم شیخ بهایی پس از ذکر شیوه قدما می‌گوید: وجه عدول از شیوه قدما به رویه متأخرین، از بین رفتن قرائن و کتاب‌های روایی در اثر سلطه جباران بوده است، لذا آن روش ترک شده و به روش متأخرین عمل می‌شود. چنان‌که گفته شد قدما روایت را از راه «وثوق خبری» که از قرائن داخلی و خارجی استفاده می‌شد تصحیح می‌کردند، در حالی که متأخرین از راه «وثوق مخبری» عمل می‌کنند. ولی مرحوم صاحب وسائل فرموده‌اند از آن چه در زمان مشایخ اصحاب هم چون مرحوم کلینی، مرحوم صدوق و مرحوم شیخ طوسی وجود داشته چیزی کم نشده است.^۱

نگارنده می‌افزاید: با تلاش جدی فقها و پی بردن آنان به نقشه‌های جباران و نیرنگ دشمنان اسلام و نیز حفظ اتصال طبقاتی فقهای امامیه که با اهتمام مرحوم آیت الله بروجردی به پیروی از مرحوم علامه کاشف الغطاء انجام گردید همه چیز در جای خود محفوظ مانده و افراط بعضی و تفریط برخی دیگر تأثیری در میراث فرهنگی شیعه نداشته است.

۱ - رجوع شود به وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۶۷ و ص ۱۱۰، نشر مکتبه اسلامیة تهران ۱۳۸۹ق.

با این همه ، ممکن است گفته شود که تعدیل روات از باب شهادت است ، از این رو نیاز به اخبار جزمی و حسی و بدون واسطه (یا حد اکثر به یک واسطه هم در بعضی موارد) دارد ، بنابراین تعدیل روات از باب روایت و حکایت نیست تا با حدس فقیه آن هم بعد از فاصله صدها سال سازگار باشد .

در پاسخ باید گفت که توثیق رجال حدیث از باب رجوع به اهل خُبره است ، از این رو به قول یک خبره ثقه نیز اعتماد و اکتفا می شود و نیاز به عدالت و تعدّد هم ندارد .

ناگفته نماند در جایی که از حس می توان گواهی داد، بی گمان گواه حسی مقدّم می باشد، ولی بعد از آن که استناد به حس متعذّر شد، رجوع به خبره راه گشای مشکل می گردد. نظیر صحنه تصادف که تا صحنه به هم نخورده است، گواهی حسی کارساز می باشد ، لیکن اگر صحنه به هم بخورد لازم است به خبره فن (کارشناس) رجوع شود .

در توثیق هم اگر گواهی حسی لازم باشد، میان گواهی نجاشی متوفای ۴۵۰ق به عدالت محمد بن مسلم که در سال ۱۵۰ق درگذشته است با زمان حاضر که بیش از هزار سال فاصله زمانی دارد، فرقی نیست. همان گونه که گواهی صاحب تنقیح المقال و قاموس الرجال و امثال آنان که خبرگان زمان ما می باشند از راه حدس است، گواهی نجاشی و شیخ و امثال ایشان هم غالباً حدسی است و آنان نیز با این مشکل دست به گریبان بوده اند .

باید دانست که انحصار توثیق و تعدیل به گواهی حسی، به ویژه اگر مثل صاحب مدارک و صاحب معالم تعدد عادل هم بدان ضمیمه شود، علاوه

بر آن که دلیلی بر آن قائم نیست، نتیجه‌اش بایگانی شدن کتب اربعه خواهد بود، تا چه رسد به وسائل الشیعه و مستدرک الوسائل .

اما در روش دوم (شیوه قدما) حدیث از باب محفوف بودن به قرائن کلی و جزئی موثوق الصدور می‌شود. در این روش روایات به دو دسته تقسیم می‌گردند: احادیث صحیح که موثوق الصدور می‌باشند و غیر آن که محکوم به ضعیف بودن می‌شوند .

در روش قدما طبق آن چه شیخ بهاء‌الدین عاملی و صاحب وسائل گفته‌اند ، احادیث کتب اربعه و امثال آن که برگرفته از اصول معتمده و متون مشهوره و دارای علو متن و عمل مشهور و مطابق با عقل بدیهی و موافق با حسن و قبح عقلی و دارای آثار و برکات وجودی‌اند ، حجت می‌باشند .

آیت الله کریمی در کتابش می‌نویسد : روش متأخرین نیز هرگاه ایجاد وثوق و اطمینان نماید ، پذیرفته می‌شود . پس به نظر ما خبر واحدی که سلسله راویان آن ثقه‌اند یا خبر واحدی که مورد عمل مشهور از قدما قرار گرفته است، هر چند روایات حدیث ثقه نباشند، حجت است. همان‌گونه که اگر تمام روایات از بزرگان ثقه باشند، ولی حدیث مورد اعراض مشهور باشد، در اثر این اعراض، اعتبار خود را از دست می‌دهد .

بنابراین باید پذیرفت که دسته‌بندی و تنويع اخبار به چهار نوع در مقام نامگذاری است و ربطی به حصر حجیت به بخش صحیح و حسن و موثق ندارد، بلکه هرگاه خبری مورد عمل قدمای اصحاب باشد حتی اگر از دسته چهارم (ضعیف) باشد، از راه وثوق خبری که مستفاد از قرائن عقلی و نقلی است حجیت می‌یابد و در واقع همین نکته سرّ آن است که منکرین حجیت خبر واحد، مانند صاحب سرائر به بعضی از اخبار مرسل و ضعیف

استناد کرده‌اند. نهایت این که بر اساس این روش، فایده علم رجال منحصر به باب تعارض اخبار خواهد بود.^۱

۳- اثبات اعتبار توسط اجماع قولی و علمی

یکی از ادله صدور زیارت عاشورا، اجماع فقها از زمان امام باقر (علیه السلام) تا زمان حاضر می‌باشد. به سخن دیگر، زیارت عاشورا تا آن مقدار که در کتاب کامل الزیارات ذکر شده است مورد توافق علمای امامیه بوده است و اختلاف در زاید بر آن مقدار می‌باشد.

صاحب شفاء الصدور گفته است: «و بالجمله، از زیارت عاشورا برکات اخروی و منافع دنیوی و آثار غریب و خواص عجیب در قضای حاجات و نیل به مقاصد و حصول مطالب آن قدر دیده شده که نمی‌توان احصا کرد و در بعضی رؤیاهای صادقانه که حکم مکاشفات حقه را دارد، خصایص عظیمه و منافع جلیله از او معلوم شده که نمی‌توان برشمرد».^۲

یکی از مراجع عصر در این باره فرموده است: متن زیارت عاشورا گواه بر عظمت آن است، به ویژه با ملاحظه آن چه در سند زیارت رسیده است که حضرت صادق (علیه السلام) به صفوان می‌فرماید: «این زیارت و دعا را بخوان و بر آن مواظبت کن، به درستی که من چند چیز را برخواننده آن تضمین

۱ - اعتبار زیارت عاشورا، صص ۴۵-۴۸.

۲ - شفاء الصدور، علامه تهرانی حاج میرزا ابوالفضل کلانتری، ص ۵۲، منشورات مرتضوی تهران، ۱۳۱۰.

می‌کنم : ۱- زیارتش قبول شود، ۲- سعی و کوشش وی مشکور باشد، ۳- حاجات او هر چه باشد، برآورده شود و نا امید از درگاه خدا بر نگردد .
ای صفوان! این زیارت را با این ضمان از پدرم یافتم و پدرم از پدرش تا امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت امیر علیه السلام نیز از رسول خدا صلی الله علیه و آله و رسول خدا از جبرئیل و او هم از خدای متعال، هر کدام این زیارت را با این ضمان تضمین کرده‌اند و خداوند به ذات اقدس خود قسم یاد نموده است که هر کس این زیارت و دعا را بخواند، دعا و زیارتش را می‌پذیرم و خواسته اش هر چه باشد، برآورده می‌سازم .

بدین ترتیب از این نقل استفاده می‌شود که زیارت عاشورا از احادیث قدسی است و همین مطالب سبب شده است که علما و استادان ما با آن همه فعالیت‌های علمی و مراجعاتی که داشتند به خواندن آن مقید بودند تا جایی که استاد ما مرحوم حاج شیخ محمد حسین اصفهانی از خداوند خواسته بودند که در آخر عمرشان زیارت عاشورا بخوانند و سپس قبض روح شوند و دعایشان هم مستجاب شد و پس از پایان این زیارت درگذشتند .

مرحوم شیخ صدرای بادکوبه‌ای با تبحرش در علوم عقلی و نقلی آن چنان مقید به زیارت عاشورا بود که به هیچ عنوان آن را ترک نکرد و کسی باورش نمی‌شد که ایشان این چنین پایبند به عبادات و زیارت عاشورا باشد .^۱
از مرحوم علامه مجلسی نقل شده است که در میان شاگردان فاضل مرحوم شیخ طوسی که درجه اجتهاد داشته‌اند، بیش از سیصد نفر از

۱ - آیت الله سید محسن خرازی، روزنه‌ای به عالم غیب، ص ۹۰ .

خاصه و افزون بر این تعداد از عامه بوده‌اند. در آن زمان، بنی‌عباس حکومت می‌کردند و به نوعی در تعظیم و تکریم علما اهتمام بسیار داشته‌اند. آنان یک صندلی برای شیخ تخصیص داده بودند تا تدریس کند (زیرا خلفای عباسی برای شخص وحید عصر خود هر کسی که بود، یک صندلی رسمی تخصیص می‌دادند تا روی آن تدریس نماید).

در مجالس عظیم همه گونه مذاکرات علمی در اصول و فروع حتی در امامت نیز مطرح می‌شده است. نقل است که نزد خلیفه وقت سعایت کردند که شیخ طوسی و اتباع او صحابه را سب می‌کنند، چنان که در کتاب مصباح خود گوید از دعا‌های روز عاشورا است «اللهم خُصَّ انتَ اَوَّلِ ظالمٍ باللَعنِ مِنی ...»

پس به دستور خلیفه شیخ و کتاب مصباح او را احضار کردند. چون شیخ از حقیقت امر مستحضر شد به الهام خداوندی گفت که مراد از این جمله‌ها آن نیست که به عرض خلیفه رسانیده‌اند، بلکه مراد از ظالم اول قابیل است که قاتل برادر خود هابیل می‌باشد و دومی پی‌کننده ناقه صالح و سومی قاتل یحیی بن زکریا و چهارمی عبدالرحمان بن ملجم مرادی قاتل علی بن ابی طالب است. خلیفه عذر او را قبول کرد و به مراتب تجلیل شیخ افزوده شد و آن ساعی سخن چین هم به کیفر رسید.^۱

از این قطعه تاریخی به‌خوبی استفاده می‌شود که زیارت عاشورای معروف، به‌گونه‌ای مورد عمل مشهور بوده که امکان انکار آن وجود نداشته است، از این رو مرحوم شیخ برای تبرئه خود و دیگران وارد توجیه می‌گردد. این

۱ - ریحانه الادب، ج ۳، ص ۳۲۸؛ مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۴۸۰.

سند تاریخی، مصداق بارزی برای قرینه وثوق به صدور است که از بدو امر تا به امروز قابل استناد می‌باشد .

بررسی سند زیارت عاشورا در مصباح الزائر

مرحوم سید بن طاووس در مصباح الزائر حدیث امام باقر علیه السلام را از صالح بن عقبه از عقبه بن قیس از امام باقر علیه السلام روایت نموده که این سند از ناحیه عقبه بن قیس مخدوش است ، اما حدیث امام صادق علیه السلام را از محمد بن خالد طیالسی از سیف بن عمیره از صفوان از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که همگی مورد اعتماد می‌باشند .

اینک در ادامه مطالب مهمی در طی چند نکته بیان می‌شود :

نکته اول: از آن‌چه تاکنون گفته شد معلوم می‌گردد که زیارت عاشورا به آن شکل که در کتاب کامل الزیارات و مزار کبیر با ذکر سند و در کتاب مصباح کفعمی بدون ذکر سند روایت شده از زیارات معروف و مورد عمل علمای امامیه و قاطبه شیعیان است و بیش از ۴۵ شخصیت علمی در قالب کتاب یا مقاله درباره آن اعلام نظر کرده‌اند .

نکته دوم: تا آنجا که ملاحظه شد از بهترین شرح‌های این زیارت، کتاب «شفاء الصدور فی شرح زیاره العاشور» نوشته فاضل محقق مرحوم حاج میرزا ابوالفضل کلانتری تهرانی است. او در سال ۱۲۷۳ق متولد شد و در سال ۱۳۱۶ق در تهران وفات یافت و در مقبره والدش در صحن امامزاده حمزه در شهر ری به خاک سپرده شد. پدر ایشان مرحوم حاج میرزا ابوالقاسم کلانتری صاحب تقریرات درس شیخ انصاری است. مرحوم حاج میرزا ابوالفضل یکی از شاگردان برجسته مرحوم میرزا محمد حسن

شیرازی است و کتاب شفاء الصدور را به دستور ایشان نگاشته است. مرحوم میرزا ابوالفضل کلانتری از نوابع روزگار و مجتهدی بزرگوار محسوب می‌شود که در فقه و اصول ماهر و در ادبیات عرب و تاریخ و حدیث و تفسیر بهره‌وافر داشته است.^۱

این محقق بزرگوار تصریح نموده است که زیارت عاشورا از دو امام معصوم صادر شده است؛ یکی از امام باقر (علیه السلام) و دیگری از امام صادق و آن چه در کتاب مصباح‌المتهجد زاید بر آن از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است و صفوان ناقل آن می‌باشد؛ از زیارت حضرت امیر (علیه السلام) در آن مرقد مطهر و دعای وداع امیر المؤمنین و دعای بعد از زیارت عاشورا و اوراد و اذکار قبل از آن خارج از اصل زیارت است و از آداب استحبابی قبل و بعد از زیارت محسوب می‌گردد، هم‌چنان که مرحوم حاج میرزا محمد ارباب قمی از مجتهدان معقول و منقول در کتاب اربعین حسینی به آن تصریح کرده است.^۲

نکته سوم: طبق فرمایش مرحوم محدث قمی «ابن طاووس» بر جماعتی اطلاق می‌شود که مشهورترین ایشان، سید اجل، اورع، قدوه العارفین و مصباح‌المتهجدین رضی الدین علی بن موسی بن جعفر بن طاووس است. علامه حلی در اجازه‌ای که به بنی زهره داده است، از او به عنوان صاحب

۱ - رجوع شود به مقدمه سید علی بن حاج سید مرتضی موحد ابطحی بر کتاب شفاء الصدور، همچنین به کتاب اربعین حسینی از حاج میرزا محمد ارباب قمی، ص ۸۲، چاپ انتشارات اسوه.

۲ - اربعین حسینی.

کرامات باهره و مقامات عالیه و جامع کمالات سامیه یاد کرده و نیز فرموده است: «کان اعبد من رایناه من اهل زمانه»^۱.

در کتاب ریحانه الادب مرقوم است که سید بن طاووس تألیفات بسیار دارد، سپس ۴۵ کتاب او معرفی شده و چنین آمده است: یکی از آن کتاب‌ها مصباح الزائر است که حاوی زیارت عاشورا با ذکر صد لعن و صد سلام می‌باشد و دیگری کتاب اقبال است.^۲

مرحوم حاج آقا بزرگ تهرانی درباره «اقبال» نوشته‌اند: سید بن طاووس در سال ۵۸۹ق ولادت و در سال ۶۴۴ق وفات یافته و کتاب اقبال را در سن ۶۰ سالگی تدوین نموده است. شهید اول در مجموعه‌ای که به خط خود نوشته فرموده‌اند کتابخانه سید در سال ۶۵۰ دارای ۱۵۰۰ کتاب بوده و نیز فرموده «اقبال» کتاب جلیلی است که آن را از کتاب‌های نفیس استخراج کرده است.^۳

در کتاب فوائد الرضویه مرقوم است که آن بزرگوار مدتی در بغداد و زمانی در حله و مدتی هم در نجف ساکن بوده است. او وصیت کرد جنازه‌اش را به نجف ببرند و زیر پای والدینش دفن کنند تا به امر قرآن به تواضع در قبال والدین حیاً و میتاً عمل کرده باشد.

پیش‌تر ذکر شد که اگر مرحوم سید زیارت عاشورای معروف را در اقبال ذکر نکرده است، بدین جهت بوده که از ضایع شدن زیارات جلوگیری

۱ - هدیه الاحباب از محدث قمی، ص ۷۹؛ فوائد الرضویه، ج ۱، ص ۳۳۳.

۲ - ریحانه الادب، ج ۸، ص ۷۶.

۳ - الذریعه إلى تصانیف الشیعه، ج ۲، ص ۲۶۴.

کند، لذا فرموده در مصباح الزائر دو زیارت را آورده‌ام در این کتاب هم دو زیارت دیگر را می‌آورم. پس نیابردن زیارت عاشورا در اقبال دلیل بر ضعف سند آن نیست و گفتار کسی که آن را دلیل بر ضعف سند دانسته از مصادیق افترا و قلت تتبع می‌باشد.

نکته چهارم: زیارت عاشورا که در حدیث صفوان از امام صادق (علیه السلام) نقل شده از سنخ زیارات متداول نیست، بلکه همان‌گونه که مرحوم حاجی نوری فرموده‌اند از سنخ احادیث قدسی است. این زیارت حماسه شیعه و از شعارهای افتخار آمیز است و طبق تجویز معصوم می‌توان هر روز آن را خواند تا «کلّ ارض کربلا و کلّ یوم عاشورا» ثابت شود.

این زیارت هم‌چنان که پیش‌تر گفته شد دارای آداب و تشریفات خاصی است که باید قبل از زیارت انجام داد و نیز ادعیه و برنامه‌هایی برای بعد از آن وارد شده که بخشی از آن‌ها نظیر دعای منقول از صفوان بن مهران جمّال را شیخ طوسی در کتاب «مصباح المتهدّد» آورده است و در متون اصلی دیگر نیست.^۱

۴- اثبات اعتبار از راه قاعده تسامح در ادله سنن

قاعده تسامح در ادله سنن یکی از قواعد معتبر است که پشتوانه آن روایات بسیار می‌باشد. این روایات را مرحوم صاحب وسائل در جلد اول، باب ۱۸ از ابواب مقدمات عبادات، درج نموده است در یکی از این روایات آمده است: «عن ابي عبدالله (علیه السلام) قال: من بلغه شیء من الثواب

۱ - مصباح المتهدّد، ص ۷۷۷.

علی شیء من الخیر فعمله کان له أجر ذلک و إن کان رسول الله ﷺ لم یقله». هر کس به وسیله روایات معصومین (هرچند بدون سند) از ثواب عملی آگاه شود و آن عمل را به امید آن پاداش و ثواب به جا آورد، آن ثواب به او داده می‌شود هر چند رسول الله آن را نگفته باشد (البته مقصود روایاتی است که قطع به کذب آن نداشته باشیم).

در این جا، بحث در این است که مفاد قاعده مزبور، حجیت سند ضعیف در مستحبات است که بر این اساس، قاعده بیانگر یک مسأله اصولی است یا قاعده در مقام اثبات استحباب است که بر این تقدیر، مفاد آن، بیان یک قاعده فقهی است و یا این که قاعده فوق بیانگر اعطای ثواب‌های مذکور می‌باشد که بر این پایه، مفاد قاعده، ارشاد به حکم عقل است و می‌توان آن را از مسائل کلامی دانست.

در هر حال کسانی که در مورد زیارت عاشورا از راه سند قانع نشوند، می‌توانند از این قاعده که مستنبط از احادیث کثیره است استفاده نمایند و از برکات آن زیارت بهره‌مند شوند.

مرحوم علامه مجلسی در بحار الانوار فرموده است: روایاتی که بیانگر ادویه و ادعیه می‌باشند نیاز به اسناد قوی ندارد، اما این که کلام علامه ناظر به قاعده تسامح است یا مطلب دیگر، فعلاً مجالی برای پاسخ به آن نیست.

۵- اثبات اعتبار از راه برکات و ثمرات خواندن این زیارت

هریک از برکات و ثمرات ناشی از خواندن زیارت شریف عاشورا می‌تواند یک دلیل مستقل باشد. البته این برکات بسیار است و در این مختصر بعضی از آن‌ها ذکر می‌شود :

الف) ثمرات برزخی خواندن زیارت عاشورا

فقیه زاده عادل مرحوم شیخ جواد بن شیخ مشکور عرب که از اجله علما و فقهای نجف اشرف و مرجع تقلید جمعی از شیعیان عراق و نیز از ائمه جماعت صحن مطهر امیرالمؤمنین (علیه السلام) بوده است، در سال ۱۳۳۷ق در حدود نود سالگی وفات نموده و در جوار پدرش در یکی از حجره‌های صحن مطهر مدفون گردید .

آن مرحوم در شب ۲۶ صفر ۱۳۳۶ق در نجف اشرف حضرت عزرائیل ملک الموت را در خواب می‌بیند، ایشان می‌گوید: پس از سلام از او پرسیدم از کجا می‌آیی؟ فرمود: از شیراز و روح مرحوم میرزا ابراهیم محلاتی را قبض کردم. آن‌گاه سؤال کردم روح او در برزخ در چه حالی است .

فرمود: در بهترین حالات و در بهترین باغ‌های عالم برزخ و خداوند هزار ملک موکل او کرده است که فرمان او را می‌برند. گفتم برای چه عملی از اعمال به چنین مقامی رسیده است؟ آیا برای مقام علمی و تدریس و تربیت شاگرد است؟ فرمود: نه. گفتم برای نماز جماعت و رساندن احکام به مردم؟ فرمود: نه. گفتم پس برای چه؟ فرمود: برای خواندن زیارت عاشورا (مرحوم میرزای محلاتی سی سال آخر عمرش زیارت عاشورا را ترک نکرد و هر روزی که به سبب بیماری یا امر دیگر نمی‌توانست بخواند نایب می‌گرفت .)

سپس شیخ از خواب بیدار می‌شود و فردا به منزل آیت الله میرزا محمد تقی شیرازی می‌رود و خواب خود را برای ایشان نقل می‌کند. مرحوم میرزا محمد تقی با شنیدن آن به گریه می‌افتد، از ایشان سبب گریه را می‌پرسند، می‌فرماید: میرزای محلاتی از دنیا رفت، وی استوانه فقه بود. به ایشان گفتند شیخ خوابی دیده و واقعیت آن معلوم نیست. میرزا می‌فرماید: بلی خواب است، اما خواب شیخ مشکور است نه افراد عادی. فردای آن روز تلگراف فوت میرزای محلاتی از شیراز به نجف اشرف می‌رسد و صدق رؤیای شیخ آشکار می‌گردد.

این داستان را جمعی از فضلاء نجف اشرف از مرحوم آیت الله سید عبد الهادی شیرازی نقل کرده‌اند. مرحوم آیت الله آقای حاج سید عبد الهادی فرموده‌اند: من در منزل مرحوم میرزا محمد تقی هنگام ورود شیخ جواد بن شیخ مشکور عرب و نقل این رؤیای مذکور حاضر بودم. و نیز دانشمند گرامی جناب حاج صدر الدین محلاتی فرزندزاده آن مرحوم از شیخ این داستان را شنیده‌اند.^۱

۱ - داستان‌های شگفت از مرحوم شهید آیت الله دستغیب شیرازی: ۲۷۳، رقم ۱۱۴. و نظیر آن در کتاب منتخب التواریخ، ص ۳۸۸ اینگونه آمده است: عالم جلیل القدر شیخ محمد علی شامی که از جمله علما و محصلین نجف اشرف است به حقیر فرمود که جد امی بلاواسطه من، جناب آقا سید ابراهیم دمشقی که نسبتش به سید مرتضی علم الهدی منتهی می‌شود و سن شریفش افزون بر نود سال و بسیار شریف و محترم بود، سه دختر داشت و اولاد ذکور نداشت شبی دختر بزرگشان در خواب دید جناب رقیه بنت الحسین (علیها السلام) را که فرمود: «به پدرت بگو به والی بگوید آب افتاده میان قبر و لحد

من و بدن من در اذیت است بگو بیاید و قبر و لحد مرا تعمیر کند». دخترش به سید عرض کرد، سید از ترس حضرات اهل تسنن به خواب اثری مترتب ننمود.

شب دوم دختر وسطی سید همین خواب را دید و باز به پدر گفت ترتیب اثری نداد. شب سوم دختر کوچک‌تر سید همین خواب را دید و به پدر گفت ایضاً ترتیب اثری نداد. شب چهارم خود سید، مخدره رقیه را در خواب دید که به طریق عتاب فرمود که «چرا والی را خبردار نکردی». سید بیدار شد صبح رفت نزد والی شام و خوابش را برای والی شام نقل کرد. والی امر کرد علما و صلحای شام از سنی و شیعه برون غسل کنند و لباس‌های نظیف در برکنند به دست هرکس قفل درب حرم باز شد همان کس برود و قبر مقدسه او را نبش کند و جسد مطهره را بیرون بیاورد تا قبر مطهر را تعمیر کنند. بزرگان و صلحا از شیعه و سنی در کمال آداب غسل کردند و لباس نظیف در بر کردند قفل به دست هیچ یک باز نشد مگر به دست مرحوم سید. بعد که میان حرم مشرف شدند، کلنگ هیچ یک به زمین اثر نکرد مگر کلنگ سید ابراهیم، سپس حرم را خلوت کردند و لحد را شکافتند دیدند بدن نازنین مخدره میان لحد و کفن آن مخدره مکرمه صحیح و سالم است، لیکن آب زیادی میان لحد جمع شده پس سید بدن شریف مخدره را از میان لحد بیرون آورد و روی زانوی خود نهاد و سه روز به همین روش بالای زانوی خود نگه داشت و متصل گریه می‌کرد تا آن که لحد مخدره را از بنیاد تعمیر کردند. اوقات نماز که می‌شد سید بدن مخدره را بالای شیئی نظیف می‌گذاشت بعد از فراغ باز بر می‌داشت و بر زانو می‌نهاد تا آن که از تعمیر قبر فارغ شدند، سید بدن مخدره را دفن کرد و از معجزه این مخدره در این سه روز سید نه محتاج به غذا شد و نه محتاج به آب و نه محتاج به تجدید وضو بعد که خواست مخدره را دفن کند سید دعا کرد خداوند پسری به او مرحمت نماید، دعای سید مستجاب شد و در این سن پیری خداوند به او پسر مرحمت فرمود مسمی به سید مصطفی.

والی شام تفصیل واقعه را به سلطان عبد الحمید نوشت او هم تولیت زینبیه و مرقد شریف رقیه و مرقد شریف ام کلثوم و سکینه (علیها السلام) را به او واگذار کرد.

ب) رفع خطر ابتلای شیعیان سامرا به وبا در اثر خواندن زیارت عاشورا
مرحوم آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری در کتاب خاطرات (سرّ دلبران) که در مشهد نوشته‌اند و توسط آیت الله آقای استادی به چاپ رسیده فرموده‌اند: مرحوم پدرم فرمود با مرحوم میرزا علی آقای شیرازی درس خصوصی نزد مرحوم میرزا محمد تقی شیرازی می‌خواندیم و من به امر مرحوم میرزا به آن درس می‌رفتم و با میرزا علی آقا فرزند میرزا محمد حسن شیرازی مباحثه می‌کردیم محل درس در بالا خانه بود. مرحوم

در کتاب معجزات و کرامات ائمه اطهار از سید میرزا هادی حسینی خراسانی از علمای معروف است که نوشته :

وی گفته یکی از بستگان ما از بام خانه پایین می‌آمد، که در بین راه دست او را گزنده‌ای گزید. تدریجاً درد شدید شد به حدی که طاقت بر تحمل نداشت. در کربلا سادات شامی در دفع سموم معروف‌اند. وارد خانه ایشان شدیم. جوانی به نام سید عبد الامیر ما را در اطاق پذیرایی با احترام پذیرایی نمود. پرسید کجا درد می‌کند؟ جای نیش را به او نشان دادیم. فوراً انگشت خود را بر موضع درد گذارد. مریض گفت گویا آتش از شانام به‌زیر می‌آید. کم کم درد ساکن شد، سید مذکور گفت: من نه دعایی و نه دوايي دارم، این سرّی است در نسل ما و آن را از آبا و اجداد ارث می‌بریم. هر سمی که باشد زنبور یا عقرب یا مار اگر فوراً بیاورند به آب دهان و انگشت گذاردن علاج می‌کنیم. پرسیدم سرّ این امر چیست؟ گفت جدّ ما سید اسماعیل ساکن شام در دمشق بود. در زمانی که آب به مرقد مطهر حضرت رقیه خاتون علیها السلام افتاد رفتند قبر را شکافتند احدی جرأت نکرد جلو برود و نتوانست نزدیک شود و جثه مطهر آن معصومه مظلومه را بلند کند ولی جدّ ما که پیرمردی عابد و زاهد بود آن جسد مطهر را به‌روی دست گرفت. فوراً تعمیر لازم را کردند سپس دفن نمودند. از برکت آن معصومه در دست جد ما این اثر ماند و به ما به میراث رسیده است .

استاد آقای سید محمد فشارکی که از پائین صدای دوست یعنی آقای میرزا محمد تقی را شنید آمد بالا و این جریان موقعی بود که صحبت بود بیماری وبا در سامرا آمده است. ایشان در ضمن مذاکره و صحبت با مرحوم میرزا که با هم رفیق بوده و بحث دونفری داشتند رو کرد و گفت:

آقای میرزا من را مجتهد می‌دانی؟

ایشان گفتند: آری شما را مجتهد می‌دانم .

دوباره گفتند: مرا عادل می‌دانی؟

گفتند: بلی شما را عادل می‌دانم.

دفعه سوم گفتند: حکم مجتهد عادل را نافذ می‌دانی؟

مرحوم میرزا در جواب گفتند: اطلاق آن محل منع است. ایشان گفتند: من حکم کردم بر تمام مردان و زنان شیعه سامرا که زیارت عاشورا بخوانند و ثواب آن را هدیه نمایند به روح جناب نرجس خاتون علیها السلام و والده ماجده حضرت حجت علیه السلام و آن بزرگوار را شفیع نمایند نزد فرزندش حضرت حجت که ایشان شفاعت نمایند عندالله و من ضامن می‌شوم که هر کس این عمل را انجام دهد مبتلا به بیماری وبا نشود.

این حکم منتشر شد و همه عمل کردند و هیچ کس مبتلا به بیماری وبا از شیعه نشد. جز یک پاره‌دوز که معلوم نشد آن زیارت را خوانده یا نه و آیا به مرض وبا مرده است یا نه .

مرحوم آقای حائری می‌نویسد این از دلایل محکم حقانیت مذهب جعفری و صحت شفاعت و اعتبار زیارت عاشورا است و خود یکی از کرامات سید فشارکی است که می‌گوید من ضمانت می‌کنم هر کس این زیارت را بخواند به وبا گرفتار نشود. ضمانت مذکور به دلیل اطلاع ایشان بر غیبی

از غیوبه الله است و شاید به واسطه خلیفه الله فی ارضه باشد.^۱ این داستان در کتاب الکلام یجر الکلام نیز نقل شده است.

ج) خواندن زیارت عاشورا برای پیدا شدن قالی‌های مسروقه

حدود پنجاه سال قبل مرحوم پدرم به دعوت جمعی از اهل کاشان برای امامت جماعت در یکی از مساجد آن شهر به کاشان هجرت کرد و در منزلی که تدارک دیده بود با عائله مستقر شد. در رأس دعوت کنندگان ایشان مرد صالحی بود به نام حاج ماندعلی جهان آرائی. جمعی از قالی فروشان که جای امنی برای انبار فرش نداشتند منزل آقای جهان آرائی را مکانی امن می‌دانستند و قالی‌های نفیس را در یک محوطه سر پوشیده که بخشی از منزل این مرد صالح بود به ودیعه به او می‌سپردند. در همان هفته اول ورود پدرم در کاشان، دزدان بخشی از قالی‌های امانتی و ملکی را با خراب کردن قسمتی از آن محوطه سر پوشیده به سرقت می‌برند. بعضی از یاهو گویان هم این جریان را به عنوان بدقدمی پدرم مربوط می‌کردند. صاحبان قالی‌ها هم نیروی انتظامی آن روز را در جریان قرار دادند، ولی با تمام فعالیتی که انجام شد اثری از قالی‌های مسروقه مشاهده نشد.

آقای جهان آرائی به پدرم گفت آیا از طرق معنوی چیزی به خاطر دارید که مؤثر باشد؟ پدرم پاسخ داد روز جمعه بالای بام بروم و زیارت عاشورا را به طور کامل بخوانم و از خداوند مدد بطلبم. آن مرد صالح که از اوتاد

۱ - سرّ دلبران ، ص ۸۸ .

عصر خود بود به دستور پدرم عمل کرد آنچه به یاد دارم همان روز نزدیک غروب جوانی برای به دست آوردن کبوترهای چاه‌نشین به چاه مخروبه قناتی که آب آن خشک شده بود می‌رود و می‌بیند ارتفاع چاه بسیار کم شده و زیر پای او هم اشیاء نرم احساس می‌شود، بعد از لحظاتی متوجه می‌شود که چاه انبار قالی شده، بدین ترتیب آن جوان پلیس را خبر کرد و معلوم شد که سارقین قالی‌های مسروقه را به آن چاه ریخته‌اند تا در فرصت مناسب به محل دیگر منتقل کنند .

د) دستور العمل مرحوم شاه آبادی

آیت الله شب زنده‌دار فرمودند: یکی از آقا زاده‌های مرحوم آیت الله شاه آبادی گفتند: پدرم یک روز از مردم گله کرده بود که چرا حاضر نیستید به راه بیفتید (و ترقی کنید) چند نفر اظهار آمادگی کرده بودند، پدرم فرمود نماز را اول وقت بخوانید و هر روز پس از پایان کار خمس درآمدتان را بدهید و هر روز زیارت عاشورا بخوانید .

یکی از آنان که به این دستور عمل کرده بود گفت روزی به مسجدی رفتم و به امام جماعت اقتدا کردم اما در بین نماز دیدم امام حاضر نیست و غایب است و باز دیدم حاضر است و دوباره غایب است پس از پایان نماز به او گفتم آقا من شما را در حال نماز چنین یافتم. فرمود راست است من امروز با همسرم بگو مگو داشتم و در حال نماز دوبار به خانه رفتم و با او دعوی کردم.^۱

۱ - روزنه‌هایی از عالم غیب ، ص ۲۲۱.

از آنچه تاکنون بحث شده مشخص گردید :

الف - زیارت عاشورای معروف از زیاراتی است که به عنوان یکی از بزرگ‌ترین میراث‌های فرهنگی امامیه اثناعشریه می‌باشد. قاطبه علمای شیعه آن را محترم و به عنوان یک وسیله معنوی در ترسیم حق و باطل دانسته‌اند و در حل مشکلات به آن توسل می‌جویند .

ب - این زیارت در اصطلاح قدماء موثق الصدور و صحیح دانسته شده و در اصطلاح متأخرین نیز بعضی از اسناد آن صحیح می‌باشد .

ج - در کتاب کامل الزیارات این زیارت با دو سند از امام باقر علیه السلام روایت شده است و طریق دوم آن قابل توجیه و تصحیح می‌باشد، در مصباح الزائر نیز به چند طریق روایت شده است که به گفته صاحب شفاء الصدور این طرق یا صحیح است یا حسن .

د - از منابع مهم این کتاب علاوه بر مصباح کبیر و مصباح صغیر از شیخ طوسی، کتاب مصباح الزائر از سید بن طاووس و کتاب المزار الکبیر از شیخ محمد مشهدی است که اخیراً هر دو کتاب به چاپ رسیده و شاید منشأ بعضی از اشکالات از نداشتن این دو کتاب به وجود آمده باشد .

هـ - نسخه خطی مصباح المتعجد، مشتمل بر تمام صد لعن و صد سلام می‌باشد مگر نسخه‌ای که مورد استفاده سید بن طاووس بوده است، لذا سید آن را از مصباح صغیر شیخ استفاده کرده و این امر مربوط به یک نسخه از مجموع نسخ می‌باشد و ملازمه‌ای با کذب سایر نسخه‌ها ندارد .
و - دعایی که صفوان از امام صادق علیه السلام بعد از زیارت خوانده است، مربوط به آداب بعد از زیارت است و نه جزء آن، ولی این دعا در برآمدن حاجات طبق روایت مؤثر می‌باشد .

در هر حال باید دانست که مصباح کبیر (مصباح المتجهد) و مصباح صغیر هر دو از شیخ طوسی است و این که سید می گوید بعضی از این زیارت (زیارت عاشورا) در نسخه او وجود ندارد، وهنی به مصباح صغیر وارد نمی کند، هم چنان که نقص یک نسخه خطی با وجود نقص در نسخه های دیگر ملازمه ندارد .

مرحوم شیخ در کتاب مصباح المتجهد این زیارت را به دو طریق از امام باقر (علیه السلام) و به یک طریق از حضرت صادق (علیه السلام) نقل کرده است، طریق اول را محمد بن اسماعیل بن بزیع از صالح بن عقبه از پدرش عقبه از امام باقر (علیه السلام) نقل کرده است .

طریق شیخ به محمد بن اسماعیل بن بزیع در نهایت ائقان و صحت است و کسی در این امر تشکیک ننموده است وثاقت محمد بن اسماعیل بن بزیع هم مورد اتفاق بزرگان می باشد. اما صالح بن عقبه را مرحوم علامه در کتاب «خلاصه» تضعیف کرده و او را غالی و کذاب دانسته است .^۱ لیکن مرحوم مامقانی فرموده است که کلام علامه برگرفته از رجال ابن غضائری است (که خود و کتابش از نظر وجود خارجی مشکوک است) و لذا بر تضعیفات او نباید اعتماد کرد .^۲

علامه نامدار و مجتهد بزرگوار مرحوم وحید بهبهانی اظهار داشته اند که تضعیفات ابن غضائری ناشی از نقل روایاتی است که حاکی از معجزات ائمه می باشد، زیرا در آن زمان و اوضاع آشفته، اموری را که امروزه جزو

۱ - خلاصه الاقوال، ص ۳۶۰.

۲ - تنقیح المقال، ج ۱، ص ۱۹۳؛ معجم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۱۰۲.

ضروریات مذهب است، غلو محسوب می‌داشتند و راویان این‌گونه معجزات را غالی می‌نامیدند.^۱

آیت الله کریمی معتقدند علاوه بر این، چند دلیل بر وثاقت و حجیت قول صالح بن عقبه موجود است، از جمله:

۱- اعتماد محمد بن اسماعیل به روایات او توثیق عملی است.

۲- ذکر وی توسط نجاشی در کتاب فهرست دلیل بر اعتبار او به عنوان یک مؤلف می‌باشد، زیرا مرحوم نجاشی در مقدمه کتابش فرموده است که من کسانی را مطرح می‌کنم که از سلف صالح می‌باشند.

این کلام مدح کلی کسانی است که در فهرست مؤلفان شیعه (معروف به رجال نجاشی) مطرح می‌باشند. از این‌رو با توجه به این مقدمه و قرائن دیگر، جمعی را عقیده بر آن است که سکوت نجاشی نسبت به جرح و تعدیل دلیل بر این است که نقطه ضعفی از او ملاحظه نشده است.

۳- ذیل حدیث ذکر شده است که صالح بن عقبه همراه سیف بن عمیره و علقمه در محضر امام بودند، علقمه بعد از آن که امام از بیان آداب روز عاشورا فارغ شد، استدعای تعلیم زیارتی را کرده که از راه دور و نزدیک بتواند در روز عاشورا بخواند، بنابراین حلقه اخیر حدیث مشتمل بر سه نفر می‌باشد که از میان آنان سیف توثیق شده است و با این توضیحات سند زیارت معتبر خواهد بود.

بدین ترتیب می‌توان گفت ظاهر کلام این است که صالح بن عقبه و سیف از علقمه روایت کرده‌اند پس حلقه آخر منحصر به علقمه است، و باید

بررسی شود که علقمه چه کسی است؟ اما در کتاب‌های رجالی علقمه توثیق صریح نشده است و به اصطلاح مجهول می‌باشد .

ولی در سند دیگری که مرحوم شیخ آورده است، مذکور است که صفوان جمال با سیف بن عمیره در کنار مرقد مطهر امیرالمؤمنین علیه السلام بودند بعد از آنکه از زیارت حضرت امیر علیه السلام فارغ شدند، صفوان گفت حضرت سید الشهداء (حسین بن علی) را هم از همین مکان رو به جانب کربلا زیارت کنیم و زیارت مرویه از امام باقر علیه السلام را که توسط علقمه ذکر شد خواند. سپس دو رکعت نماز زیارت خواند و دعایی که در واقع دعای صفوان می‌باشد (در زبان‌ها معروف شد به دعای علقمه) قرائت کرد سیف می‌گوید من به صفوان گفتم: زیارت عاشورا را علقمه از امام باقر علیه السلام برای ما نقل کرد و این دعا را ذکر نکرد، صفوان گفت: من در خدمت امام صادق علیه السلام به این مکان آمدم، امام صادق علیه السلام امام حسین علیه السلام را از این جا به همان کیفیت که بیان شد زیارت کرد و بعد از فراغ از زیارت این دعا را خواند .

از این حکایت استنباط می‌شود که علقمه نزد صفوان مورد اعتماد بوده است، لذا خدش‌های بر او وارد نکرده است و زیارت منقول از امام باقر علیه السلام که مروی علقمه بود، مورد عمل امام صادق علیه السلام قرار داد .

با این توضیحات هم زیارت مصباح کبیر تأیید می‌شود و هم علقمه مورد اعتماد صفوان قرار می‌گیرد و هم سند زیارت امام باقر علیه السلام که شیخ در مصباح کبیر نقل کرده است، معتبر شناخته می‌شود. باید افزود که مرحوم حاجی نوری و عده‌ای دیگر از بزرگان، این زیارت را از احادیث قدسی

محسوب می‌نمایند، زیرا سلسله سند آن به خداوند تبارک و تعالی شأنه منتهی می‌شود.^۱

فصل سوم:

ارائه شواهدی بر وجود هر چهار فقره

۱ - اعتبار زیارت عاشورا، صص ۴۹ - ۶۶.

در زیارت عاشورا

تحريفات و تصحيقات پيرامون زيارت عاشورا

ارائه شواهدی بر وجود هر چهار فقره در زیارت عاشورا

باتوجه به شواهدی که ارائه خواهیم کرد ، به نظر ما نسخه صحیح و بدون اعمال تقیّه از زیارت عاشورا در «مصباح کبیر» و «مصباح صغیر» مشتمل بر هر چهار فقره می باشد .

شاهد ۱) - کلام مرحوم سید بن طاووس ، متوفی ۶۴۴.ق

ایشان در کتاب شریف «مصباح الزائر» بعد از نقل زیارت عاشورا چنین می فرماید :

«هذه الزيارة نقلناه باسنادها من المصباح الكبير و هو مقابل بخط مصنفه - رحمه الله - و لم يكن في الفاظ الزيارة الفصلان يكرران مائة مرة و انما نقلنا الزيادة من المصباح الصغير فاعلم ذلك؛ زیارت عاشورا را از کتاب مصباح کبیر نقل کردیم که با خط مصنف آن مقابله شده بود . البته در الفاظ زیارت ، دو فصلی که صد بار تکرار می شوند وجود نداشت و ما آن دو فصل را از کتاب مصباح صغیر نقل نمودیم .»^۱

آن چه از این عبارت استفاده می شود :

اولاً: نسخه‌ای ارزشمند از «مصباح کبیر» در نزد سید بن طاووس بوده که این نسخه با نسخه‌ای که به خط مرحوم شیخ طوسی بوده ، مقابله

۱ - مصباح الزائر، ص ۲۷۸.

شده است. اگر چه مرحوم سید، نامی از شخص یا اشخاص مقابله کننده به میان نیاورده، اما چون از یک سو از عدم صحت این مقابله سخن نمی گوید و از سوی دیگر بخش های عمده زیارت را از همان نسخه «مصباح کبیر» نقل می کند، باید این نسخه را به پیروی از مرحوم سید نسخه ای قابل قبول دانست.

ثانیاً: مستفاد از عبارت این است که در «مصباح کبیر» مذکور فقط فقره دوم و سوم - یعنی فقره مشتمل بر «صد لعن» و «صد سلام» - وجود نداشته و هرگز از این جمله نمی توان فهمید که فقره اول «و معاویه و یزید بن معاویه...» و فقره چهارم «اللهم خص انت اول ظالم...» هم در آن نبوده است.

بله! اگر علت حذف دو فقره دوم و سوم (صد لعن و صد سلام) را تقیه بدانیم، می توان حدس زد که فقره چهارم (اللهم خص انت اول ظالم) هم در نسخه نبوده است، ولی به هر حال ظاهر کلام سید فقط عدم ذکر دو فقره دوم و سوم است.

ثالثاً: به طور قطع و یقین جناب سید المراقبین، سید بن طاووس، مطلبی را بدون اعتماد به نسخه معتبر نقل نمی کند. او تا حدی امانت داری را رعایت کرده که صراحتاً می فرماید: «این دو فقره در مصباح کبیر نیست»؛ حال که هم دو فقره دوم و سوم و هم فقره چهارم را از «مصباح صغیر» نقل می کند و اشاره ای هم به عدم اعتماد بر نسخه نمی کند، معلوم می شود که منبع را معتبر شمرده است. پس ما منبعی معتبر در اواسط قرن هفتم در دست داریم که هر چهار فقره در آن وجود دارد. روی همین اساس این که

برخی از افراد، فقره «اللهم خص انت اول ظالم...» را مربوط به قرون اخیر می‌دانند، کلامی سست و بی پایه است.

شاهد ۲) - کلام مرحوم شهید اول، متوفی ۷۸۶ ه.ق.

مرحوم شهید اول در کتاب «مزار» هر چهار فقره را ذکر کرده است؛ لذا کسانی که فقره چهارم را از اضافات و تزویرات غالیان در قرون اخیر می‌دانند، حتماً باید منظورشان از مزورین، شخصیت‌های بزرگواری چون شهید اول باشد؟! و یا این که مرحوم شهید را مربوط به قرن ۹ و ۱۰ و قرون بعدی می‌شمرند!!!

شاهد ۳) - کلام مرحوم کفعمی

مرحوم کفعمی از اعلام نام آور شیعه در قرن نهم در دو کتاب گران قدر «بلدالامین»^۱ و «مصباح»^۲ هر چهار فقره مورد بحث را به همان نحو مشهور نقل فرموده است. ایشان در مقدمه هر دو کتاب تصریح می‌فرماید که: این ادعیه و زیارات را از کتاب‌های معتبر، صحیح و پایدار^۳ نقل

۱ - بلدالامین، ص ۲۷۱.

۲ - مصباح، ص ۴۸۴ و ۴۸۵.

۳ - «و قد جمعته من کتب معتمد علی صحتها، مامور بالتمسک یوثقی عروتها لا یغیرها کرّ العصرین و لا مر الملوّمین». [المصباح] «مأخوذة من کتب معتمد علی صحتها مأمور بالتمسک بعروتها لا یغیرها اختلاف العصرین و لا کر الملوّمین». [البلدالامین].

می‌کند. در پایان مصباح هم اولین منبع خود را «[مصباح] المتتهجد» شیخ طوسی و «مختصر [مصباح] المتتهجد» معرفی می‌کند. حال به زعم باطل کسانی که فقرهٔ چهارم را ساختهٔ غالیان قرون اخیر می‌شمرند، نسخه‌هایی که از «مصباح کبیر» و «مصباح صغیر» - مربوط به پیش از قرن نهم - در دست مرحوم کفعمی - متوفی قرن نهم - بوده، به دست مزوران قرن‌های دهم، یازدهم یا دوازدهم نگاشته است؟! یا این که - نعوذبالله العظیم - خود مرحوم کفعمی آغازگر این تزویر و تحریف بوده است !!!؟

شاهد (۴) - کلام مرحوم ابن مشهدی

مرحوم «محمد بن جعفر المشهدی» از بزرگان قرن ششم در دو جای کتاب مزار خود که موسوم به «مزار کبیر» است، زیارت عاشورا را با چهار فقره نقل فرموده و در مقدمهٔ کتابش چنین می‌گوید :

«فانی قد جمعت فی کتابی هذه من فنون الزیارات للمشاهد المشرفات و ما ورد فی الترغیب فی المساجد المبارکات و الادعیه المختارات ... مما اتصلت به من ثقات الزوارة الی السادات»

کمترین مطلبی که از این مقدمه استفاده می‌شود، اعتماد این بزرگوار بر منابع در اختیار خود و مؤلفین آن‌ها بوده است. پس باید در منابع پیش از این بزرگوار که خود در قرن ششم می‌زیسته، این فقرات زیارت موجود باشد.

در این جا باید دید که کتابی به عنوان «زیارة عاشورا فی المیزان» می-نویسد و فقره چهارم را تزویر و تحریف می‌داند ، چه سخنی برای گفتن دارد !؟

شاهد ۵) - وجود این نسخه ها در اکثر نسخه های خطی

در اکثر نسخه‌های خطی موجود از «مصباح کبیر» و «مصباح صغیر» که به شهادت قرائن و گواهی شخصیت‌هایی نسخه‌شناس، مربوط به قرن پنجم است و نیز در بعضی از نسخه‌هایی که نزد بزرگان مقابله و قرائت شده ، هر چهار فقره در متن نسخه ذکر شده است .

شاهد ۶) - ذکر فقرات حذف شده در حاشیه

در اکثریت قریب به اتفاق نسخه‌های «مصباح کبیر» و «مصباح صغیر» که آن چهار فقره یا خصوص فقره‌ای اخیر یافت نمی‌شود ، مصحح کتاب ، آن را در حاشیه ذکر کرده است . این نسخه‌ها در دست بزرگان از علما ، محدثان دقیق و نکته سنج ، فضلالی متعبد بوده است . این تصحیح‌ها را یا خود آنها انجام داده‌اند و یا این که بعد از تصحیح آن را رؤیت کرده و اعتراضی نکرده‌اند . حال آیا می‌توان با چشم پوشی از این مطالب ، به همه آن‌ها با دید تزویر نگاه کرد یا این که آنان را جاهلی دانست که از حقیقت غافل بوده اند !!!؟

شاهد ۷) - منهاج الصلاح علامه حلی

در نسخه‌های خطی از «منهاج الصلاح» علامه حلی، مشاهده کردیم که یا هر چهار فقره در متن کتاب آمده و یا این که به عنوان تصحیح در حاشیه ذکر شده است .

شاهد ۸) - کتاب المزار محمد بن داوود

یکی از راویان بسیارگران قدر و موثق شیعه جناب «محمد بن داوود» است که نجاشی از او به عنوان «شیخ هذه الطائفة و عاملها و شیخ التمیین فی وقته و فقیهم» یاد می‌کند . وی همچنین از قول استادش جناب «حسین بن عبیدالله الغضائری» نقل می‌کند که کسی را به قدرت حافظه ، تفقه و آشنایی به حدیث ، برتر از «محمد بن داوود» ندیده است . آنگاه تاریخ فوت او را ۳۶۸ ه.ق می‌داند و نام یکی از کتاب‌های او را هم «المزار» معرفی می‌کند .^۲ مرحوم شیخ طوسی نیز در فهرست، کتاب مزار او را ، کتابی زیبا و بزرگ می‌شمرد .^۳

مرحوم علامه طهرانی در «الذریعه» ، گزارشی از این کتاب ارائه می‌دهد و بعد از اشاره به کلام نجاشی و شیخ می‌فرماید : «... ینقل عنه السیدعبدالکریم بن طاووس فی «فرحة الغری» و یظهر من نقل السید رضی

۱ - این کتاب مختصر «مصباح الکبیر» است.

۲ - ابرجال نجاشی، رقم ۳۸۵.

۳ - فهرست شیخ طوسی، رقم ۶۰۴.

الدین علی بن طاووس انه فی جزئین و یعبّر عنه فی الاقبال بالزیارات و الفضائل ... و عدّة الکفعمی من مآخذ کتابه «البلد الامین» کما فی آخره فیظهر وجوده عنده و الموجود فی الرضویه بخط السید محمد مرحوم الرضوی القائنی فی

۱۰۹۵»

نسخه‌ای که علامه طهرانی از کتابخانه آستان قدس رضوی نشانه دارد ، مورد ملاحظه دقیق قرار گرفت ، این نسخه کتاب بزرگی نیست و تنها مشتمل بر ۱۳۱ برگ است. ما اگر چه اطمینان نداریم که این نسخه منتسب به «محمد بن احمد بن داوود» است ، اما بالاخره این نسخه مربوط به سال ۱۰۹۵ ه.ق است که احتمالاً همان مزار «محمد بن احمد» باشد ، لذا این نسخه قرینه و موید مدعای ما است و در آن نسخه چهار فقره مورد بحث از زیارت عاشورا با همان عبارت مشهور نقل شده است

۱.

شاهد ۹) - پذیرش عملی متأخرین

پذیرش عملی بزرگان از متأخرین ما - که زیارت را به همان نحو مشهور قرائت و نقل فرموده‌اند- می‌تواند مویدی قوی در پذیرش زیارت کنونی دانست . به عنوان نمونه به موارد ذیل توجه کنید :

الف) علامه مجلسی این زیارت را به همین صورت معروف و با نقل هر چهار فقره در سه کتاب خود ذکر کرده است.^۱

ب) علامه مجلسی خصوص فقره چهارم را - که برخی آن را ساخته و پرداخته مزوران می‌دانند - به صورت جداگانه در «بحارالانوار» نقل نموده و به آن استشهاد نموده است.^۲

ج) بزرگانی مثل «محدث بحرانی» در «مزار عوالم»، «مولی رضی قزوینی» در «تظلم الزهراء»،^۳ «سید حیدر کاظمی»،^۴ «شیخ محمد اصطهباناتی»^۵ و محدث دقیق «مرحوم شیخ عباس قمی» در دو کتاب «مفاتیح الجنان و هدیه الزائرین»^۶ و نیز «مرحوم ملا حبیب الله کاشانی» در کتاب «شرح زیارت عاشورا» و ... زیارت را با همین عبارت و مشتمل بر هر چهار فقره نقل فرموده‌اند.

د) مصحح دانشمند و متبع «مصباح کبیر» مطبوع در سال ۱۳۳۸ ه.ق که در سراسر کتاب و از جمله زیارت عاشورا، به اختلاف نسخه‌های خیلی ساده هم پرداخته و نسخه بدل‌ها را بان فرموده است، زیارت عاشورا را مشتمل بر هر چهار فقره نقل کرده و هیچ اشاره‌ای به عدم وجود این

۱ - بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۲۹۶، تحفه الزائر، چاپ قدیم، باب هشتم، فصل اول، زیارت اول، زادالمعاد، چاپ قدیم، باب ۶، فصل اول.

۲ - بحارالانوار، ج ۳۰، ص ۳۹۹.

۳ - تظلم الزهراء، ص ۴۰۳.

۴ - عمده الزائر، ص ۱۴۷.

۵ - نور العین فی المشی الی زیارة قبر الحسین (علیه السلام)، ص ۲۸۶.

۶ - هدیه الزائرین، ص ۱۳۹.

فقرات - مخصوصاً فقرهٔ چهارم- در بعضی از نسخه‌ها نمی‌کند . در این زمینه به دو نکتهٔ ذیل هم توجه فرمایید :

اولاً: ایشان در تصحیح خود پنج نسخهٔ خطی بسیار ارزشمند را معیار قرار داده است . از جملهٔ نسخه‌ها ، نسخه‌ای عتیق می‌باشد که اکنون در آستان مقدس رضوی است و مربوط به سال ۵۰۲ ه.ق می‌باشد . این نسخه ، همان نسخه‌ای است که برخی چنین وانمود می‌کنند که آن‌ها کاشف نسخه بوده- اند و مصححان زیارت عاشورا از وجود آن اطلاعی نداشتند .

ثانیاً: مرحوم علم الهدی این مقابله و تصحیح را با همکاری گروهی از عاملان مورد وثوق مشهد رضوی انجام داده و در مقدمهٔ مصباح چنین می‌فرماید :

«... فتحسست الكتب من عند علماءهم و جمعت خمس نسخ من دارالكتب للعالم المحدث الفقيه الحاج شيخ عبدالحسين دامت برکاته و کانت نسخه مصححة من نسخة قوبلت بخطوط ابن ادریس و ابن سکون (قدس سرهما) و ثانیها نسخه عتیقة مت دارالكتب للعالم الفاضل و الادیب الكامل مادح اهل البيت بدایع نگار آستان رضوی و هی اقدم نسخه و جدتها فی المشهد المقدس بل ما عشرت باقدم منها فی اسر البلدان اذ تاریخ کتابتها بهذا النص: «اتفق الفراغ عن استنساخه عند الضحوة من یوم الخمسین الثالث و العشرین من صفر سنة اثنان و خمسم أة هجرية فی المشهدالمقدس الرضوی علی ساکنة السلام و الصلوة من نسخة الشیخ الجلیل الصائن العفیف الحاجی بن اسحاق ابراهیم بن محمد الماوراء النهری» لانه کان قریباً من زمان مصنفه باثنین و اربعین سنة. و ثالثها نسخه عتیقة من دارالكتب

الفقیه الفقید السیدالجلیل میرزا عبدالحسین یزدی طاب ثراه و كانت تلك النسخة مصححة ايضاً من خطوط ابن ادریس و ابن السكون المقدم ذكرهما. و رابعها: نسخة عتيقة اخذتها من دارالكتب مدينة العلم و مهبط الوحي المخصوصة لعتبة الرضوية ء خامسها: نسخة عتيقة كانت عندي. فبعد ما جمعت الكتب المزبور دعوت ثقةا من علماء المشهد و اتقيائهم لمساعدتي في المقابلة فاجابوا شكر الله مساعيهم دعوتي فبدلوا جهدهم في ذلك ... ؛ علم الهدى مصحح كتاب مصباح مي فرمايد : ... من برای تصحيح و مقابله مصباح به مشهد آمدم . نسخهها را از علمای مشهد جستجو کردم و در نهایت پنج نسخه را پیدا کردم .
اولین نسخه از کتابخانه عالم محدث و فقیه ، حاج شیخ عبدالحسین دامت برکاته بود. این نسخه با نسخه‌ای که با خط ابن ادریس و ابن سکون مقابله شده بود ، تصحیح شده بود .

دومین نسخه ، نسخه‌ای عتیق بود از کتابخانه عالم فاضل و ادیب ، مداح اهل بیت بدایع نگار آستان قدس رضوی نسخه یاد شده ، قدیمی‌ترین نسخه‌ای بود که در مشهد مقدس به دست آوردم . بلکه در سایر شهرها نیز نسخه‌ای قدیمی تر پیدا نکردم . تاریخ کتابت این نسخه با این عبارت بود : «پایان کتابت این نسخه هنگام ظهر از روز پنج شنبه بیست و سوم صفر، سال ۵۰۲ هجری ، در مشهد مقدس رضوی بر ساکن آن سلام و درود . از نسخه شیخ جلیل، با تقوا و عقیف حاجی ابن اسحاق ابراهیم بن محمد ماوراء النهری صورت گرفت . علت عتیق بودن آن هم این است که نسخه ذکر شده از زمان مصنف آن چهل و دو سال بیشتر فاصله نداشت .

سومین نسخه ، نسخه‌ای عتیق از کتابخانه ی فقیه فقید سید بزرگوار میرزا عبدالحسین یزدی بود . آن نسخه هم تصحیح شده بود با نسخه‌ای که با خط ابن ادریس و ابن سکون مطابقت داده شده بود .

چهارمین نسخه ، نسخه‌ای عتیق بود که از کتابخانه شهر علم و مهبط وحی دریافت کردم ، این نسخه ، مخصوص عتبه رضویه بود .

پنجمین نسخه ، نسخه‌ای عتیق بود که نزد خودم بود . بعد از آن که کتاب‌های نوشته شده را جمع آوری کردم ، معتمدینی از با تقواترین علمای مشهد را دعوت کردم تا در مقابله کتاب‌ها ما را یاری دهند و آن‌ها نیز دعوت مرا اجابت کردند و تمام تلاش خود را در این راه به کار بردند . خداوند به آنها جزای خیر دهد .^۱

هـ) ده‌ها دانشمند بزرگ و حدیث شناس فقیه که یا تمام زیارت عاشورا را شرح داده‌اند ، یا پیرامون فقراتی از توضیحاتی مطرح کرده‌اند ، و یا این که کیفیت خواندن آن را بیان فرموده‌اند، هیچ‌گونه اشاره‌ای به عدم وجود چهار فقره مزبور و از جمله فقره چهارم نداشته‌اند .

۱ - مصباح، چاپ ۱۳۳۸ق.

۲ - ر.ک: المداخلات الکامله، ص ۱۷ به بعد ؛ زیارة عاشورا تحفة من السماء، ص ۱۷۴ به بعد.

شاهد ۱۰) - نقل داستان شیخ طوسی توسط بزرگان

علی رغم گمان مدعیان کشف تزویر که داستان معروف شیخ طوسی با خلیفه عباسی را ساختگی می‌پندارند، این قضیه توسط اعظم، شاهد صدقی بر وقع آن است. این قضیه مؤیدی است بر این که زیارت عاشورا در مصباح شیخ طوسی با همین عبارت مشهور و از جمله وجود فقره چهارم از زمان شیخ موجود بوده است. دانشمندانی که این حکایت را گزارش کرده‌اند عبارتند از:

«مرحوم قاضی نورالله شوشتری»،^۱ «قطب الدین محمد لاهیجی اشکوری»^۲
«مرحوم بحر العلوم»،^۳ «مرحوم صاحب حدائق»،^۴ «مرحوم مامقانی»،^۵
«مرحوم روضاتی»،^۶ «مرحوم تنکابنی»،^۷ «مرحوم حبیب الله کاشانی»،^۸
«مرحوم ملا علی علیاری»،^۹ «مرحوم میرزا ابوالفضل تهرانی»^{۱۰} و دیگران
نقل فرموده‌اند.

۱ - مجالس المؤمنین، چاپ قدیم، شرح حال شیخ طوسی.

۲ - لؤلؤ البحرین، ص ۲۹۴؛ الذریعه، ج ۲۰، ص ۱۴۱.

۳ - رجال بحر العلوم، ج ۳، ص ۱۰۵.

۴ - لؤلؤ البحرین، ص ۲۹۴.

۵ - تنقیح المقال، ج ۳، ص ۱۰۵.

۶ - روضات الجنات، ج ۶، ص ۲۲۶.

۷ - قصص العلماء، ص ۳۹۶.

۸ - شرح زیارت عاشورا، ص ۱۰۵.

۹ - بهجه الامال، ج ۶، ص ۳۶۴.

۱۰ - شفاء الصدور، ص ۳۶۴.

چگونه است که پذیرش این امر برای بعضی سنگین آمده و حال آن که خود مرحوم شیخ طوسی در کتاب «فهرست»، داستانی را که شبیه به همین داستان است از جناب «ابویحیی احمد بن داوود بن سعید الفرازی» نقل می‌کند.^۱

نقل ماجرای شیخ طوسی

عده‌ای شکایت شیخ طوسی را نزد خلیفه عباسی بردند. به او گفتند: شیخ و یارانش صحابه پیامبر ﷺ را دشنام می‌دهند. دلیل این مطلب هم وجود این عبارت در کتاب «مصباح» او است: «اللهم خص انت اول ظالم...» خلیفه عباسی، مرحوم شیخ را احضار کرده و از حقیقت ماجرا پرسید. شیخ طوسی در مقام تقیه چنان فرمود: مراد از این عبارات، آن چیزی نبوده که به ذهن بدگویان رسیده. بلکه مراد از «اول» قابیل، قاتل هابیل بود. او اولین کسی بود که قتل و ظلم را پایه ریزی کرد. منظور از «ثانی» قیدار است که ناقه صالح را پی کرد. مراد از «ثالث» قاتل یحیی بن زکریا است که به خاطر سرکشی یکی از سرکشان بنی اسرائیل او را به قتل رساند. مراد از «رابع» هم عبدالرحمان بن ملجم قاتل علی بن ابیطالب (علیه السلام) است و وقتی خلیفه این سخنان را از شیخ شنید سخنانش را پذیرفت و جایگاهش را نزد خود بالاتر برد. آن‌گاه از بدگویان انتقام گرفته و از خود دورشان کرد.

۱ - ر.ک: فهرست شیخ طوسی، رقم ۱۰۰؛ میزان تشیع، ص ۲۳۶.

شاهد (۱۱) - موافقت مضمون هر چهار فقره با روایات و زیارات

شاهد بعدی موافقت مضمون هر چهار فقره با روایات و زیارات بسیار است ؛ آن هم به صورتی که در مورد مضمون آن می‌توان ادعای تواتر معنوی داشت . در سه فقره از آن ، بنیان اصلی فاجعه و ادامه دهندگان راه آن‌ها به صورت اشاره یا کنایه و یا به شکل صریح معرفی و لعن شده‌اند . در یک فقره هم که به امام شهید و اصحاب او عرض سلام و ادب می‌کنیم ؛ وراجع به سلام که بحثی نیست ، اما راجع به لعن با عناوین خاص و بعضاً کنایی ، به نصوصی اشاره می‌کنیم که در آن‌ها هم امثال این تعابیر ذکر شده . نصوصی چون :

«الاولان» ، «الاول و الثانی و الثالث و الرابع» ، «ملعونان» ، «خداعان» ، «ناکثان» ، «عربیان» ، «هامان و فرعون» ، «جبت و طاغوت» ، «خداعان» ، «ناکثان» ، «عربیان» ، «هامان و فرعون» ، «جبت و طاغوت» ، «خداعان» ، «الجبتان» ، «صنمی قریش» ، «اوئان اربعه» ، «ود» ، «یعوق» ، «یغوث» ، «نسر» و ...^۱

ادعایی عجیب در مورد فقره چهارم

مضحک این که جناب کاشف التزویر ! گمان می‌کند که فقط این «فقره چهارم» است که باعث جنگ‌ها و فتنه‌ها بین شیعه و سنی شده ! او بر این باور است که چه بسا این عبارت توسط متعصبین از اهل سنت اضافه شده

۱ - ر.ک: کتاب چهار جلدی «الأسرار فیما کُتبی و عُرفَ بهِ الاشرار» دارالحق، بیروت.

است! آن گاه هدف آن‌ها از انجام این را هم مبارزه با مکتب تشیع می‌داند! او برای این سخن دلیل سخیفی ارائه می‌دهد و می‌گوید: در این فقره، کلمه «الرابع» ذکر شده و منظور از آن هم خلیفه چهارم علی (علیه السلام) است! این فرد آن قدر به خود زحمت نداده که به متن این فقره از زیارت دقت کند. در این فقره آمده: «اللهم خص انت اول ظالم»؛ یعنی مبنای شمارش در این جمله «ظلم» است، نه «خلافت»! به عبارت دیگر این جمله در صدد لعن اولین ظالم، دومین، سومین و چهارمین و پنجمین ظالم و غاصب است؛ نه در صدد شمارش اولین و دومین و ... خلیفه!

اگر از معاویه گاهی با نام یاد می‌شود و گاهی هم به صورت کنایی و با عنوان «رابع»، به جهت آن است که سلسله ظلم را ترسیم نماید تا بر همگان روشن شود که شخص سفاک و کافری چون یزید، در حلقه پنجم از این سلسله ظلم و ستم قرار دارد. حلقه‌ای که هرچه به ابتدای آن نزدیک تر می‌شویم، به ریشه و عامل اصلی تمام جنایت‌ها و درنده‌خویی‌هایی که در کربلا واقع شد، نزدیک تر شده‌ایم.^۱

حقیقت زیارت عاشورا در کلام شیخ صدوق

تمام حقیقت زیارت عاشورا و فقره چهارم مورد بحث در سخن بلند شیخ المحدثین مرحوم صدوق جمع است که اعتقاد شیعه را درباره ظالمین به اهل بیت (علیهم السلام) بیان می‌کند:

۱ - میزان تشیع، ص ۲۳۸.

«باب الاعتقاد فی الظالمین ...: اعتقادنا فیهم آنهم ملعونون، و البراءة منهم واجبة و ... و الظلم وضع الشيء فی غیر موضعه، فمن ادعى الإمامة و لیس بإمام فهو ظالم ملعون، و من وضع الإمامة فی غیر أهلها فهو ظالم ملعون... قَالَ الصَّادِقُ- عَلَيْهِ السَّلَامُ: «مَنْ شَكَّ فِي كُفْرِ أَعْدَائِنَا وَ الظَّالِمِينَ لَنَا فَهُوَ كَافِرٌ».

ا و أمّا فاطمة صلوات الله عليها فاعتقادنا فيها أنّها سيدة نساء العالمین من الأولین و الآخرین، و أنّ الله یغضب لغضبها، و یرضی لرضاها و أنّها خرجت من الدنيا ساخطة علی ظالمیها و غاصبیها و مانعی إرثها... و اعتقادنا فی البراءة أنّها واجبة من الأوثان الأربعة و من الانداد الأربعة و من جمیع أشیاعهم و أتباعهم، و أنّهم شرّ خلق الله. و لا یتم الإقرار بالله و برسوله و بالائمة إلّا بالبراءة من أعدائهم. و اعتقادنا فی قتلة الأنبياء و قتلة الأئمة أنّهم کفار مشرکون مخلدون فی أسفل درک من النار. و من اعتقد فیهم غیر ما ذکرناه فلیس عندنا من دین الله فی شیء ؛

ابن بابویه رحمه الله علیه گوید :

اعتقاد ما درباره ظالمان آن است که آنها ملعون هستند . و اظهار براءت و تبری از آنها واجب است . (بعد آیاتی را مطرح فرموده) در ادامه چنین می گوید : ظلم عبارت است از :

نهادن چیزی در غیر موضع خود ، پس هر که ادعای امامت کند و امام نباشد ، چنین کسی ظالم و ملعون است . کسی که امامت را به غیر اهلش بسپارد ، چنین شخصی هم ظالم و ملعون است . (آنگاه روایاتی را ذکر

می‌کند). حضرت صادق (علیه السلام) فرمودند: کسی که در کفر دشمنان و ظلم کنندگان به ما شک داشته باشد، کافر است. «... و اما فاطمه (علیها السلام)، اعتقاد ما در مورد آن حضرت این است که: ایشان بانوی زنان عالمیان از اولین و آخرین هستند، و [نیز معتقدیم که] حقتعالی غضب می‌فرماید به سبب غضب او، و خشنود می‌شود به خشنودی او. او معتقدیم که [آن حضرت از دنیا مفارقت کند در حالی که بر کسانی که بر او ظلم کرده و حقی را غصب کردند و مانع ارثش شدند، غضبناک بود ... و اعتقاد ما در برائت از «اوئان اربعه، چهار بت»، «انداد اربعه»! و از جمیع پیروان و تابعین آنها واجب است. و [معتقدیم که] آنها بدترین خلق خداوند هستند و اقرار به خداوند و رسولش (صلی الله علیه و آله) و اقرار به ائمه معصومین (علیهم السلام) کامل نمی‌شود، مگر با بیزاری و برائت جستن از دشمنان آنها.

اعتقاد ما در مورد قاتلین انبیای الهی و قاتلین ائمه معصومین (علیهم السلام) این است که آنها کافر و مشرک هستند و در پایین‌ترین جای دوزخ جای دارند و کسی که در مورد آنها اعتقادی غیر از این چیزی که گفتیم داشته باشد، به نظر ما در دین خداوند نیست.^۲

لازم به تذکر است که مرحوم شیخ مفید با این که در کتاب «تصحیح الاعتقاد» برخی از کلمات و اعتقادات شیخ صدوق را نقد می‌کند، در این

۱ - چهار بت و چهار شریک عبارتند از: (بَعُوث و یَعُوق و نَسْر و هُبَل) (لات و عَزَى و منات و شَعْرَى)

۲ - اعتقادات الإمامیه و تصحیح الاعتقاد، ج ۱، ص ۱۰۴ تا ۱۰۶.

بخش هیچ سخنی ندارد. همچنین علامه مجلسی در بحارالانوار کلامی از علامه حلی نقل فرموده که مشابه فرمایش مرحوم صدوق است.^۱ علامه مجلسی رحمته الله علیه در بحار، از علامه حلی رحمته الله علیه در شرح الیاقوت، حکایت می‌کند که گفت:

اعتقاد ما درباره براءت این است که [باید براءت جست] از اوئان و اِنانث چهارگانه و از همه پیروان و دنباله روان آنها، و اینکه آنان بدترین آفریده های خدایند، و اقرار به خدا و رسول او و به امامان علیهم السلام، تمام نمی شود مگر با براءت از دشمنان آنان

بنابراین هماهنگی مضمونی هر چهار فقره با اعتقادات ضروری و قطعی شیعه، شاهد صدقی بر عدم تحقق زیاده، عدم تحریف و تزویر است. پس کسی که به گمان خود زیارت عاشورا را در ترازوی سنجش گذاشته و در راه نگارش کتاب «زیارة عاشورا فی المیزان» سه سال از عمر خود را تلف می‌کند، باید به این حقیقت تن در دهد که: «زیارت عاشورا هی المیزان». همچنین بداند که مخالفت با این میزان و معیار، خروج قطعی از آیین و اعتقادات مسلم تشیع است.

شاهد (۱۲): ذکر سه اصل برای رفع تردید

اگر بر فرض کسی بگوید: «من از یک سو با توجه به مجموع شواهد فوق و از سوی دیگر باتوجه به سخن مدعیان تحریف و تزویر دچار تردید

۱ - ر.ک: بحارالانوار، ج ۸، ص ۳۶۶.

شده‌ام»، در چنین صورتی تکلیف او رجوع به اصل است و ما در این مورد به سه اصل اشاره می‌کنیم :

اصل اول : اصل عدم خیانت و تزویر

معنای شک این است که اگر ما در تحقیق «خیانت»، «تزویر» و انجام تحریف توسط کاتبان و ناسخان تردید داریم، در چنین حالی از آن جا که کاتب فردی مسلمان است، خیانت و تزویر و تحریف، بر خلاف ظهور حال وی بوده و محتاج به اثبات و اقامه دلیل است. روی همین اساس اگر دلیلی بر تزویر نداشته و در وقوع آن شک داشتیم، اصل عدم تحقق خیانت و تزویر جاری است.

اصل دوم: اصل عدم اجتهاد در استنساخ

فرض کنید خیانتی در کار نیست، اما آیا ممکن است که ناسخ از روی «اجتهاد» و برای تفهیم مطلب یا به غرض دیگر مطلبی را به زیارت عاشورا اضافه کرده باشد یا نه؟ در این جا عقلاً چنین عملی را خلاف کار محوّل شده به وی دانسته و می‌گویند: اگر هم بر فرض غرضی در بیان یک جمله اضافه وجود داشته باشد، باید ناسخ به نحوی اضافات را از متن جدا کند، و گر نه این عمل تدلیس و خیانت است؛ هر چند که کاتب قصدی هم نداشته باشد. پس هرگز نمی‌توان وجود این چهار فقره را ناشی از برداشت و اجتهاد کاتبان دانست.

اصل سوم: اصل عدم زیاده

معنای این اصل عقلایی آن است که اگر شک کنیم کاتب از روی «غفلت» کلمه یا جمله‌ای را اضافه کرده است، اصل عقلایی در عدم غفلت بوده و وجود غفلت محتاج به اقامه شاهد است. فرض ما هم بر این است که شاهد و دلیلی بر این امر نداریم. البته عقلاً در چنین جایی اصل دیگری را نیز به نام «اصل عدم نقیصه» جاری می‌دانند. یعنی اگر شک کنیم در نسخه‌هایی که فاقد هر چهار فقره یا بعضی از این فقرات است، غفلت و نقیصه‌ای صورت گرفته است یا نه؟ عقلاً اصل عدم غفلت و در نتیجه اصل عدم نقیصه جاری می‌شود.

حال در این جا ما هستیم و دو اصل: یکی «اصل عدم زیاده» و دیگری «اصل عدم نقیصه»؛ لذا ممکن است گفته شود: «این دو اصل با یکدیگر تعارض و تساقط می‌کنند و چون هیچ دلیل بر وجود این فقرات نداریم، پس عملاً زیارت عاشورا فاقد این فقرات شد».

پاسخ این است که: عقلاً در اصل عدم غفلت بین «غفلت در انجام زیاده» با «غفلت در ایجاد نقیصه» فرق می‌گذارند و می‌گویند: «اصل عدم زیاده» بر «اصل عدم نقیصه» مقدم است. چون بسیار بعید است که ناسخ از روی غفلت کلمه‌ای را (تا چه رسد به جمله، جملات و فقرات) اضافه کند، اما احتمال این که غفلتاً چیزی را به هنگام استنساخ از قلم بیندازد بعید نیست و عملاً اتفاق می‌افتد.

تقدم «اصل عدم زیاده» بر «اصل عدم نقیصه» نهایتاً در مورد زیاده و نقیصه یک حرف یا کلمه و حداکثر چند کلمه قابل قبول است، نه در زیاده و نقیصه جمله و جملات! در زیارت عاشورا حداکثر چهار فقره و

حداقل خصوص فقره چهارم مورد تردید در زیاده و نقیصه قرار گرفته است. در این جا عَقْلا «اصل عدم غفلت در نقیصه» را مثل «اصل عدم غفلت در زیاده» می‌دانند و هیچ کدام را مقدم نمی‌کنند. بنابراین معتقدیم که در این بحث، اصلی به نام «اصل عدم زیاده» وجود ندارد، اما همانگونه که ملاحظه فرمودید «اصل عدم خیانت» و «اصل عدم اجتهاد در استنساخ» برای اثبات مدعای ما کافی بود.^۱

بیان دو نکته ضروری :

نکته اول: فهمی نادرست از معنای «اصل عدم زیاده»

و تقدم آن بر اصل عدم نقیصه از نظر برخی از علمای اصول همان مطلبی بود که بیان شد، نه آن چه جناب کاشف التزویر از اصل عدم زیاده بیان کرده است.^۲

نویسنده‌ای با ارائه شش نسخه از «مصباح کبیر» در پی اثبات آن است که در زیارت عاشورا و به خصوص در فقره چهارم، تزویر و و تحریف رخ داده است :

نسخه اول : نسخه نقاش رازی است که تاریخ کتابت آن به سال ۵۰۲ هـ.ق می‌رسد و قدیمی‌ترین نسخه موجود از «مصباح کبیر» است. در این نسخه، دو فقره «صد لعن» و «صد سلام» و فقره «اللهم خص انت ...» در متن نیست، هر چند که این فقرات در حاشیه و با خطی مغایر با متن

۱ - میزان تشیع، ص ۲۴۰-۲۴۲.

۲ - ر ک: زیارة عاشورا فی المیزان، ص ۱۲۴ و ۱۳۰.

ذکر شده‌اند . ارزش این نسخه عتیق فقط به قدمت آن نیست ، بلکه تصحیحات ، قرائت‌ها و مقابله‌هایی توسط برخی از علما بر روی آن انجام شده است .

نسخه دوم : نسخه‌ای است از کتابخانه مرحوم آیت الله مرعشی نجفی که متن آن دقیقاً منطبق با نسخه پیشین است و فقرات چهارگانه در حاشیه و با خطی مغایر با متن نوشته شده است . این نسخه به گفته ایشان مربوط به قرن ششم است .

نسخه سوم : نسخه سید بن طاووس است که در «مصباح الزائر» گزارش آن را داده و چنین گفته : «نسخه‌ای از «مصباح کبیر» که در نزد من است و با نسخه شیه طوسی مقابله شده است ، دو فصلی را که صد بار تکرار می‌شوند ، ندارد و من آن دو فصل را از مصباح صغیر نقل کرده‌ام» . از نظر نویسنده ، این نسخه مصباح که نزد سید بن طاووس بوده دقیقاً مثل دو نسخه قبل است و هیچ تزویری در آن راه پیدا نکرده است .

نسخه چهارم : نسخه‌ای که کاتب آن «بخشی تونی» است . این نسخه مربوط به قرن نهم هجری است و قرائت‌ها و تصحیح‌هایی بر روی آن انجام شده است . از جمله این قرائت‌ها ، قرائتی است که فرزند ناسخ به نام «کمال بن بخشی» در محضر محقق کرکی انجام داده است . زیارت عاشورا در این نسخه هم مثل نسخه «سید بن طاووس» و دیگر نسخه‌های یاد شده پیشین است و باز هم با خطی که با متن تفاوت دارد ، فرازهای یاد شده در حاشیه ذکر شده است .

نسخه پنجم: نسخه «جد حفصی» است مربوط به قرن دهم است و متن آن هم دقیقاً مثل نسخه‌های قبل است؛ با این تفاوت که در حاشیه این نسخه به فرازهای مذکور هیچ اشاره‌ای نشده است.

نسخه ششم: نسخه «خواجه شیراحمد» است که مربوط به قرن یازدهم هجری است. این نسخه هم نسخه‌ای است مهم و موافق با پنج نسخه قبل و مثل نسخه نقاش، مرعشی و بخشی، فقرات مورد بحث در حاشیه با خط مغایر با متن آمده است.

این نویسنده از شش نسخه نتیجه می‌گیرد که چون این نسخه‌ها قدیمی‌ترین و صحیح‌ترین نسخه‌ها هستند پس با اطمینان! می‌توان گفت که فقره «اللهم خص انت..» توسط تزویرگران به زیارت عاشورا اضافه شده است!

اگر چه با توجه به مطالب پیشین سستی این سخنان بارز و آشکار شد، اما در این جا مناسب است به برخی از موارد تزویر در گفته‌های این شخص اشاره کنیم:

۱- این قلم به دست بارها تکرار کرده است که نسخه «مصباح کبیر» که نزد «سید بن طاووس» بوده، مثل پنج نسخه خطی نامبرده است؛ در حالی که:

۱ - زیاره عاشورا فی المیزان، ص ۱۴۳ تا ۲۱۲.

اولاً: فقره اول که بعد از لعن به ابوسفیان شروع می‌شود و پایانش «... بالموالاة لنبیک و آل نبیک» هست ، در نسخه مصباح «سید بن طاووس» موجود بوده ، ولی در متن این پنج نسخه نیست .

ثانیاً: فقره چهارم «اللهم خص انت ...» در نسخه مصباح «سید بن طاووس» بوده ، ولی در متن این پنج نسخه نیست .

دلیل ادعای ما این است که «سید بن طاووس» تصریح فرمود در نسخه مصباح کبیری که در نزد من است و با نسخه‌ای که به خط مصنف بوده مقابله شده است فقره دوم و سوم نیست ؛ یعنی دو فقره مشتمل بر «صد لعن» و «صد سلام» ، و هیچ اشاره‌ای به فقدان فقره اول و چهارم نمی‌کند^۱. پس این مطلب ، تزویری است آشکار که این نویسنده بارها مرتکب آن شده است .

(۲) - تزویر دوم این است که نویسنده بارها وانمود کرده ، فقره چهارم تزویری است که در قرون اخیر و توسط افراد مزور صورت گرفته است ، افرادی که به دنبال ایجاد تنش بین شیعه و سنی هستند ؛ در حالی که تمام نسخه‌های موجود از «مصباح الزائر» سید بن طاووس فقره چهارم را نقل کرده است . جناب آقای «سید بن طاووس» که متوفی سال ۵۶۶۴.ق است ، مربوط به قرون متاخره بوده؟! و آیا منبع او در نقل این قسمت ، نسخه‌های قرن دهم به بعد بوده است!؟

۱ - «لم یکن فی الفاظِ الزیارةِ الفصلانِ الذانِ یکررانِ مئةَ مرَّة»، مصباح الزائر، ص

۳- قانون تحقیق- و نه تزویر- این بود که هم موارد مثبت و دارای اهمیت را در پنج نسخه متذکر می‌شد و هم کمبودها و نواقص آن‌ها را؛ لذا در عین اعتراف به اهمیت والای این نسخه‌ها چنین می‌گوییم:

«یکی از نکته‌های منفی در این نسخه‌ها نبودن فقره اول است که در تمام متونی که زیارت عاشورا را نقل کرده‌اند یافت می‌شود و نبودنش در متن این پنج نسخه نمره‌ای منفی به این نسخه‌ها می‌دهد. همچنین نمره منفی دیگر، نبودن فقره دوم و سوم است که غیر از این نسخه و نسخه «سید بن طاووس» در همه نسخه‌ها و متون مختلفه مثل مصباح و کامل الزیارات و ... نقل شده است. خود «سید بن طاووس» هم متوجه این اشکال بوده است؛ روی همین اساس، دو فقره دوم و سوم را از «مصباح صغیر» نقل می‌کند.»

۴- تزویر دیگر نویسنده این است که هیچ اشاره‌ای به اشکالات فنی و نسخه‌ای موجود در پنج نسخه خطی نمی‌کند، در حالی که هر پنج نسخه دچار اشکال‌هایی است که ما از ذکر آن‌ها خودداری کرده و خواننده گرامی را به کتاب تحقیقی: «المداخلات الکامله فی رد مدعی التزویر» ارجاع می‌دهیم.

در این کتاب به صورت مبسوط و محققانه با چشم پوشی از مناقشه‌های کوچکی که می‌توان بر آن داشت این مطلب بررسی شده است.

۵- این شخص در بررسی نسخه‌ها به هیچ وجه وجود حالت خفقان و شرایط سخت شیعه که لازمه‌اش تقیه است را ملاحظه نکرده است. ما بعید می‌دانیم این نویسنده تا این حد بی اطلاع باشد که نفهمد شیعه در چه زمانی زندگی می‌کرده و با چه شرایط سختی روبرو بوده است. روی

همین حساب برای عدم لحاظ تقیّه ، هیچ توجیهی غیر از «تزویر» نویسنده نمی‌توانیم بیاییم . در یک کلام اگر خواننده گرامی مجدداً به همین شواهدی که در این فصل ارائه دادیم مراجعه کند ، به موارد تزویر سخن این نویسنده پی خواهد برد .

نکته دوم: مقایسه نقل «کامل الزیارات» با «مصباح المتهدجد»

آن عده از سعادت‌مندان که مورد عنایت حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) قرار گرفته نسبت به زیارت عاشورا میراث جاوید عاشورا عرض ادب نموده‌اند ، در باب نقل منابع این زیارت حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) نیز تحقیق داشته‌اند ، نخستین آن را «کامل الزیارات» نوشته ابن قولویه قمی (در قرن چهارم هجری قمری) و دومین منبع را «مصباح المتهدجد» شیخ طوسی (در قرن پنجم) و سومین آن را «مزار کبیر» محمد بن جعفر مشهدی (در قرن ششم) و ... دانسته‌اند . اگر طبق سنت اهل تحقیق که قدیمی‌ترین منبع را در واقع نزدیکترین سند به عصر معصوم (علیه السلام) ملاک پژوهش و بررسی قرار می‌دهند بخواهیم ملاک قرار دهیم نسخه ابن قولویه قمی (علیه السلام) که یک قرن قبل از شیخ طوسی (علیه السلام) می‌زیسته ، این فراز از زیارت عاشورا به این صورت آمده است : «اللَّهُمَّ خُصَّ أَنْتَ أَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ آلَ نَبِيِّكَ بِاللَّعْنِ

۱ - ۴ - ۱) مصباح الزائر از سید علی بن موسی بن طاووس در قرن هفتم، (۵) - فرحة العزی از سید عبدالکریم بن احمد بن طاووس در قرن هفتم، (۶) - منهاج الصلاح از علامه حلی در قرن هشتم، (۷) - مزار شهید اول در قرن هشتم، (۸) - البلدالامین از تقی الدین ابراهیم کفعمی در قرن دهم، (۹) - بحارالانوار از مجلسی و تحفه الزائر در قرن یازدهم (زیارت عاشورا فراتر از شبهه، تألیف آیت الله حاج میرزا جواد تبریزی (علیه السلام) ص ۹۲).

ثُمَّ الْعَنُ أَعْدَاءَ آلِ مُحَمَّدٍ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، اللَّهُمَّ الْعَنُ يَزِيدَ وَأَبَاهُ وَالْعَنُ عُيَيْدَ
اللَّهُ بْنِ زِيَادٍ وَآلَ مَرْوَانَ وَبَنِي أُمَيَّةَ قَاطِبَةً إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»^۱

در حالی که باز هم با چشم پوشی از اختلاف نسخه‌های جزیی در اکثر نسخه‌های «مصباح کبیر»، «مصباح صغیر» و دیگر منابع فقره چهارم این‌گونه است :

«اللَّهُمَّ خُصَّ أَنْتَ أَوْلَ ظَالِمٍ بِاللَّعْنِ مِنِّي، وَابْدَأْ بِهِ أَوْلًا ثُمَّ الثَّانِي وَالثَّالِثَ وَالرَّابِعَ،
اللَّهُمَّ الْعَنُ يَزِيدَ خَامِسًا، وَالْعَنُ عُيَيْدَ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ وَابْنَ مَرْجَانَةَ وَعُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَ
شِمْرًا، وَآلَ أَبِي سُفْيَانَ وَآلَ زِيَادٍ وَآلَ مَرْوَانَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.»

آنچه در این مورد می‌توان گفت :

اولاً: اصل عدم خیانت در هر دو عبارت جاری است و هیچ یک تعارضی با یکدیگر ندارند . بنابراین در خواندن هر دو عبارت ، هیچ اشکالی وجود ندارد .

ثانیاً : می‌توانیم بگوییم : با توجه به این که زیارت عاشورا از دو امام بزرگوار یعنی امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) نقل شده است ، ممکن است اختلاف هر دو عبارت ، مربوط به نقل هر یک از دو بزرگوار باشد .

ثالثاً : احتمال دارد هر دو عبارت از هر دو امام باشد ؛ منتها یکی مربوط به زمان تقیه باشد (عبارت کامل الزیارات) و دیگری مربوط به غیر زمان

۱ - کامل الزیارات ، ابن قولویه، ترجمه سید علی حسینی، ص ۶۲۰

تقیّه باشد (عبارت مصباح). همان گونه که در بعضی از زیارت‌ها به این نکته اشاره شده و گفته شده که این زیارت مربوط به زمان تقیّه است.^۱ رابعاً: اگر نوبت به سنجش و ترجیح برسد، ترجیح سندی با نقل «مصباح المتهدج» است؛ زیرا همان گونه که مشاهده فرمودید یکی از سندهای مصباح قطعاً صحیح است، در حالی که هیچ یک از دو سند کامل الزیارات صحیح اصطلاحی نیستند.

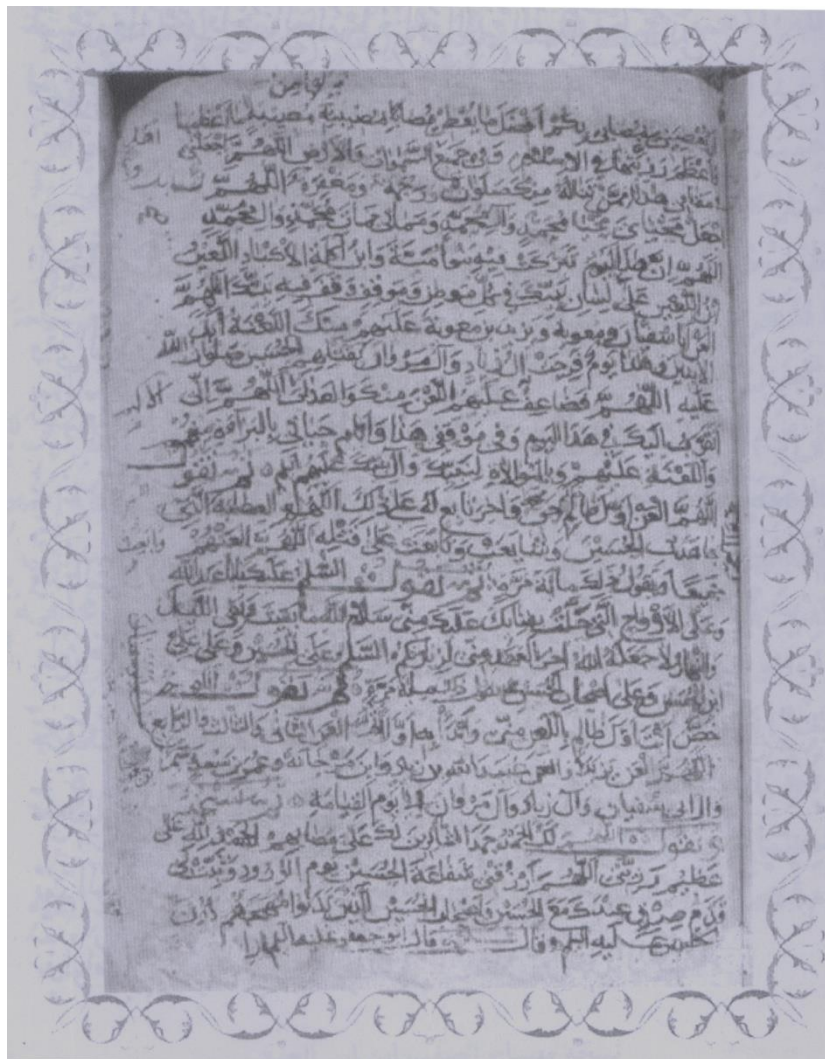
۱ - یونس بن ظبیان عن ای عبدالله رضی الله عنه قال: قلت به جعلت فداک زیارة قبر الحسین رضی الله عنه فی حال التقیه قال اذا اتیت الفرات فاغتسل ثم ...، ر.ک: کامل الزیارات، الباب الخامس و الأربعون ثواب من زار الحسین رضی الله عنه و علیه خوف، ص ۱۲۶. و در کتاب من لا یحضر الفقیه، ج ۲، ص ۵۹۸ بابی با عنوان بَابُ مَا يُجْزَى مِنْ زِيَارَةِ الْحُسَيْنِ رضی الله عنه فِي حَالِ التَّقِيَّةِ قرار داده شده است.

فصل چهارم:

تصاویر بعضی از نسخ خطی زیارت عاشورا

تحريفات و تصحيقات پيرامون زيارت عاشورا

تصاویر بعضی از نسخ خطی زیارت عاشورا



نسخه مصباح المتهجد معروف به نسخه بروجردی

لَيْبِكَ قَالَ بَيْتِكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ثُمَّ نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الْعَرْزِ أَوْ ظِلِّ الظُّلَمِ
 حَقَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَخْرَجَ لَهُ عَلَى ذَلِكَ اللَّهُمَّ الْعَرْزَ الْعَصَابَةَ الَّتِي
 جَاهَدْتَ الْحُسَيْنِ وَشَاطِعَتْ وَبَايَعَتْ عَلَى مِثْلِهِ اللَّهُمَّ الْعَرْزَ جَمِيعًا
 حَاطَرْتَهُ ذَلِكَ مِائَةً مَرَّةً سُبْحَانَ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا بَاعِدِ اللَّهُ وَعَلَى الْأَرْضِ
 الَّتِي حَلَّتْ فِيهَا نَبِيِّنَا وَنَاخَتْ بِحُكْمِكَ عَلَيْكَ مِنْ سَلَامِ اللَّهِ أَبَدًا بِبَيْتِ
 وَتَقَى الْبَيْدَ وَالنَّهَارَ وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ لِيْلَارِئِكَ السَّلَامُ عَلَى
 الْحُسَيْنِ وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَهْلِ الْبَيْتِ سُبْحَانَ مَا يَقْتَرَهُ
 اللَّهُمَّ حَضَرْتَ أَوْلَى ظِلِّ الْعَرْزِ مِنْهُ وَأَبْدِيهِ أَوْ الْأَنْتِ النَّاسِ
 وَالثَّلَاثَةِ وَالرَّبِيعِ اللَّهُمَّ الْعَرْزَ مِنْ دَخَانِهَا وَالْعَرْشَ مِنْ دَخَانِهِ
 وَأَبْنِ مَرْجَانَهُ وَعَمْرٍاءَ سَعِيدٍ وَشَمْرَةَ أُمَّ ابْنِ مَعِينَانَ ذَلِكَ زِيَادٌ وَقَالَ
 مَرْوَانَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَحَدٌ مِنْكُمْ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ يَا مُحَمَّدَ الشَّامِكِينَ لَكَ عَلَى مِثْلِ
 عَلَى عَظِيمِ مَرْثِي الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَصَابِهِمُ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ
 يَوْمَ الْوُرُودِ وَتَبَتُّ فِي قَدَمِ صِدْقِي سَخِّ الْحُسَيْنِ وَأَهْلِ الْبَيْتِ الَّذِينَ
 بَدَلُوا مَجْهَمَهُ دُونَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَيْهِ عِلْمُهُ مِنْ مُحَمَّدٍ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ

نسخه مصباح الزائر سيد بن طاووس عليه السلام

وَتَابَعَتْ عَلَى قَتْلِهِ يَا اللَّهُ اجْعَلْ لِعَنْتِكَ وَبِاسْئَلِكَ وَنِقْمَتِكَ عَلَيْهِمْ
 اللَّهُمَّ الْعَنْهُمْ هَمِيحًا يَقُولُ ذَلِكَ مِائَةَ مَرَّةٍ ثُمَّ يَقُولُ اللَّهُمَّ عَلَيْكَ بِهَا
 بِعَبْدِ اللَّهِ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفَنَائِكَ عَلَيْكَ مِنْ سَلَامِ اللَّهِ مَا
 يَقْتَضِي وَيُقِي الْمَلِدَ وَالنَّهَارَ وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ أَحَدًا الْعَهْدِ مِنْ لِي يَارَ تَكْرُمِ
 السَّلْمِ عَلَى الْحُسَيْنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ
 يَقُولُ ذَلِكَ مِائَةَ مَرَّةٍ ثُمَّ يَقُولُ اللَّهُمَّ خُصِّ لَتَّ أَوْلَ طَالِمِ
 بِاللَّعْنِ مِنْ بَنِي أَبِي دَاوُدَ وَالْعَنْ عَمِيْدَهُ اللَّهُ بْنُ زِيَادٍ وَأَبْنَ مَرْجَانَةَ
 وَتَمِيمَ بْنَ سَعْدٍ وَسَمِرَ وَأَالَ أَبِي سَفِيَانَ وَأَالَ زِيَادٍ وَأَالَ مَرْوَانَ
 إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ثُمَّ يَسْبُحُ وَيَقُولُ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَهْدَ الشَّاكِرِينَ كَلِمَةً
 عَلَى مَصِيْبَتِهِمْ بِحَسْبِ عَظِيمِ بَدِيْتِي يَا اللَّهُ اهِدْنِي شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ
 وَالْحُسَيْنِ وَبَقِيَّتِي إِلَى يَدَيْهِمْ حَبِيْبِي وَعِ الْحُسَيْنِ وَأَصْحَابِ الْحُسَيْنِ
 الَّذِينَ كَانُوا أَحْسَنَ دُفَعِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَتْ عَلِيَّةُ
 قَالَتْ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَزُوْرَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ
 بِهَذِهِ الزِّيَارَةِ مِنْ دَارِكَ فَإِنَّهُ فَلَئِنْ كَانَ مِنْكَ وَتَدْبُرُ
 أَوْ يَرُدُّكَ مِنْ ذَلِكَ مِنَ الزِّيَارَاتِ وَالِدَعَا الْمُخْتَصِّ بِهَذَا الْيَوْمِ فِي
 الْمَصِيْبَاتِ وَفِيهَا ذِكْرَانَهُ مَعْنَاكَ كَفَايَةً صَفْحَةً
 يَوْمَ الْحُسَيْنِ مِنْهُ كَانَ فِيهِ رُجُوعٌ حَرِيْمٌ سَمِيْعًا إِلَى عَبْدِ اللَّهِ

نسخه مصباح الصغير، ابن ابى الجود

تذوقتل انصاره الله صر القتم جميعا ثم قل ما تمة السلا عليك يا ابا عبد الله
 وعلى ارواح التي حلت بفايك عليك مبي سلامه ابد ما بقيت وبقى الليل
 النهار و ايجله اده اخر القمدين زيارتكم السلا على الحسين بن علي وعلى بن
 الحسين واصحاب الحسين ثم تقول تمة واحدة اللهم خصن اول ظالم ظلم
 آل نبلك باللعن ثم العن اعداء آل محمد من الاولين والاخرين اللهم العن
 يزيد واباه واللعن عبيد اده بن زياد وآل مروان وبني ابية قاطبة الى يوم القيمة
 ثم تجدي سجدة تقول فيها اللهم لك الحمد والشاكرين على صابم الحمد لله على
 عظيم رزقي بينهم اهرار رزقي شفاعة الحسين يوم الورد وربت لي قد صدق
 عندك مع الحسين واصحاب الحسين الذين بذلوا مسميهم دون الحسين ثم قال
 اذا استطعت ان تزورني بكل يوم بهذه الزيارتة من حصولك فاقبل ذلك ثوابك
 ان شاء الله بار ٧٢ ثواب من زار الحسين ثم في التفتي الحسين

ابي وعلي بن الحسين ومحمد بن يعقوب جميعا عن علي بن ابراهيم بن محمد بن ابي عن
 بعض اصحابه عن مروان بن خارجه عن ابي عبد الله ع قال اذا كان من شعبة
 نادى بنا من المفق الاعلى زارني الحسين ارجوا مغفورا لكم ان ابيكم على الله كم
 ومحمد بنك حدثني ابي وجا فته شياخي من سعد بن عبد الله عن الحسن بن علي
 الزياتي وغيره عن احمد بن هلال عن محمد بن ابي عمير عن حماد بن عوف عن ابي بصير
 عن ابي عبد الله ع والحسن بن محبوب عن ابي حمزة عن علي بن الحسين ع قال ما

نسخه كامل الزيارات كتابخانه آيت الله مرعشي رحمته الله

على الله عبيد في كل موطن وموقف وقتك بئسك اللهم العن ابا سفيان ومعه
 وينيد ابن معوية عليهم منكم اللعنة الابد الابدين وهذا يوم قرحت به ال زياره وال
 مران بقتلهم الحسين عليهم السلام اللهم صاعف عليهم اللعن منك والعذاب
 اللهم اني اتوبت اليك في هذا اليوم وفي موافق هذا ايام صيدق بالبراءة
 منهم واللعنة عليهم وبالموالات لبنتك والبتك عليهم السلام
 اللهم العن اول ظالم ظلم حق محمد آل وآخرتابع له على ذلك اللهم العن القبا
 التي جاهدت الحسين وشابعت وبايعت على قتله اللهم العنهم جميعا
 يقول ذلك ما يروى ثم يقول السلام عليكم يا ابا عبد الله الحسين وعلى
 الازواج التي حلت بفنائك عليك مني سلام الله ما بقيت وبقي الليل والنهار
 ولا جعله الله آخر العهد مني لزيارتكم السلام على الحسين وعلى علي الحسين
 وعلى اولاد الحسين وعلى اصحاب الحسين الذين بدلوهم بغيرهم دون الحسين
 يقول ذلك ما يروى ثم يقول اللهم حقن انت اول ظالم باللعن مني واولاد
 يد اولئك العن الثاني والثالث والرابع اللهم العن من رخص مساء العن عليه
 زياد واسم حيان وعمر بن سعد وشير وال ابي سفيان وال زياد وال مروان ابني
 يوم العيوة ويستوي ويقول اللهم لك الحمد والشاكرين لك على مضاهم
 الله سيد علي عظيم رزقي اللهم ازرني اللهم شفاعة الحسين عليه السلام يوم الورد
 وثبت لي قدم صدق عندك مع الحسين واولاد الحسين واصحاب الحسين الذين بدلوهم
 مضاهم دون الحسين قال علقمة قال اوصف عليه السلام ان شئت ان تزوره
 في كل يوم بهذه الزيارة في دارك فاعط ذلك ثواب جميع ذلك وروى محمد
 بن صالح الطوسي عن عبيد بن عمير قال رجعت مع صفوان بن يحيى الى الجبال وجماعة
 من اصحابنا الى الربيع فخرجوا معي عليه السلام فزنا من الحسن الى المدينة فلما

نسخه مصباح المتعجد كتابخانه آستان قدس رضوى

وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ
 عَلَيْكُمْ وَأَمَّا الرَّسُولُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ
 إِلَى اللَّهِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ
 أَشْيَاءَهُمْ وَأَتَابَهُمْ إِنْ سَأَلْتُمْ سَأَلْتُمْ وَتَرْتَابَهُمْ خَارِجًا لَكُمْ وَوَكَيْلًا لَكُمْ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ
 وَتَرْتَابَهُمْ إِنْ سَأَلْتُمْ سَأَلْتُمْ وَتَرْتَابَهُمْ خَارِجًا لَكُمْ وَوَكَيْلًا لَكُمْ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ
 وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ
 عَلَيْكُمْ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ
 أَوْسَلًا فِي بَعْضِ أَعْمَالِ التَّوْبَاتِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ
 حَيًّا وَتَحْيَا حَيًّا وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ
 عَلَى لَيْلِيكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَسُورَةٍ وَقَفْتُمْ فِيهِ نِيْلِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ
 بِنِوَالِي سَعْيَانِ وَزَيْنِ بَدِينِ وَمُتَوَاتِرَةٍ عَلَيْكَ مِنْكَ اللَّعْنَةُ أَبَدًا أَبَدِينَ وَهَذَا يَوْمٌ فُجِرَتْ بِرَأْسِ زَيْلٍ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ
 اللَّهُ عَلَيْهِ اللَّهُ مُنَافِعٌ عَلَيْهِمُ اللَّهُ وَمَنْكَ اللَّهُ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ
 وَاللَّعْنَةُ عَلَيْهِمْ وَيَا مَوْلَايَ لَيْلِيكَ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ
 تَابِعْ لَهُ عَلَى ذَلِكَ اللَّهُ الْعَرِضُ الْعَصَابَةُ الَّتِي جَاهَدَتْ لِحُسَيْنٍ وَشَاحَتْ عَلَى قَبْرِ اللَّهِ الْعَلَمِ جَمِيعًا بِسِرِّهِ سَيُكْرَى
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَعَلَى آلِهِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ
 وَاللَّعْنَةُ وَاللَّعْنَةُ اللَّهُ خَارِجًا عَنْهُ مِنْ إِيَّائِكَ السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَهْلِ الْبَيْتِ الْحُسَيْنِ
 بِسِيرِ اللَّهِ مُحَمَّدٌ أَنْتَ أَوْلَى بِاللَّعْنَةِ مِنْ بَابِ الْأَمِّ الثَّلَاثُ وَالرَّابِعُ اللَّهُ
 الْقَدْرُ بِيَدَيْنِ مُتَوَاتِرَةٍ خَاسِرًا وَنَحْنُ عُبْدٌ كَاللَّهِ فِي زِيَادِهِ وَانْبِغَاتِهِ وَنَحْنُ سَعْدٌ فِي قُدْرَتِهِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ
 الْأَمْرُ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ

نسخه تحفة الزائر علامه مجلسي رحمه الله، كتابخانه آستان قدس رضوی

فصل پنجم:

شبهه تحریف زیارت عاشورا

و پاسخ مفصل و قاطع به آن

تحريفات و تصحيقات پيرامون زيارت عاشورا

شبهه تحریف زیارت عاشورا و پاسخ مفصل و قاطع به آن

حجت الاسلام شیخ حسین راضی ، در مقاله خود سعی دارد با استناد به نسخه‌های خطی که در دسترس وی بوده ، اثبات نماید که فقراتی که صد مرتبه تکرار می‌باشند و نیز قسمت آخر زیارت عاشورا که مشتمل بر لعن است ، در نسخه‌های اصلی کتاب «مصباح المتهدجد» شیخ طوسی رحمته الله وجود ندارد و زیارت عاشورایی که رایج است و چاپ می‌شود ، تحریف شده است .

نقد زیارت عاشورا و دیدگاه شیخ راضی

برای روز عاشورا ، چهار روایت و زیارت نقل شده است :

(۱) - زیارت امام حسین علیه السلام که علقمه ، از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است . این زیارت در «کامل الزیارات» ابن قولویه رحمته الله ، «مصباح المتهدجد الكبير» و «مصباح المتهدجد صغير» شیخ طوسی رحمته الله آمده است . همین زیارت را سید بن طاووس رحمته الله در کتاب «مصباح الزائر» و ابن مشهدی رحمته الله در کتاب «المزار الكبير» به صورت مرسله از مصباح نقل کرده‌اند . زیارت عاشورای متداول ، همین زیارت است .

(۲) - زیارت عاشورایی که عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام روایت کرده است . این زیارت در «مصباح المتهدجد كبير» شیخ طوسی رحمته الله ، «اقبال

الاعمال» سید بن طاووس رحمته الله (با سند خودش) و «المزار الکبیر» ابن مشهدی رحمته الله (با سند صحیح خودش) آمده است .

۳- زیارتی که سید بن طاووس رحمته الله در کتاب «اقبال» ذکر کرده است .

۴- زیارتی که سید بن طاووس رحمته الله در کتاب «مصباح الزائر» آورده است .

با مراجعه به کتاب «کامل الزیارات» ، تفاوت زیارت عاشورای آن کتاب ، با زیارت رایج معلوم می گردد . اولین کسی که باب نقد و منازعه در زیارت عاشورا را باز کرد ، سید بن طاووس رحمته الله بود که می گوید : «من این زیارت را از کتاب «مصباح الکبیر» شیخ طوسی رحمته الله که به خط خودش نوشته ، نقل کردم ، در حالی که دو فصل آخر یعنی لعن و سلام صد مرتبه تکرار و فصل «اللَّهُمَّ خُصْ...» در آن نبود . و حال آن که بعد از چندین قرن ، کتاب‌هایی که زیارت را از «مصباح» نقل کرده‌اند ، همگی دارای لعن و سلام و فصل آخر می‌باشند که همین سخن سید ، موجب گردید تا به بررسی نسخه‌های خطی کتاب مصباح شیخ طوسی رحمته الله بپردازیم .

منشأ تحریف

در راستای این تحقیق ، به نسخه‌های فراوانی از کتاب «مصباح المتهجد الکبیر» شیخ طوسی رحمته الله دسترسی یافته ، چرا که سرمنشأ اصلی این تحریفات موجود را ، حذف و اضافاتی دیدم که بر این نسخه وارد شده است . به طور کلی نسخه‌های موجود از این کتاب را به سه دسته می‌توان تقسیم نمود :

۱- نسخه‌هایی است که با نسخه شیخ طوسی رحمته الله مطابقت دارند و سید بن طاووس رحمته الله نیز زیارت عاشورا را از این نسخه‌ها نقل کرده است .

۲- نسخه‌هایی است که با نسخه‌های قدیمی کتاب «مختصر المصباح» شیخ طوسی رحمته الله مطابقت دارند ، البته همراه با برخی اضافات .
۳- نسخه‌هایی که نه با «مصباح الكبير» و نه با «مصباح الصغير» مطابقت ندارد و تنها چیزی که در آن‌ها فراوان است ، تحریفات و اضافات بر زیارت عاشوراست.

باز کاوی نسخه‌های خطی

۱- قسم اول (نسخ صحیح که لعن ندارند) شامل شش نسخه است :
نسخه نقاش رازی نسخه کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی
نسخه رضی الدین بن طاووس نسخه بخشی تونی
نسخه جد حفصی نسخه خواجه شیر احمد
مهم‌ترین آنها نسخه «نقاش رازی» است که در کتابخانه آستان قدس رضوی در مشهد نگهداری می‌شود . در متن نسخه این گونه آمده است :
«قرأ کاتب النسخه هذه ابو مسعود عبدالجبار بن علی بن منصور النقاش الرازی علی شیخه ابی اسحاق ابراهیم ماوراء النهری و اعطاه اجازةً للروایة ؛ کاتب این نسخه حاضر ، ابومسعود عبدالجبار بن علی بن منصور بن نقاش رازی ، قرائت کرد این نسخه را بر استادش ابی اسحاق ابراهیم ماوراء النهری و او نیز به کاتب نسخه ، اجازه روایت این نسخه را صادر فرمود .»
از برخی قرائن که در حاشیه نسخه موجود است ، فهمیده می‌شود که ابن ادریس آن را بر درویستی قرائت کرده است . بر اساس گفته برخی خط شناسان ، اجازه‌ای برای ابن ادریس در این نسخه هست که به خط

علامه حلی رحمته الله علیه می‌باشد . چون در آن عبارت آمده : «... حسن بن مطهر بن علی...» .

از آن جا که تاریخ نسخه (۵۰۲/۲/۲۳ ه.ق) است یعنی فقط ۴۲ سال بعد از وفات مؤلف ، این نسخه از قدیمی‌ترین نسخه‌های خطی کتاب «مصباح الکبیر» شیخ طوسی رحمته الله علیه است .

(۲) - قسم دوم (نسخه‌های نیمه محرف هستند) که با نسخه قدیمی مختصر المصباح مطابقت دارند ، ولی مقداری هم زوائد دارند . این نسخ عبارتند از :

نسخه نصیرالملک : این نسخه فقرات مورد بحث را دارا است ، به استثنای «أَوَّلًا ثُمَّ الْعَنَ الثَّانِيَّ وَ الثَّالِثَ وَ الرَّابِعَ» .

نسخه دماوندی : در این نسخه ، در فقره آخر زیارت آمده است :

«... اللَّهُمَّ الْعَنُ يَزِيدَ بْنَ مَعَاوِيَةَ وَ الْعَنُ عُبَيْدَ اللَّهِ بْنَ زِيَادٍ...»

(۳) - قسم سوم : نسخه‌هایی که لعن در آن‌ها آمده ، ولی عنوان نسخه بدل را ندارند . در این جا به تعدادی از آنها اشاره می‌کنیم :

نسخه ابن ابی الجود

این نسخه دچار اشکالات زیر است :

(۱) - تاریخ نسخه و نام ناسخ این نسخه مجهول و نامعلوم است .

(۲) - در نسخه مختصر المصباح سلسله سند ، متصلاً به مصنف شیخ طوسی رحمته الله علیه می‌رسد در حالی که در این جا اتصالی وجود ندارد .

نسخه کتابخانه آستان قدس رضوی

این نسخه دارای دو خط متفاوت در صفحات مختلف نسخه است که نشانه بارز بروز وجود تحریف در این نسخه است .

نسخه شیخ عباس قمی رحمته الله

این نسخه در مسجد گوهرشاد مشهد نگهداری می‌شود . علت نام گذاری این نسخه به نسخه شیخ عباس قمی رحمته الله ، این است که این نسخه در دست شیخ به امانت بوده است .

اشکالات وارد بر این نسخه عبارتند از :

(۱)- هیچ مستندی از قبیل اجازه و یا نام شخص مقابل (کسی که نسخه بر نسخه او مقابله شده است) وجود ندارد .

(۲)- این نسخه از نسخه‌های قرن یازدهم می‌باشد و حال آن که نسخه شخص رازی به قرن ششم تعلق دارد و با آن نسخه در تعارض است .

نتیجه گیری شیخ رازی

نتیجه‌ای که با بررسی نسخه‌ها می‌توان به آن دست یافت ، این است که تنها معتمداً بر حسب ویژگی‌های منحصر به فردی که دارا بود ، از قبیل قدمت و اجازه‌ها و اتصال نام به نسخه‌های مصنف «نسخه نقاش رازی» می‌تواند باشد .

نسخه‌ای که فصل‌های پایانی مشتمل بر لعن و سلام را ندارد .

پاسخ شیخ یوسف احمد احسائی

بعد از آن که شیخ راضی با ادله و مدارکی که ارائه نمود ، ادعای وجود تحریف در زیارت عاشورای موجود در کتب ادعیه حاضر را مطرح کرد ، کسانی که از مقاله مزبور اطلاع پیدا کردند ، در مقام پاسخ‌گویی و نقد برآمدند که در این میان متقن‌ترین و مستدل‌ترین پاسخ ، توسط «شیخ یوسف احمد احسائی» مسئول مؤسسه الزهراء (علیها السلام) قم ارائه شد . ایشان نقدهای خود را در قالب کتابی تحت عنوان «المداخلات الکامله فی رد مدعی التزویر» منتشر کرده است که به اختصار به بیان پاسخ‌های ارائه شده توسط ایشان می‌پردازیم :

اشکال اول

در ابتدا به شکل ارائه بحث‌ها توسط شیخ راضی ، ایراد وارد است ، زیرا پسندیده نیست چنین مباحثی در جمع انسان‌های غیر متخصص و غیر محقق ارائه شود . حتی چنین بحث‌هایی قابلیت طرح در مجامع روشنفکری جامعه را نیز ندارند ، در حالی که این مطالب غامض و تخصصی در جمع عوام و توده جوانان خالی الذهن جامعه مطرح شده است ؛ زیرا روشن فکر یا مهندس و یا هر شخص دیگری توانایی شناخت نسخه صحیح از ناصحیح را ندارد ؛ چون به دانش نسخه شناسی اشراف و احاطه‌ای ندارد . پس سزاوار بود که این مباحث در میان اهل نظر و تحقیق مطرح می‌شد ، تا به نقد و بررسی عالمانه مطالب پرداخته شود .

اشکال دوم

اشکالات محتوایی شیخ راضی است که در این مباحث ، فراوان با آن مواجه می‌شویم . از جمله در ابتدای بحث خود ، از زیارت عاشورا با نام زیارت متعارف یاد می‌کنند که برای خواننده معنای سطحی از زیارت برداشت می‌شود . بهتر بود از عبارت : زیارت معروف و مشهور و مورد عمل یاد می‌کرد .

احسایی ، چندین صفحه از کتاب خود را به بیان و اثبات و اهتمام و توجه نسبت به این زیارت مقدس که از جانب علمای شیعه از گذشته تا حال صورت گرفته ، اختصاص می‌دهند که به همین راستا از هفتاد تن از علمای شیعه نام می‌برند .

اشکال سوم

اشکال مبنایی است . چرا که شیخ راضی مبنای خود را در بسیاری از جهات ، بر پیش فرض‌های سابق خود و عقاید شخصی‌اش بنا نهاده است . چون شیخ راضی معتقد است که لعن جزء دین نیست و نباید لعن کرد و لعن از مصادیق فحش و ناسزاست ، باید از آن اجتناب نمود. به خاطر همین باور درونی ، هر جا که مدرک و نسخه ، خلاف مدعایش را ثابت کند ، به راحتی آن‌ها را نادیده می‌گیرد و خود را به تغافل می‌زند و هر جا که دلیل و مدرک مؤید اوست ، آن را با الفاظ مختلف و شیوه‌ای گوناگون در ذهن مخاطبش جا می‌اندازد .

اشکال چهارم

شیخ راضی ، در جایی از بحث خود می گوید : بیشتر جنگ‌ها و خونریزی‌های واقع شده در اسلام (میان تسنن و شیعیان) به خاطر وجود همین فقرات لعن آخر زیارت می‌باشد .

احسابی می گوید : این تهمتی بیش نیست ؛ چرا که او فقط فقرات زیارات را آورده است و بس . این جنگ‌ها و خونریزی‌ها نیز هیچ ارتباطی به لعن‌های موجود در زیارت عاشورا ندارد .

اشکال پنجم

کمبود سواد نسخه شناسی شیخ راضی است . به همین علت به توضیح سه اصطلاح مهم «مقابله ، قرائت و اجازه» می‌پردازد . در این راستا نسخه «نقاش رازی» را که حکم پایه و اساس استدلال راضی را دارد ، ویران می‌کند . به این صورت که :

نقاش رازی در نقل نسخه خود به نسخه ماوراءالنهری اعتماد کرده است که به دلیل مجهولیت این شخص (ماوراءالنهری) ، این نسخه از اعتبار ساقط است . و تمامی مطالب مطرح شده از قبیل اجازات علامه حلی رحمته الله علیه و غیره همه بر پایه احتمالات است .

هیچ‌گاه با شاید و احتمال نمی‌توان یک بحث علمی مهم را بنا نهاد. البته شیخ راضی ادعای تطابق نسخه نقاش با نسخه سید رحمته الله علیه را مطرح کرده است که این صرف ادعاست و نیاز به دلیل دارد .

اشکال ششم

شیخ راضی بر اصل قدمت نسخه تأکید دارد و حال آن که معیار صحت یک نسخه ، اقدمیت آن نیست ، بلکه تامیت سند نسخه به نسخه مخطوط

مصنف ، دارای اهمیت به سزایی است ؛ لذا شیخ یوسف احمد احسائی ، در پایان بحث خود از هفت نسخه نام می‌برد که با وجود تأخر زمانی از نسخه نقاش ، اما وجود سند صحیح متصل السند به نسخه مصنف ، باعث ارجحیت این نسخه‌ها شده است و مثبت وجود لعن در زیارت عاشورا هستند .

بیان صحت نسخ مصباح المتهجد

او از میان نسخه‌های مخدوش شده توسط شیخ راضی که بالغ بر شصت و چهار نسخه می‌باشد ، برای اثبات وجود فقرات پایانی زیارت عاشورا یعنی لعن‌ها ، به هفت نسخه استناد می‌کند که دو نسخه در درجه اول صحت قرار دارند ، یعنی دارای اتصال تام و کامل به نسخه مصنف هستند که عبارتند از :

نسخه غیاث الدین استرآبادی نسخه ابن ابی الجود

۱- در خصوص نسخه خطی «مصباح کبیر»

کتاب «مصباح کبیر» شیخ طوسی رحمته الله علیه از کتب ادعیه معروف است که زیارت عاشورا در این کتاب نقل شده است و نسخ خطی از مصباح متهجد کبیر (که به زمان شیخ طوسی رحمته الله علیه بر می‌گردد) وجود دارد که می‌توان ضمن تطبیق نسخ موجود با آن نسخه تمام فرازهای زیارت عاشورا را به اثبات برساند .

در اینجا به بعضی از نسخی که محل شاهد ما می باشد اشاره می شود تا ادعای ما در خصوص زیارت عاشورا را به اثبات برساند .

الف : نسخه مرحوم غیاث الدین استرآبادی رحمته الله

این نسخه مهم ترین نسخه از مصباح کبیر می باشد به دلیل اینکه بین نسخه «مصباح الکبیر» و نسخه مرحوم « غیاث الدین استرآبادی رحمته الله » طریق مشترک وجود دارد که به زمان خود شیخ طوسی رحمته الله بر می گردد و این مقابله نسخه با نسخه شیخ طوسی رحمته الله از مولی احمد بن حاجی محمد بشروی تونی رحمته الله ذکر نموده است که این مقابله مذکور در حقیقت به سه مقابله بر می گردد که آنها را مورد بررسی قرار می دهیم :

مقابله اول : مقابله نسخه مرحوم غیاث الدین استرآبادی رحمته الله بر نسخه مرحوم حسن بن راشد رحمته الله ، و این مقابله توسط مرحوم احمد تونی رحمته الله صورت گرفته است .

مقابله دوم : مقابله نسخه مرحوم حسن بن راشد رحمته الله بر نسخه مرحوم علی بن احمد رمیلی رحمته الله و با ذکر این مقابله روشن می شود که نسخه ابتدا توسط مرحوم حسن بن راشد رحمته الله بر نسخه مرحوم علی بن احمد رمیلی رحمته الله صورت گرفته و خود مرحوم علی بن احمد رمیلی رحمته الله نسخه خود را با نسخه مرحوم ابن سکون رحمته الله مقابله نموده است .

مقابله سوم : نسخه مرحوم حسن بن راشد رحمته الله بر نسخه‌های متعدده ، از جمله مقابله نموده با نسخه مرحوم ابن ادريس رحمته الله و نسخه مرحوم ابن ادريس رحمته الله مقابله شده با نسخه مصنف مرحوم شيخ طوسي رحمته الله و مقابله کننده اول ، عمادالدين شريف استرآبادي رحمته الله است و مقابله کننده دوم مرحوم ابن ادريس رحمته الله است .

بعد از بررسی سلسله مقابله‌هایی که صورت گرفته به این نتیجه می‌رسیم که نسخه مرحوم غياث الدين استرآبادي رحمته الله به نسخه مرحوم شيخ طوسي رحمته الله از نظر سند متصل است و می‌توان به صحت نسخه غياث الدين استرآبادي پی برد .

مقابله صورت گرفته با بررسی مقابله‌هایی که صورت گرفته‌اند بدین شرح می‌باشد : مرحوم غياث الدين استرآبادي رحمته الله مقابله کرده نسخه خود را بر نسخه مرحوم حسن بن راشد رحمته الله و مرحوم حسن بن راشد رحمته الله مقابله کرده نسخه خود را به نسخه علی بن احمد الرميلي رحمته الله و مرحوم علی بن احمد الرميلي رحمته الله نسخه خود را مقابله کرده بر نسخه ابن سکون و مرحوم ابن سکون رحمته الله نسخه خود را مقابله کرده با نسخه شيخ طوسي رحمته الله . نسخه حسن بن راشد رحمته الله با نسخ مختلفی مقابله شده است از جمله آن مقابله‌ها ، مقابله نسخه حسن بن راشد رحمته الله با نسخه ابن ادريس است که نسخه ابن ادريس به زمان شيخ طوسي رحمته الله می‌رسد .

تذکری در خصوص نسخه غیاث الدین استرآبادی رحمته اللہ علیہ

این نسخه بنابر آنچه گذشت :

- (۱)- نسخه توسط خود غیاث الدین استرآبادی رحمته اللہ علیہ کپی شده است .
- (۲)- این نسخه طبق اجازه‌ای که بر آن ثبت شده است ، یکی از شاگردان استرآبادی این نسخه را برایشان قرائت کرده است .
- (۳)- این نسخه با دقت از نسخه شیخ طوسی رحمته اللہ علیہ کپی گرفته شده است .
- (۴)- بنابر یادداشتی که بر نسخه استرآبادی رحمته اللہ علیہ وجود دارد ، دوبار با نسخه اصلی تطبیق شده است .

اجارات که بر روی نسخه غیاث الدین رحمته اللہ علیہ وجود دارد به زمان خود مؤلف شیخ طوسی رحمته اللہ علیہ می‌رسد و اینگونه در نسخه ثبت شده است کاتب نسخه غیاث الدین بن شمس الدین نجم استرآبادی رحمته اللہ علیہ و کپی این نسخه در ۱۵ شعبان سال ۹۱۲ ق به اتمام رسیده است . و در آخرین صفحه نسخه غیاث الدین رحمته اللہ علیہ دارد :

«فی يوم الخمس خامس عشر من شهر شعبان المعظم المنتظم فی سلک شهور سنة اثنی عشر و تسعمائة هجرية بنويہ علی صاحبه الصلوات الناميه رب كما وفقنتی لاتمامه وفقنتی للتحلی بما فيه ربنا تقبل منا انک انت السميع العليم و ارحم عبد آقا ... و انا العبد ... غیاث الدین بن شمس الدین» .

در آخر نسخه غیاث الدین استرآبادی رحمته الله علیه احمد بن حاجی محمد معروف به تونی در حاشیه مطلبی دارد که دال بر اعتبار این نسخه است .

تونی رحمته الله علیه در حاشیه ذکر کرده است که این نسخه را مکرر بر طبق نسخه-های مختلف تصریح کرده است و نسخی که از روی آن تصحیح صورت گرفته به زمان شیخ طوسی رحمته الله علیه می‌رسد .

مرحوم تونی رحمته الله علیه در حاشیه اینگونه می‌گوید :

«بلغت المقابلة بنسخة مصححة و قد بذلنا الجهد فی تصحیح و اصلاح ما وجد فيه من الغلط الا ما زاغ عند البصر و حسر عنه النظر ؛ یعنی : نسخه خود را با نسخه مصححه مقابله کرده و در آن تلاش کردم که اشتباه را از نسخه‌ام زائل کنم مگر آنکه چشم به خطا رفته باشد .»

حسن بن راشد در حاشیه دیگر نسخه غیاث الدین رحمته الله علیه ذکر می‌کند :

«بلغت مقابله بنسخة مصححة بخط علی بن احمد المعروف بالمریلی ، ذکر انه نقل نسخه تلک من خط علی بن محمد السکون و قابلها بها بالمشهد المقدس الحائری الحسینی سلام الله علیه ، و کان ذلک فی سابع شعبان المعظم عمت میامنه من سنة ثلاثین و ثمان مائة کتبه الفقیر الی الله حسن بن راشد ؛ یعنی : نسخه خود را با نسخه ای به خط علی بن احمد معروف به رمیلی رحمته الله علیه مقابله کرده‌ام و مرحوم رمیلی رحمته الله علیه گفته که نسخه خود را با نسخه علی بن محمد سکون رحمته الله علیه در کربلای معلی در هفتم شعبان ۸۳۰ هـ مقاله کرده‌ام .»

و همچنین در حاشیه دیگر از نسخه غیاث الدین رحمته الله مرحوم حسن بن راشد رحمته الله می گوید :

«بلغت المقابلة بنسخ متعددة صحيحة و ذلك في شهر شعبان من سنة احدى و سبعين و تسعمائة ، و كان واحد من النسخ بخط الشيخ العالم الفاضل محمد بن ادريس العجلي صاحب كتاب (السرائر)؛ يعني من نسخه خود را با نسخ متعدد در شعبان سال ۹۷۱ ق مقابله کردم و یکی از نسخ ، نسخه شیخ ابن ادريس رحمته الله می باشد . (لازم به ذکر است که نسخه ابن ادريس به زمان شیخ طوسی رحمته الله بر می گردد).

و در آخر نسخه خود ابن ادريس رحمته الله دارد :

«فرغ من نقله و كتابته محمد بن منصور بن احمد بن ادريس بن الحسين بن القاسم بن عيسى العجلي في جمادى الاولى سنة سبعين و خمسمائة (خلده الله تعالى) و عورض هذا الكتاب بالاصل المسطور بخط المصنف رحمته الله و بذلت فيه و سعى و مجهورى الا ما زاغ عنه نظرى و حسر عنه بصرى ، الله الله من غىّ فيه شيئاً او بدل و تعاطى ما ليس فيه فانه اقسم عليه بحق الله سبحانه و محمد صلوات الله عليه ان يغير فيه حرفاً او يبدل فيه لفظاً من اعراب و غيره و رحم الله من نظر فيه و دعا له و للمؤمنين بالغفران».

یعنی : من نسخه خود را در سال ۵۷۲ ه . ق به پایان رساندم و آن را با نسخه مؤلف (شیخ طوسی رحمته الله) مقابله کردم .

در آخر نسخه استرآبادی می گوید :

«.. و كتب العبد الاقل عمادالدين على الشريف القارى الاسترآدى فى السنة

المذكورة ، ونحن حين قابلناه بذلك الاصل كان معنا مختصر المصباح بخط العالم

العابد الورع على بن محمد بن محمد بن علي بن السكون الحلى رحمته الله فكلما كتبنا

عليه بخطهما فالمراد ابن السكون و ابن ادريس . و كان الفراغ منها فى اوائل شهر

محرم الحرام من شهور سنة ثمان و ستين بعد الالف من لهجرة النبويه عليه الصلاة

و التحية »

و در آخر نسخه مرحوم استرآبادی می گوید :

نسخه خود را با نسخه اصل ابن سکون و ابن ادريس الحلى تطبيق نموده

و نسخه خود را در اوائل محرم الحرام سال ۱۰۶۸ ه . ق به پایان رسانده ام

. (فراتر از شبهه ، ص ۳۱۳)

ب) : نسخه ابن ابی الجود

این نسخه یکی از مهمترین نسخ «مصباح الکبیر» است و صحیح‌ترین نسخه موجود می‌باشد و به واسطه اجازه‌ای که در این کتاب موجود است زمان آن به شیخ طوسی رحمته الله علیه می‌رسد ، اجازه را مرحوم سید حیدر حسینی رحمته الله علیه به مرحوم ربیب الدین ابن ابی الجود رحمته الله علیه داده است و خود مرحوم سید حسینی رحمته الله علیه اجازه را از استادش مرحوم ابن شهر آشوب رحمته الله علیه گرفته است . (صاحب کتاب معالم‌الدین) و خود مرحوم ابن شهر آشوب رحمته الله علیه از جدش و استادش مرحوم شهرآشوب سروی اجازه داشته و مرحوم شهرآشوب سروی رحمته الله علیه از استادش مرحوم شیخ طوسی رحمته الله علیه مجاز بوده است . با توجه به مطلب فوق و سلسله اجازات مذکور بر متبع منصف ظاهر می‌شود که نسخه مرحوم ابن ابی الجود رحمته الله علیه به زمان شیخ طوسی رحمته الله علیه بر می‌گردد که نسخه کپی جلد اول آن موجود می‌باشد . این نسخه در حال حاضر در مرکز بزرگ مخطوطات دارالصدیقه الشهیده رحمته الله علیها نگهداری می‌شود و نسخه دیگری در مکتبه آیت الله نجفی مرعشی رحمته الله علیه می‌باشد که مشهور است که نسخه مرحوم ابن ابی جارود رحمته الله علیه است و لیکن بعد از تتبع ، بر ما روشن شد که نسخه متأخر بوده و نسخه اصلی نمی‌باشد ؛ بلکه نسخه ای است که از روی نسخه ابن ابی الجود رحمته الله علیه کپی گرفته شده است. لازم به تذکر است نسخه‌ای که مربوط به ابن ابی جود رحمته الله علیه و نسخه اصلی است ، به تاریخ ۶۲۷ ق بر می‌گردد و اجازه مرحوم حیدر

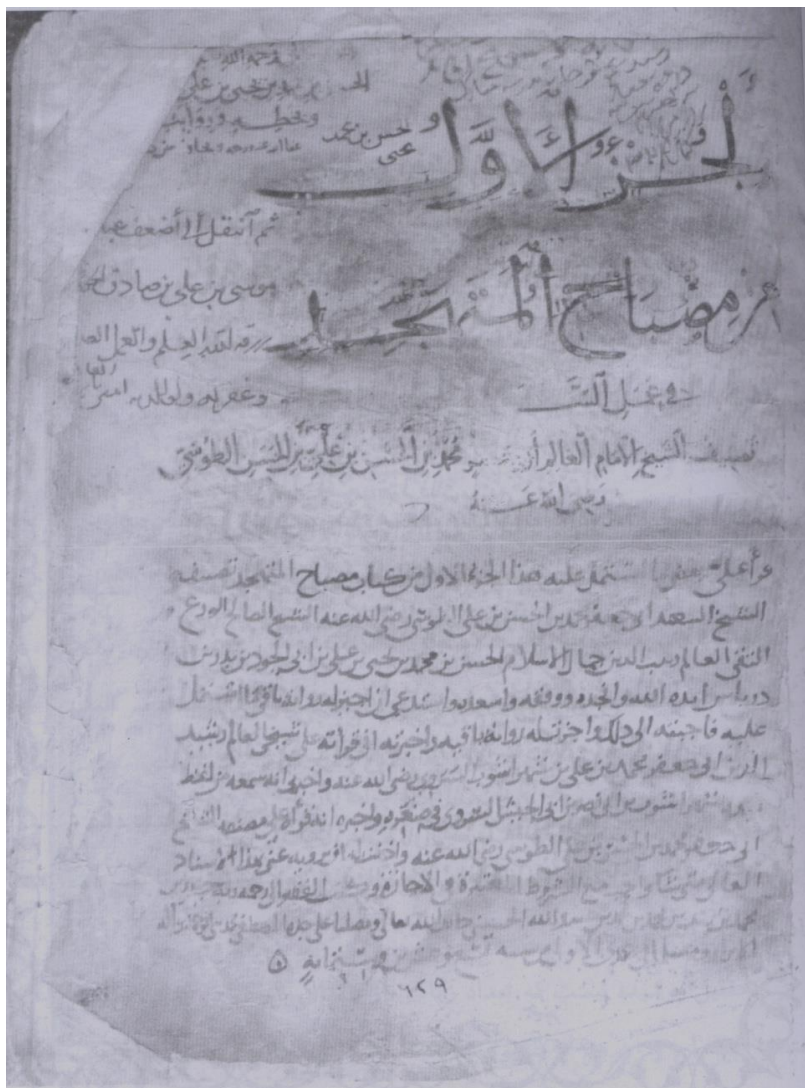
حسینی علیه السلام که بر روی نسخه حک شده ، سال ۶۲۹ ق می باشد روشن می شود که سید حیدر حسینی علیه السلام ، بعد از کپی گرفتن از نسخه اصلی ابی جود علیه السلام آن را به ابی جود علیه السلام نشان داده و ابی جود علیه السلام اجازه را بر آن ثبت کرده است و نسخه موجود نسخه اصلی ابی جود علیه السلام نمی باشد ؛ بلکه کپی آن است که توسط سید حیدر حسینی علیه السلام نوشته شده است .
این نسخه خطی فعلاً در کتابخانه «دارالصدیقه الشهیدة علیها السلام» نگه داری می شود .

تأیید بر نسخه غیاث الدین علیه السلام و ابن ابی جود علیه السلام

چهار نسخه وجود دارد که می تواند تأیید بر نسخه مرحوم غیاث الدین استرآبادی علیه السلام و نسخه مرحوم ابن ابی جود علیه السلام باشد که آن نسخه ها عبارتند از:
(۱) - نسخه مرحوم رقی علیه السلام ؛ (۲) - نسخه مرحوم نهاری علیه السلام ؛ (۳) - نسخه مرحوم فاضل التونی علیه السلام ؛ (۴) - نسخه الانصاری علیه السلام .

نسخه خطی آن زمان با توجه زمان تقیّه و مشکلاتی که شیعیان داشتند به شکل های مختلف نگاشته می شد که با الهام گیری از «مصباح کبیر» دست به دست رد و بدل می شد . و بعضی از نسخ ، مانند نسخه مرحوم فاضل تونی علیه السلام و نسخه کتابخانه آیت الله مرعشی علیه السلام ، نسخه خواجه شیراحمد و ... فقرات فصول سه گانه که شامل : لعن «اللهم العن اول ظالم ظلم ...» و سلام «السلام عليك يا ابا عبدالله» و «اللهم خص انت اول ظالم ..» می باشد در حاشیه ذکر شده است که این خود دال بر

سخت‌گیری بر شیعیان و ملاحظه امور در آن دوران بوده است و هر کس به نسخ موجود آن زمان نظر کرد پی می‌برد که شیعیان با توجه به تقیه و فشاری که داشتند به هر نحو ممکن می‌خواستند این زیارت مبارکه به دست افراد برسد و هرچند مجبور شوند فرازی از آن را حذف نمایند که رعایت تقیه در بعضی از نسخ خطی به وضوح مشاهده می‌شود .
(نسخه‌هایی که توسط شیخ راضی مخدوش بود ، احیا شدند و در نتیجه وجود فقرات پایانی و عدم تحریف در زیارت عاشورا را بیان می‌کنند .)



صفحه اجازة نسخه ابن ابى الجود

نسخه مرحوم رقی رحمته الله

کاتب محمد بن یوسف بن محمود الرقی با نسخ معرب خود ، قبل از شروع کتاب و بسمله صیغه وقف نامه روی کتاب به خط نستعلیق دیده می شود که در آن گفته شده : « بنا به وصیت میرزا محمد داوودی این کتاب وقف شیعیان علی بن ابیطالب علیه السلام گردیده که از آن مستفیض شوند و از شهر مقدس بیرون نبرند ». تاریخ وقف نامه ۱۲۴۱ قمری است .

متن کتاب با جمله زیر پایان می یابد :

«و قد تحریره فی الرابع من شهر رجب المرجب من شهر سنة تسعه و تسعين بعد الف علی ید اقل العباد عملاً و اکثرهم زللاً المحتاج الی ربه الودود محمد بن یوسف بن محمود الرقی مولداً و المشهدی مسکناً الحمد لله اولاً و آخراً و باطناً . اللهم وفقنا للعمل به وصل علی محمد و آله»

پس از جمله بالا به خط نستعلیق و با زبان عربی محمد بن یوسف می نویسد که : « این نسخه با نسخه ای که به خط علی بن احمد معروف به رمیلی مقابله شده و نسخه رمیلی با نسخه ابن سکون مقابله شده است و نسخه خطی رمیلی با نسخه نوشته شده مقابله گردیده و نسخه مسکون که از طرف الحسن بن راشد نوشته شده با چند نسخه دیگر در شعبان ۹۷۱ ق مقابله شده است که یکی از این نسخه ها به خط علامه محمد بن ادریس حلی صاحب کتاب «السرائر» بوده که در آخر آن نوشته شده : محمد بن منصور بن احمد بن

ادریس بن الحسین بن قاسم بن عیسی عجلی در جمادی الاولی سنه ۵۷۰ آن را نوشته است. و این نسخه با نسخه اصل که به خط مؤلف بوده در سال ۵۷۳ مقابله گردیده، نسخه معتبر و پاکیزه است.^۱

نسخه محمد صالح نهاری رحمته الله علیه

این نسخه بنابر حاشیه‌ای که در آن وجود دارد به تاریخ ۱۰۶۲ بر می‌گردد و با نسخه مولی عبدالله تونی الشبروی (صاحب وافیه در علم الاصول متوفی سنه ۱۰۷۱ق) مقابله شده است.

و در حاشیه کتاب محمد صالح نهاری رحمته الله علیه این گونه می‌نویسد:

«قد حرر و نقل هذا الكتاب عن النسخة المولى الالمعى افضل الفضلا و اصلح الصلحاء استادى مجتهد الربانى مولانا عبدالله التونى ادام الله فضله و نسله. تاريخ كتابتها سنة ثلاثة و خمسين و تسعمائة و عليها بخطه سلمه الله ما صورته قد وقع الفراغ من مقابلة هذه النسخة الشريفة حادى عشر شهر شعبان المعظم من سنة سبع و خمسين بعد الالف من الهجرة النبوية عليه افضل الصلاة و التحية و انا افقر افقراء الى الله ابن حاجى محمد التبرى الخراسانى عبدالله و قد كانت

۱ - کتابخانه ملک تهران، به شماره ۱۲۵۶، تاریخ کتابت ۵۱۰۹۹. دارای ۲۳۹ برگ یعنی ۴۷۸ صفحه ۲۱ سطرى خط نسخ معرب خوب کاغذ ترمه، قطع ۱۹/۲ سانتی متر عرض و ۲۵ سانتی متر طول و در بعضی صفحات ک تاب حواشی وجود دارد.

النسخة التي قبلت معها نخسة، عتيقة تاريخ كتابتها سنة اثنين و ثلاثين و سبعمائة و عليها مكتوب ما صورته قابلت هذا المصباح في الحلة في مقام مولانا جعفر الصادق عليه السلام مع نسخة الاصل الذي هي بخط مصفنه عليه السلام و انا الفقير عبدالرحمان بن محمد الجزائري غفرالله ذنوبهما »

فاضل تونی خبر می دهد که مقابله و کپی نسخه ای به سال ۷۳۲ق بر می گردد و نسخه اصلی متعلق به عبدالرحمان بن محمد جزائری است که مقابله شده است با نسخه اصلی مؤلف مصباح المتهجد الشیخ طوسی عليه السلام و این مقابله در حله در کنار مقام امام صادق عليه السلام صورت گرفته است .

و همچنین در حاشیه النهاری دارد :

«و عليه ايضاً بلغ مقابله بنسخة مصححه منقوله عنها في مجلس متعددة آخرها سادس شهر محرم الحرام من شهور سنة و ستين و تسعمائة منالهجرة النبويه عليه افضل الصلاة و التحية و صح الا ما زاغ عنه البصر و حسر عنه النظر و الحمد لله وحده كتب الحواشي على هذا الكتاب الشريف العزيز في مشهد سيدنا مولانا امير المؤمنين عليه السلام ».

یعنی : نسخه تونی که النهاری از آن کپی گرفته است مقابله دیگری با نسخه های مختلف شده است که آخرین مقابله سال ۹۶۳ ه صورت گرفته است .

و همچنین در حاشیه نسخه النهاری دارد :

«و بلغ مقابلة بنسخة مصححة ... مصنفه رحمه الله عليه العبد عبدالعلي الكليني الحلبي و عليه ايضاً خط الشهيد الثاني في اول عمل شهر رمضان و قد كتب صورة هذا ... هذا كلمة صورة حفظه الله و سلمه. انتهى ما كتب بالحاشية من اسفل».

که ذکر کرده است فاضل تونی مقابله دیگری غیر از دو مقابله قبل و آن مقابله را عبدالعلی کلینی حلی صورت داده است و تونی ذکر می کند که نسخه‌ای از آن کپی گرفته است به سال ۷۳۲ هجری بر می‌گردد و خط ثانی که به نظر می‌آید حواشی از شهید ثانی برای اعمال شهر رمضان باشد. هاری بعد از ذکر مقابله‌های تونی می‌گوید: با توجه به اعتماد به این نسخه، نسخه خود را از او کپی گرفته است.

و در حاشیه کتاب خود این گونه می‌گوید:

«قد وفقني الله تبارك و تعالی على مقابلة هذا الكتاب و تصحيحه و اصلاحه مع المنتسخ المذكور في الحاشيه و مع الحواشي المسطورة في هامشه بقدر الجهد و الطاقة الا ما زاغ عليه البصر و حسر عنه النظر و الحمد لله كثيراً و سبحان الله بكرة و اصيلاً و صلواته على اشرف انبيائه و خير جميع خلقه عبده ... و صفيه محمد المصطفى و آله مصابيح الدجى و سلم كثيراً الضعيف و محمد صالح بن خان احمد عفى الله عنهما بمحمد و آله سنة ۱۰۶۲هـ».

یعنی خداوند به من توفیق داد که این نسخه را مقابله و تصحیح و اصلاح کنم ... با توجه به تمام حواشی ای که در نسخه موجود است تمام توان

خود را به کار گرفتم که چیزی از نظر پنهان نماند و لکن ممکن است بعضی از موارد از دیدگان من دور مانده باشند و حمد می‌کنم خدا را و تسبیح می‌گویم او را .. و محمد بن صالح بن خان احمد که خدا رحمتش کند و از گناهانش در گذرد به حق محمد و آل محمد سال ۱۰۶۲ ه.ق «

نسخه بخشی تونی رحمته

این نسخه حسب ظاهر که بر روی نسخه ذکر شده است با نسخه این ادیس مباشرتاً یا به واسطه نسخه دیگر مقابله شده است .
این نسخه در سال ۱۸۹۹ ه.ق کپی برداری شده است و مقابلات و صحیحات متعدد بر روی این نسخه وجود دارد از جمله تصحیحات ناسخ و فرزند و چند نفر از علما و این نسخه را شیخ کمال بن بخشی بن محمد تونی بر محقق کرکی خوانده است .

خصوصیات نسخه :

- (۱) - تاریخ نسخ معلوم است.
 - (۲) - قرائت نسخه بر محقق کرکی.
- این نسخه جز کتب خطی دانشگاه تهران می‌باشد .

نسخه انصاری رحمته الله

این نسخه بنابر آنچه بر ظاهر نسخه درج شده است مقابله شده است با نسخه غیاث الدین استرآبادی رحمته الله (قبلاً مقابلاتی که بر نسخه مرحوم غیاث الدین استرآبادی رحمته الله صورت گرفته ذکر شد) و آن توسط محمد بن یونس بن محمد خان الهمدانی در سال ۱۱۱۵ ه.ق و همچنین این نسخه توسط شیخ اسماعیل انصاری زنجانی با نسخ دیگر مقابله شده است و این کار در سال ۱۴۰۱ ه.ق صورت گرفته است :

(۱)- نسخه عالم بزرگ حاج شیخ عبدالحسن و آن نسخه خود تصحیح شده بود با نسخه ابن ادريس و السكون .

(۲)- نسخه سيد جليل ميرزا عبدالحسين يزدی و تصحیح شده بود این نسخه به ابن ادريس و السكون .

(۳)- نسخه نقاش الرازی

(۴)- با نسخه‌ای که ادعی شده ، نسخه قدیمی است مقابله شده است .

۲- در خصوص نسخ خطی «مصباح صغیر»

مرحوم شیخ طوسی رحمته الله «مصباح صغیر» را تألیف نمود تا نسبت به مصباح کبیر مختصر باشد و چون در آن زمان اختصار مرغوب بود و هم چنین زمان اقتضاء می کرد کتابی نسبت به «مصباح کبیر» تدوین شود که به اهم مطالب اشاره کرده باشد و حمل آن آسان باشد و راحت تر در دسترس قرار گیرد و این قاعده متداول بوده و هست. اگر به کتاب «مفاتیح الجنان» نظر شود می بینید که بعضی کتب تدوین شده اند در این زمان به عنوان مختصر یا منتخب مفاتیح الجنان به چاپ رسیده است. اقتضا داشت که کتاب «مصباح کبیر» به صورت خلاصه تدوین شود تا اهم مطالب در آن تدوین شود. بر این اساس، کتاب «مصباح صغیر» تدوین و در اختیار مؤمنین قرار گرفت و کتاب مصباح صغیر مورد رجوع علما قرار گرفت و از آن نقل قول کرده اند، که می توان از جمله به نسخه سید بن طاووس رحمته الله اشاره کرد که در کتاب «مصباح الزائر» به کتاب «مصباح صغیر» استناد کرده است.

نسخه خطی موجود از مصباح صغیر به شرح زیر می باشد :

(۱)- نسخه خطی مرحوم ابن علقمی رحمته الله؛

(۲)- نسخه خطی مرحوم طبسی مشهدی رحمته الله؛

۳- نسخه مرحوم ابن زنبور رحمته الله؛

۴- نسخه خطی مکتبه آیت الله گلپایگانی رحمته الله.

نسخه خطی مرحوم محمد بن احمد بن علقمی رحمته الله

این نسخه از اقدم نسخ موجود از «مختصر المصباح» می باشد و این نسخه به مرحوم شیخ محمد بن احمد بن العلقمی رحمته الله نسبت داده می شود . این نسخه هم اکنون در کتابخانه مجلس شورای اسلامی در تهران به شماره سند ۸۶۵۸۹ نگهداری می شود و تاریخ آن به سال ۵۷۸ ق بر می گردد و این نسخه از جهت وضوح خط و حواشی که بعضی از بزرگان از جمله : مرحوم شهید اول ، محمد بن مکی رحمته الله ، شهید ثانی ، مرحوم زین الدین رحمته الله و مرحوم علامه مجلسی رحمته الله بر آن ، از امتیاز خاصی برخوردار است .

این نسخه فقط می تواند یک موید قوی برای نسخ معتبره باشد و این نسخه به واسطه تقیه در آن دست کاری شده است که با مشاهده اصل نسخه می توان به این حقیقت پی برد که فرازهای زیارت عاشورا کاملاً در این نسخه بوده و لیکن بعضی از فرازهای به خاطر رعایت تقیه محو شده است .

سه فصل مورد بحث در این کتاب عبارتند از :

فصل اول: «اللهم العن اول ظالم ظلم حق محمد... اللهم العنهم جميعا».

فصل دوم : «السلام علیک یا ابا عبدالله و علی الارواح التی حلت بفنائک ...

اصحاب الحسین» فصل سوم: «اللهم خص انت .. الی یوم القیامة» .

فصل ثالث از زیارت عاشورا در نسخه علقمی محو شده است و لیکن به

وضوح روشن است که این فقر در نسخه بوده ، لکن به دلیل شدت تقیه

محو شد است و بعدها به خاطر تملیک نسخه و یا خفت تقیه به این

نسخه اضافه شده است .

نسخه مرحوم محمد بن علی طبسی رحمته الله

این نسخه هم اکنون در مکتبه مرحوم آیت الله حکیم رحمته الله در نجف اشرف نگهداری می‌شود و در قرن ۱۱ در پنجم شوال سال ۱۰۸۱ ق توسط مرحوم محمد بن علی بن محمود طبسی رحمته الله نگاشته شده است .

شیخ آقا بزرگ تهرانی رحمته الله ، مرحوم شیخ محمد بن علی طبسی رحمته الله را از طبقات اعلام شیعه ذکر کرده و از او به عالم فاضل تعبیر نموده است .^۱ بعد از بررسی این نسخه خطی پی می‌بریم که مرحوم محمد فاضل بن محمد مهدی مشهدی رحمته الله نسخه را با نسخه ابی سکون رحمته الله مقابله کرده است. این مقابله در اواسط ذی الحجه سنه ۱۰۸۱ هـ ق صورت گرفته است .

و مرحوم محمدفاضل مشهدی رحمته الله از اعلام قرن ۱۱ می‌باشد که بعضی از فقها، از او به فقیه امامی، محدث و شاعر تعبیر نموده‌اند و از شاگردان مرحوم حر عاملی رحمته الله می‌باشد .^۲

و این نص مقابله‌ای است که در این نسخه ذکر شده است :

«الحمد لله موفق الخیرات و مجیب الدعوات و الصلاة علی محمد و آله شفیع الخطیئات و السیئات، فقد بلغت مقابلة هذا الكتاب و تصحیحه من اوله الی هنا بنسخ صحیحة بقدر الوسع و الطاقة ، منها نسخة كانت بخط الشيخ الفقیه العابد

۱ - طبقات اعلام الشیعه ، ج ۵ ، ص ۵۲۷ .

۲ - طبقات فقها ، ج ۱۲ ، ص ۳۱ ، ترجمه ۳۸۷۵ .

الزاهد الورع علی بن محمد بن محمد بن علی بن السکون طاب ثراه ، و کتبت فی سنة ثمان و خمسين و خمسائة و بالغت فی مطابقتها لها و تصحيحه منها، و مع ذلك فسهو القلم و طغيان البصر من عوارض ذات البشر، و كان ذلك في اواسط شهر ذى الحجة من سنة احدى و ثمانين بعد الالف من الهجرة، و انا العبد الفقير الى الله الغنى فاضل بن محمد مهدي المشهدي، فرحم الله من اذا نظر فيه او عمل بما تضمنه دعائي [دعالي] بالرحمة المغفرة و الرضوان .»

محمد بن فاضل مشهدي می گوید: من این نسخه را با نسخه ابن سکون رحمته الله که قدمت نسخه به سال ۵۵۸ ق می رسد در سال ۱۰۸۱ ق نیمه ذی الحجة مقابله کردم .

و خود مرحوم محمد علی طبسی رحمته الله در پایان نسخه می گوید :
«ثم الكتاب و الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين ، اتفق الفراغ من نسخة اصيل الثلاثاء الخامس من شهر شوال من سنة احدى و ثمانين بعد الالف من الهجرة النبوية بيد الفقير الى الله الغنى محمد على الطبسی»

فارغ شدم از کتابت این نسخه سه شنبه پنجم شهر شوال سنه ۱۰۸۱ بعد از هجرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم .

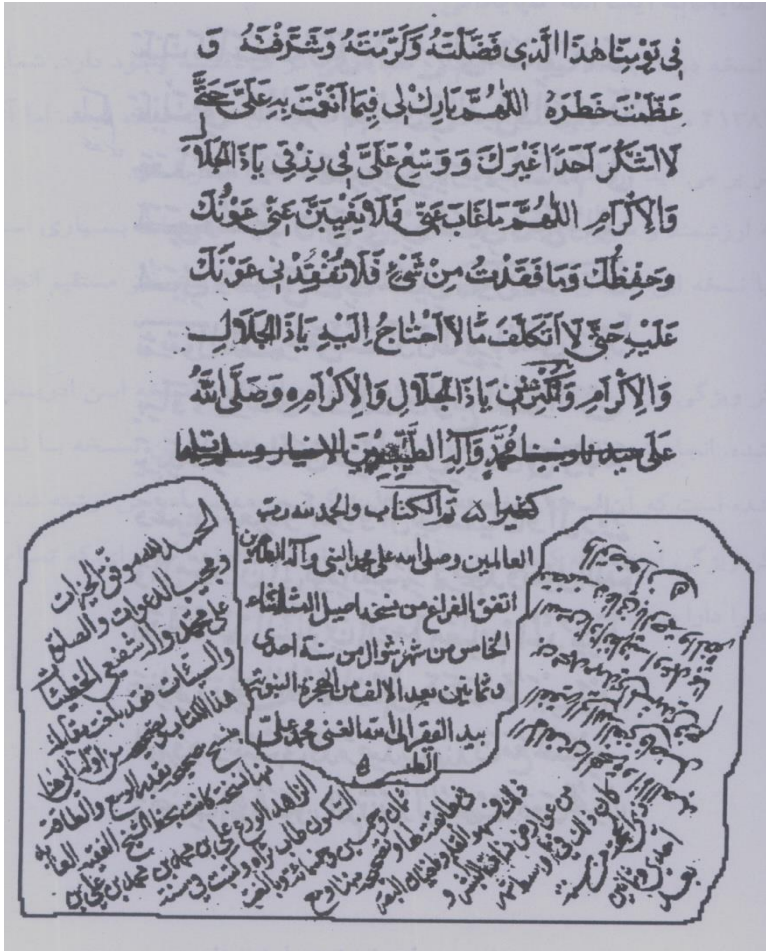
و بعد از مراجعه به نسخه مرحوم محمد علی طبسی رحمته الله مشاهده می شود بعضی تصحیحات نسخه طبسی رحمته الله به واسطه نسخه محمد فاضل

مشهدی علیه السلام صورت گرفته ، که خود مشهدی علیه السلام نسخه خود را با نسخه سکون علیه السلام مقابله نموده است .

مشهدی در صفحه اول از مخطوطه خود می گوید :

«ما ادرجته فی هذا الكتاب من الادعية المهمة التي لم ينقلها الشيخ المصنف (قدس الله روحه) فيه و نقلها فی الصباح المتهدد. منها دعاء علی بن الحسین علیه السلام من ادعية الصحيفة فی یومی الجمعة و الاضحی، و منها دعاء مروی عن ابی جعفر علیه السلام فی یوم الجمعة بعد الظهر و منها دعاء السحر لابی حمزة الثمالی مروی عن علی بن الحسین سید العابدین علیه السلام فی شهر رمضان. و احمد الله الذی وفقنی لاستکتابه و مقابله ، و اساله ان یوقنی لطاعته و عبادته بحق محمد و آله مبلغی شریعته و مالکی طریقته و انا العبد الجانی الفانی محمد فاضل بن محمد مهدی المشهدی».

یعنی بعضی از ادعیه مهم که در مصباح کبیر شیخ طوسی علیه السلام ذکر کرده است و در مصباح صغیر آن را حذف نموده در نسخه خود ذکر کرده ام . سپس مرحوم مشهدی علیه السلام به موارد از دعاهایی که ذکر کرده است اشاره می کند.



صفحه مقابلہ نسخه طبسى مشهدى

عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَطَّتْ بِفَيْتَانِكَ
عَلَيْكَ نَبِيَّ سَلَامٍ اللَّهُ مَا تَبَيَّتْ وَدَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَلَا
جَعَدَ اللَّهُ آخِرَ الْعَصْرِ مِنْ بَنِي إِزْرَةَ كَمَا عَلَّمَ عَلَى
لِخْسِ وَكُحَيْنٍ وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَوْلَادِهِمَا
لِحُسَيْنٍ وَعَصُو عَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ يَقُولُ ذَلِكَ مَا تَمَرَّ
مَنْ يَقُولُ اللَّهُمَّ خُصِمْتُ أَوْ لَطَمْتُ بِاللَّعْنِ وَابْتَدَأَ
بِرَأْوٍ لَا وَالثَّانِي وَالثَّلَاثُ وَالرَّابِعُ اللَّهُمَّ الْعَنْ
يَزِيدَ حَاسِبًا وَالْعَنْ عُبَيْدَ اللَّهِ بْنَ زِيَادٍ وَابْنَ مَرْجَانَةَ
وَعُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَنَهْرًا وَآلَ أَبِي سَفْيَانَ وَآلَ زِيَادٍ
وَآلَ مَرْوَانَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ثُمَّ سَجَدَ وَقَالَ اللَّهُمَّ
لَكَ الْحَمْدُ حَمْدَ الشَّاكِرِينَ لَكَ عَلَى مُعَايِمِهِمُ الْحَمْدُ يَلِيهِ عَلَى
عَظِيمِ رِزْقِي اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ يَوْمَ
الرُّوْدِ وَتَبَّتْ لِي قَدْرَ صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ
وَأَصْحَابِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ الَّذِينَ بَدَلُوا بَعْضَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ

صفحه زیارت نسخه طبسی مشهدی

نسخه مرحوم ابن ابی زنبور رحمته الله

بعد از بررسی نسخه‌های موجود در کتابخانه «ثامن الحجج حضرت امام رضا علیه السلام» در مشهد مقدس به شماره ۹۶۰۷، این گونه به دست می‌آید که مرحوم حسن بن ابی جود رحمته الله نسخه «مصباح صغیر» را بر شیخ مرحوم خودش عمادالدین ابوالرضا احمد بن علی بن ابی زنبور رحمته الله خوانده است و این مقابله در سال ۶۰۷ صورت گرفته که نص این گونه آمده است :

«بسم الله الرحمن الرحيم ، يقول اصغر عبادالله تعالى و اضعف خلقه و احوجهم الى عفوه و تجاوزه، الحسن بن محمد بن يحيى بن علي بن ابي الجود ، عفى الله عنه و رحمه، قرأت مختصر مصباح المتهدجد على شيخى العالم عمادالدين ابي الرضا احمد بن علي بن ... ابي زنبور رحمته الله فى سنة سبع و ستمائة و اخبرنى انه قراه على شيخه رشيدالدين ابي جعفر محمد بن علي بن شهر آشوب ، فاخبره به عن جده شهر آشوب بن ابي نصر بن ابي الجيش المازندراني ، عن مؤلفه الشيخ السعيد ابي جعفر الطوسى رحمته الله و الحمد لله رب العالمين و الصلوات خلقه سده الحمد نبى الرحمة و آله الطاهرين»

یعنی حسن بن جود در سال ۶۰۷ نسخه مصباح صغیر را بر شیخ خودش مرحوم ابن ابی زنبور رحمته الله خوانده و شیخ ابی رضا احمد بن علی بن ابی زنبور رحمته الله نسخه را بر شیخ رشیدالدین ابی جعفر محمد بن علی بن

شهر آشوب خوانده و ابن شهر آشوب رحمته می گوید جدم شهر آشوب بن ابی نصر بن ابی جیش مازندرانی این نسخه را از شیخ طوسی رحمته نقل می کند . لازم به ذکر است که نسخه ناقص می باشد و بعضی از فرازهای دعاهاى مختلف ذکر شده است از جمله اینکه در «اللهم العن اول ظالم» دارد «اللهم العن اول ظالم ظلّم حق محمد و آخر تابع له على ذلك ، اللهم العن العصابة التي جاهدت الحسين و شایعت و بايعت على قتله، اللهم اجعل لعنتك و باسک و نعمتک علیهم اللهم العنهم جميعا (يقول ذلك مأثمة مرة) و در فصل سلام دارد : «السلام عليك يا ابا عبدالله و على الارواح ... على اصحاب الحسين» (يقول ذلك مأثمة مره)

و در فصل سوم «اللهم خص» دارد : «اللهم خص انت اول ظالم باللعن منى و ابدأ به اولاء و العن عبیدالله بن زیاد و بن مرجانه و عمر بن سعد و شمرا و ال ابی سفیان و ال زیاد و آل مروان الی يوم القیامه» و در این فراز «ثم الثانی و الثالث و الرابع، اللهم العن یزید خامسا» حذف شده است و ثبت فصل سوم به صورت موجود در نسخه ، دال بر مراعات تقیه بوده است .

نتیجه :

این نسخه می تواند موید قوی برای سایر نسخه های موجود باشد. این نسخه مطابق است با نسخه «مصباح صغیر» و همچنین موافق است با نسخه «مصباح کبیر». مقابله های متعدد موجود در حواشی قابل توجه است ، این نسخه با خط های متفاوت و افراد متعدد حاشیه زده شده است

و از این تعلیق‌ها می‌توان نتیجه گرفت که این نسخه در دست افراد متعددی قرار گرفته است .

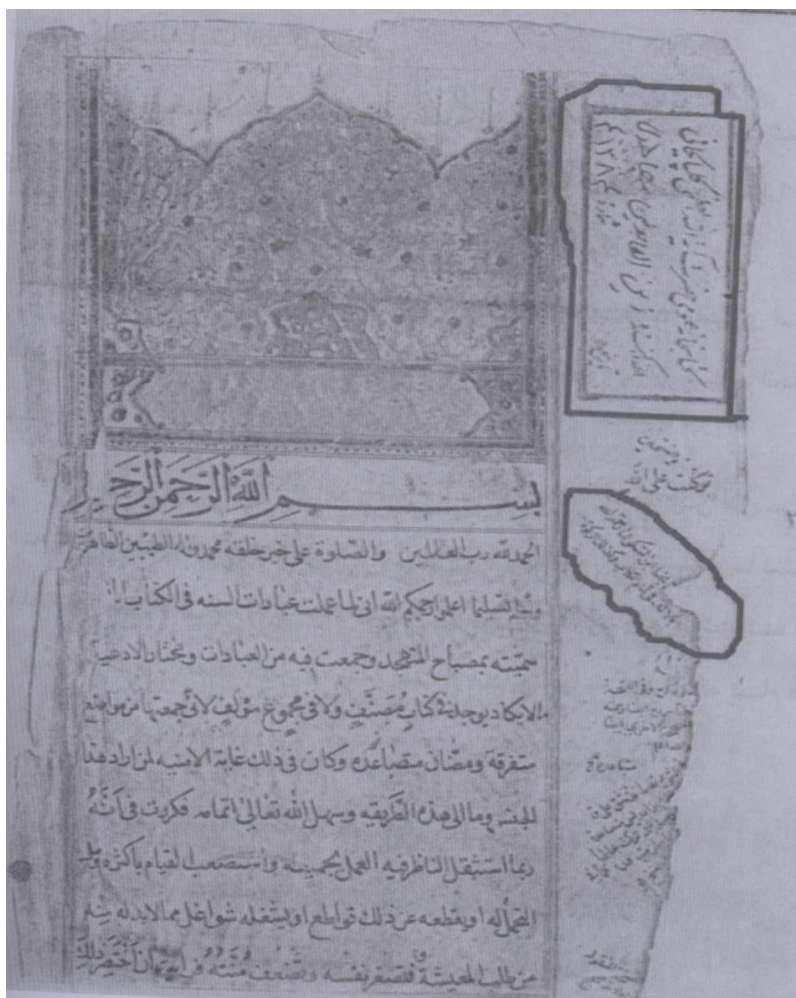
نسخه کتابخانه آیت الله گلپایگانی رحمته الله علیه

این نسخه در کتابخانه مرحوم آیت الله گلپایگانی رحمته الله علیه می‌باشد که به شماره ۴۱۳۸۴ ثبت شده است. تاریخ کتابت این نسخه مشخص نیست اما از بعضی از قرائن استفاده می‌شود که نسخه توسط عده ای از متأخرین تدوین شده است و لیکن دارای مقابله‌ای است که می‌تواند موید برای سایر نسخ خطی باشد .

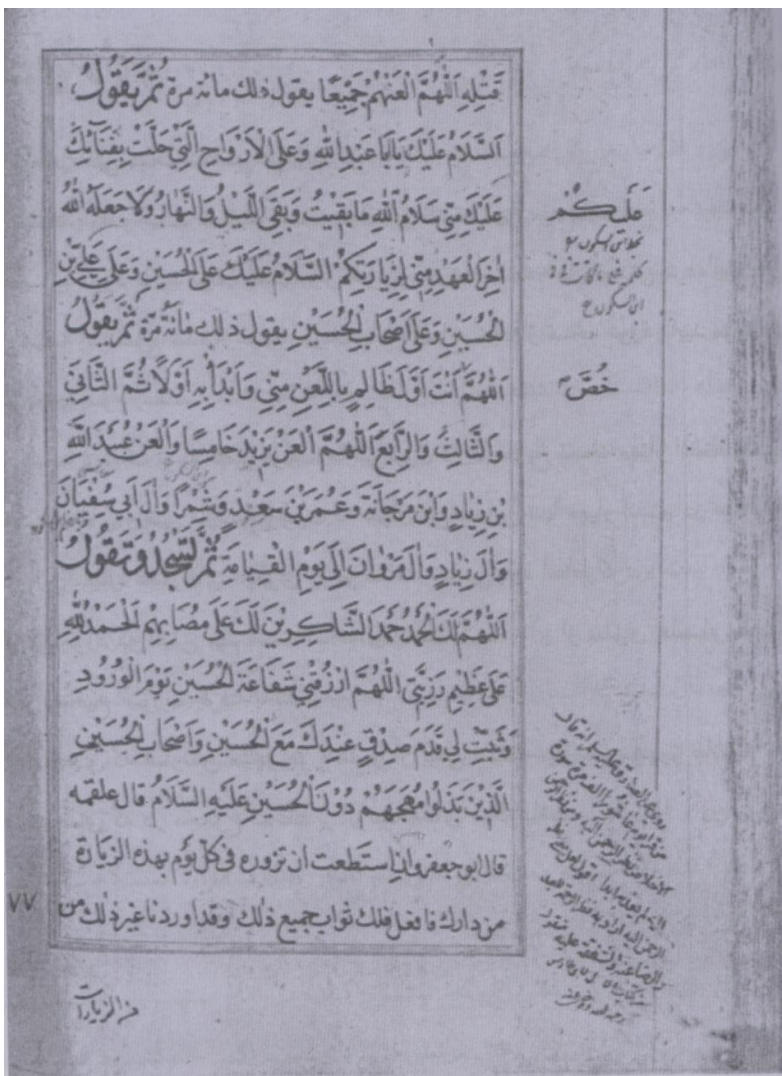
امتیازات نسخه

از خصوصیات متمایز این نسخه آن است که بر روی آن مقابله و تصحیحات فراوانی انجام شده است که می‌توان به مقابله‌ای که با نسخه مرحوم ابن ادریس رحمته الله علیه و مرحوم ابن السکون رحمته الله علیه شده اشاره کرد . خبر مقابله این نسخه توسط مؤلف در نسخه مشاهده می‌شود . بعضی از تصحیحات نگاشته شده در این نسخه ، توسط شخص مؤلف تدوین شده و بعضی دیگر از موارد تصحیح را از واسطه گرفته و در نسخه ثبت نموده است . این نسخه خطی با نسخه خطی مرحوم ابن ادریس رحمته الله علیه مقابله شده که مؤلف اینگونه اشاره می‌کند : این نسخه با نسخه‌ای که بادیست خط شیخ سعید محمد بن ادریس رحمته الله علیه می‌باشد مقابله شده است .

متن زیارت عاشورا همراه با فصول سه گانه در این کتاب آمده است .



صفحه اول نسخه کتابخانه آیت الله گلپایگانی رحمته



صفحه زیارت نسخه کتابخانه آیت الله گلپایگانی

نسخه مرحوم معین الدین اصفهانی رحمته الله

نسخه مرحوم معین الدین اصفهانی رحمته الله است که در کتابخانه دانشگاه تهران و در شماره ۲۳۵۳ نگهداری می‌شود. در آخر فرازهای زیارت دارد :

«ثم تقول : اللهم العن اول ظالم ... العنهم جميعا (تقول انك مائة مرة) ثم تقول : «السلام عليك يا ابا عبدالله .. اصحاب الحسين» (تقول ذلك مائة مرة) ثم تقول : «اللهم خص انت اول ظالم باللعن و ابدأ به اولاً، اللهم العن يزيد بن معاوية و العن عبيدالله بن زياد و ابن مرجانه و عمر بن سعد و شمرا و آل ابي سفيان و آل زياد و آل مروان الى يوم القيامة».

و در حاشیه کتاب به خط دیگر این گونه ذکر شده است : اولاً ثم الثاني و الثالث و الرابع و العن يزيد خامساً که همان گونه که بیان شد این تعلیقه‌ها و حاشیه‌ها بر اثر مرور زمان و تخفیف فشار بر شیعه به کتاب اضافه شده است .

نسخه مرحوم عبدالسمیع رحمته الله

نسخه مرحوم عبدالسمیع رحمته الله به قرن ۱۱ بر می‌گردد و در مکتبه مجلس شورای اسلامی تهران به شماره ۱۳۴۳۳ محافظت می‌شود و در تاریخ روز یکشنبه ۱۶ ذی قعدة ۱۰۵۴ نوشته شده است .

فصل زیارت بعد از لعن و سلام صد مرتبه دارد :

«اللهم خص انت اول ظالم باللعن و براء به اللهم العن يزيد بن معاويه و العن عبیدالله بن زیاد و ابن مرجانه و عمر بن سعد و شمرا و آل ابی سفیان و آل زیاد و آل مروان الی یوم القیامه» ثم تسجد
و در حاشیه دارد : «اولاً ثم العن الثانی و الثالث و الرابع اللهم العن يزيد خامساً» و همان مطلب قبل در همین مقطع تکرار می‌گردد و جای شبهه نیست که بعدها نسخه طبق اصل موجود حاشیه زده شده است و حذف این فراز به خاطر شدت تقیه بوده است .

نسخه مرحوم شاهرودی رحمته الله

این نسخه در آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود و تاریخ آن شب ۶ ربیع الثانی سنه ۱۱۲۶ ق می‌باشد و نویسنده این نسخه مرحوم محمد جعفر بن حق نظر کلوری شاهرودی رحمته الله است . و از مقطع «اولاً ثم الثانی و الثالث و الرابع اللهم العن يزيد خامساً» را در پرانتز ذکر کرده است . بعضی خواسته‌اند بدین جهت بهانه گرفته و بگویند در پرانتز ذکر کردن دال بر آن است که این مقطع در اصل کتاب مصباح المتهدجین نبوده است. ذکر این مقطع در بین پرانتز دال بر آن است که این نسخه از نسخ کپی برداری شده است که در تقیه سخت نگاشته شده و مقطع در پرانتز را نداشته ؛ لذا کپی کننده برای حفظ امانت آن را در پرانتز ذکر کرده است .

نسخه مرحوم شمس الدین یزدی رحمته الله

این نسخه در مکتبه آیت الله بروجردی رحمته الله نگهداری می‌شود و به قرن هفتم هجری بر می‌گردد و ظاهر این نسخه این است که یک نسخه‌ای وجود داشته که بعضی از اوراق آن از بین رفته و مرحوم شمس الدین رحمته الله با استفاده از آن اوراق ناقص نسخه را کامل کرده است صفحه آخر این نسخه دال بر این دعوی می‌باشد .

نسخه ملا محمدجعفر رحمته الله

نسخه مذکور در مرکز «احیاء التراث الاسلامی» قم به شماره ۳۷۸۹ نگهداری می‌شود و مجموعاً وراق آن ۱۴۷ می‌باشد و تاریخ آن به محرم سال ۱۰۷۳ هـ بر می‌گردد و به احتمال زیاد مؤلف همان محمد جعفر معروف به ترک می‌باشد. این نسخه فرازهای سلام صد مرتبه و لعن صد مرتبه را دارد . فراز «اللهم خص انت « اللهم العن اوال ثم الثانی و الثالث و الرابع و العن یزید خامساً» را ندارد و به جای کلمه عبیدالله اشتباهاً کلمه عبدالله آورده شده و این‌گونه ثبت شده است : «اللهم خص انت اول ظالم عبدالله بن زیاد و ابن مرجانه و عمر بن سعد و شمرا و ال ابی سفیان و آل زیاد و آل مروان الی یوم القیامه» .
در خصوص این نسخه نکاتی قابل دقت می‌باشد .
اولاً : در ایام شدت تقیّه کپی شده ؛ لذا بعضی فرازهای دعا حذف شده است.

ثانیاً: نسخه ثبت شده بر اثر آنکه از نسخه کپی گرفته شده که با ظرفیت تقیّه تدوین شده؛ لذا با کپی گرفتن از عین آن نسخه موجود بعضی فرازها ذکر نشده است .

ثالثاً: با توجه به اینکه دأب این بوده که هنگام مقابله بعضی از اشخاص قرائت می کردند و دیگران آن را می نوشتند ممکن است شخصی که آن را قرائت کرده از نسخه ای قرائت کرده که این فراز به دلیل شدت تقیّه قرائت نشده است ؛ لذا آن گونه کپی شده است ؛ در هر حال وجود این نسخه موجب انکار یا تغییر زیارت عاشورا با توجه به قرائن موجود و شرایط سخت تقیّه نمی شود .

نسخه کرکانی رحمۃ اللہ علیہا

نسخه دیگری با عنوان نسخه کرکانی در مرکز «احیاء التراث الاسلامی» در قم مقدس به شماره ۳۲۲/۳ وجود دارد که در ماه صفر ۱۱۲۳ ق نوشته شده است و کاتب این نسخه معلوم نمی باشد؛ و لیکن در سنین مختلف در دست بعضی قرار داشته که نام آنها بر روی این نسخه درج شده است .

در حاشیه کتاب ثبت شده که : فرهاد میرزا فرزند ولی عهد در سال ۱۲۸۱ ق مالک آن بوده و در سال ۱۳۲۳ ق کرکانی آن را تملیک کرده است و این کتاب با دعاهای هفته شروع می شود و تمام فرازها زیارت عاشورا در آن ذکر شده است الا فراز «ابدأ به اولاً ثم العن الثانی و الثالث

و الرابع» که عدم ذکر این مقطع پر واضح است که مؤمنین با توجه به فشار و اختناق موجود سعی می‌کردند بهانه دست معاندین ندهند و بعضی از فرازها را حذف کرده تا بتوانند این زیارت را به آسانی در اختیار یکدیگر قرار دهند و حذف این فرازها چیزی از اصل زیارت عاشورا بر طبق نص موجود در مصباح المتعجب کم نمی‌کند .

و این اختلاف نسخ نه تنها در خصوص بعضی زیارات رخ می‌داده است ، بلکه احادیث متعدد صحیح موجود می‌باشد که علما آن را حمل بر تقیه می‌کنند . خود موید این مدعی است که شیعه همواره با توصیه امام (علیه السلام) شرایط تقیه را مراعات می‌کردند . و یکی از مواردی که مورد تقیه بوده بعضی از فرازهای زیارت عاشورا بوده که با مراعات تقیه حذف می‌شده است .

و اگر به حاشیه این زیارت در نسخه با دقت نظر شود مشاهده می‌شود کلمه اولاً از فراز : «اللهم العن اولاً ثم الثانی ...» در نسخه موجود می‌باشد و بقیه فرازها محو شده است و لذا این احتمال دارد که :

۱-) فرازهای زیارت عاشورا از جمله «اللهم العن اول ثم الثانی و ...» در نسخه بوده و لیکن به خاطر شرایط تقیه محو شده و در این نسخه به وضوح مشاهده می‌شود که پاک کننده است .

۲-) لفظ «اللهم العن اولاً ثم الثانی و ...» بعدها به نسخه اضافه شده و دوباره به خاطر مراعات تقیه آن را محو کرده اند و لفظ اولاً خوب محو نشده است .

نسخه علاء بیک رحمته

یکی از نسخه‌ها نسخه علاء بیک می‌باشد که در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۳۲۴۷ نگهداری می‌شود. این نسخه در تاریخ ۹۵۱ ق ماه رجب کپی شده است و نویسنده آن محمد بن جلال الدین مشهور به علاء بیک است. در متن زیارت، فصل سوم زیارت را دارد:

«اللهم خص بالعن منی ابدأ به» و مقطع «اولاً ثم الثانی و الثالث و الرابع اللهم العن یزید خامساً» در حاشیه ذکر شده است.

نسخه عبدالحی رحمته

این نسخه به قرن دهم بر می‌گردد که ناسخ آن سید عبدالحی رحمته می‌باشد و در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی رحمته نگهداری می‌شود که شماره آن ۶۷۱۷ می‌باشد و در حاشیه بعد از ذکر صد لعن دارد:

«و شایعت و تابعت علی قتله، اللهم اجعل لعنتک و باسک و نعمتک علیهم اللهم العنهم جميعاً...» ثم يقول: «اللهم خص انت اول ظالم باللعن منی و ابدأ به اللهم العن یزید خامساً و العن عبیدالله بن زیاد...» و در حاشیه نسخه با خط دیگر دارد: «اولاً ثم الثانی و الثالث و الرابع و...»

این نسخه همان‌گونه که مشاهده می‌شود در خصوص کلمات اضافه شده در شایعت و تابعت علی ... متعارف است و برای مبالغه در اظهار تنفر از معاندین اهل بیت علیهم السلام کلمات دیگری در نسخه اضافه شده است که

ضرری به اصل زیارت نمی‌رسد و این امر هم اکنون هم متداول است که در حین دعا بعضی کلمات که دال بر ظلم معاندین است ذکر می‌شود و عدم ذکر اولاً ثم الثانی و الثالث ... بر می‌گردد بر همان حفاظتی که شیعه سعی بر آن داشته که آن را مراعات کند و بعد به واسطه رفع تقیّه یا خصوصی شدن نسخه این فرازا اضافه شده است .

نسخه ابن زنگی رحمته الله

این نسخه در قرن ششم کپی شده است و در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی رحمته الله نگهداری می‌شود و در شماره ۱۴۲۲۶ بایگانی شده است. و بر روی این کتاب نام طفرلتین اتابک ابی المظفر مسعود بن مودود بن زنگی بن آقا سنقر نصیرالمؤمنین نوشته شده است .

اما چرا این نسخه به ابن زنگی معروف شده است دقیقاً نمی‌توان جواب داد و لیکن بر حسب آنچه که آن زمان موسوم بوده ، یک کتاب اگر در کتابخانه شخصی نگه‌داری می‌شده ، آن کتاب به آن شخص نسبت داده می‌شده ، بعید نیست بدین گونه است . در آخر این نسخه خطی این گونه دارد :

« اللهم خص انت اول ظالم بالعن منی و ابدأ به اولاً ثم العن الثانی و الثالث و الرابع اللهم العن زیزد خامساً ظلم ... » تغییر جزئی در بعضی از فقرات دعا ضرری به اصل و اثبات آن نمی‌زند و فتن العن یزید خامس ظالم یا یزید خامسا یک معنی است و این گونه تغییر موجب اشکال نمی‌شود .

نسخه مرحوم فرخ رحمته

این نسخه متعلق است به فرخ بن عبدالله رحمته و در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود و شماره آن ش ۲۰۲ خ و در مشهد مقدس کتابت شده است .

و این نسخه شامل لعن و صلوات صد مرتبه می‌باشد و فصل سوم را این‌گونه ثبت کرده است :

«اللهم خص انت اول ظالم باللعن منى و ابدأ به اول ثم العن الثانى و الثالث و الرابع الى اللهم العن يزيد بن معاويه».

فصل ششم:

لعن در زیارت عاشورا و وحدت اسلامی

تحريفات و تصحيقات پيرامون زيارت عاشورا

سخن مقام معظم رهبری دامت برکاته پیرامون لعن نمودن

«ما شمر را لعنت می‌کنیم برای اینکه ریشه شمری شدن و شمیری عمل کردن را در دنیا بکنیم؛ ما یزید و عبیدالله را لعنت می‌کنیم برای اینکه با حاکمیت طاغوت، حاکمیت یزیدی، حاکمیت عیش و نوش، حاکمیت ظلم به مؤمنین در دنیا مقابله کنیم»^۱.

وحدت در کلام مقام معظم رهبری دامت برکاته

رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای دامت برکاته، که در جامعه امروز مسلمین، روشن‌ترین و دقیق‌ترین تعریف را از وحدت ارائه فرموده‌اند، می‌فرمایند:

«اتحاد به معنای انصراف از عقاید نیست، ما در مسئله وحدت جدی هستیم. ما اتحاد مسلمین را هم معنا کرده‌ایم. اتحاد مسلمین به معنای انصراف مسلمین و فرقی گوناگون از عقاید خاص کلامی و فقهی خودشان نیست؛ بلکه اتحاد مسلمین به دو معنای دیگر است که هر دوی آن باید تأمین شود.

۱ - ۷۲ سخن عاشورایی از بیانات حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای دامت برکاته، ص ۲۶۹: بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از اقشار مختلف مردم قم، ۱۹/۱۰/۱۳۸۶ ش.

اول این که ، فِرَق گوناگون اسلامی (شیعه و سنی) که هر کدام فِرَق مختلف کلامی و فقهی دارند ، حقیقتاً در مقابله با دشمنان اسلام ، همدلی و همدستی و همکاری و همفکری کنند .

دوم اینکه ، فِرَق گوناگون مسلمین ، سعی کنند خودشان را به یکدیگر نزدیک کنند و تفاهم ایجاد نمایند و مذاهب فقهی را با هم مقایسه و منطبق کنند . بسیاری از فتاوی فقها و علما هست که اگر مورد بحث فقهی عالمانه قرار بگیرد ممکن است با مختصر تغییری ، فتاوی دو مذهب به هم نزدیک شود .^۱

«مراد ما از وحدت اسلامی ، یکی شدن عقاید و مذاهب اسلامی نیست . در میدان برخورد مذاهب و عقاید اسلامی ، هر فرقه‌ای ، عقاید خودش را دارد و خواهد داشت ، میدان علمی است ، میدان بحث فقهی است . میدان بحث کلامی است و اختلاف عقاید فقهی و کلامی می‌تواند هیچ تأثیری در میدان واقعیت زندگی و در میدان سیاست نداشته باشد . مراد ما از وحدت دنیای اسلام ، عدم تنازع است . «ولا تنازعوا فتفشلوا» تنازع نباشد ، اختلاف نباشد .^۲

۱ - سخنرانی در دیدار با میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، روحانیون و مسئولان و ائمه جمعه و برادران اهل تسنن و تشیع استانهای کردستان و کرمانشاه و جمعی از اقشار مختلف مردم قزوین، مبارکه، سرخه و خواف، ۱۳۶۸/۷/۲۴.

۲ - بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار شرکت کنندگان در همایش کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۸۵/۵/۳۰ ش.

نقادان بی پروا

در کنار گروهی که معتقدند علت حذف «اللَّهُمَّ خُصَّ» تقیّه بوده است نه دستکاری، این گروه آنچه را شهید ثالث قاضی نورالله شوشتری پیرامون ماجرای شیخ طوسی رحمته الله علیه و خلیفه عباسی نقل کرده مورد بحث قرار داده، اظهار نظرهای نقادانه بی پروا کرده‌اند که از آن جمله شیخ حسین راضی مؤلف «زیارت عاشورا فی المیزان» است. نامبرده بعد از نقل ماجرای شیخ طوسی رحمته الله علیه با خلیفه عباسی می‌نویسد: «ما می‌گوییم این مقطع زیارت [عاشورا] داخل شده است» سپس توضیح می‌دهد: «اگر امر دایر مدار بین وجود این فراز و عدم فراز این [فراز از زیارت عاشورا] باشد، اصل بر عدم وجود این فرض می‌باشد». در پی این خدشه بر اصالت بند «اللَّهُمَّ خُصَّ أَنْتَ» نتیجه می‌گیرد «این فراز را مجهولین وارد کرده‌اند» و در تفصیل دوم همان را آورده است که شیخ طوسی رحمته الله علیه در جواب خلیفه عباسی بیان فرموده‌اند^۱ و اظهار می‌دارد «این تفسیر قصه‌ای است که از شیخ طوسی رحمته الله علیه پیرامون این فراز بیان شده و اساسی برای صحت این فصح نیست». نامبرده برای اینکه تأیید و تأکید کرده باشد، می‌نویسد: «اصل این قضیه صحت ندارد». در مورد تفصیل سوم اشاره می‌کند که گفته شده «مراد از این مقطع [اللَّهُمَّ خُصَّ أَنْتَ] قاتلان امام حسین علیه السلام هستند: اولی سنان بن انس، دومی خولی، سوم شیث بن ربیع، چهارم عمرو بن الحجاج، همه از رؤسای قتل امام حسین علیه السلام». درباره این

۱ - مراد از اولی قایل است که برادرش هابیل را کشت، دومی عاقر قیدار بن سالف بود و مراد از سومی قاتل یحیی بن زکریا است و رابع عبدالرحمن بن ملجم لعنه الله علیه می‌باشد.

اظهار نظر می‌نویسد : «این تفسیر مثل اصل این فراز قائل آن معروف نیست». بعد از اظهار نظرها می‌نویسد : «نتیجه ، این مقطع از زیارت عاشورا مصباح متهدجاً در این زیارت نمی‌شود باشد ، پس چطور وجود پیدا کرده ؟ فتنه‌هایی بود که برخی در این زیارت وارد کردند و موجب نزاع بین شیعه و سنی شده ، موجب جنگ‌ها و ریختن خون‌ها و از بین رفتن آبروها...»^۱

اظهار شیخ راضی که در آخر نقل اقوال او آوردیم حکایت می‌کند از جمله کسانی بوده که از اختلاف امت اسلامی بر سر اینگونه موضوعات رنج می‌برده است . و لذا آن را به عنوان قصه‌ای بی اعتبار رد کرده است ؛ در صورتی که شیخ حسین راضی و دیگرانی چون او می‌دانند مسأله «اللَّهُمَّ خُصَّ أَنتَ...» تنها موضوع اختلاف نظر بین امت اسلامی نبوده و نیست که با اینگونه اظهار نظرهای سلیقه‌ای صحیح یا غلط حل شود . و لذا بزرگانی در جواب شیخ حسین راضی کتاب‌ها تألیف کرده‌اند که از جمله آنان حضرت آیت الله حاج سید محمد علی العلی قَدَسُ فرزند سید هاشم العلی است . نامبرده تحت عنوان «گفته کسی را که می‌گوید : «لعن» از روش اهل بیت (علیهم‌السلام) نیست». این گونه به دفاع بر می‌خیزد.^۲

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان

خداوندا ! بر محمد و آل محمد درود فرست و در فرج ایشان تعجیل فرما
و بر همه دشمنان ایشان لعنت کن !

۱ - زیارت عاشورا فی المیزان، شیخ حسین راضی، ص ۱۳۰.

۲ - زیارت عاشورا، میراث جاودان عاشورا، ص ۳۶۴.

مرحوم آیت الله سید محمد علی العلی در کتابش به معرفی ظلم پرداخته و احادیثی را ذکر کرده که دلالت می‌کند بر بدی ظلم و ظالم و نیز لعن ظالم در لسان دعا و زیارات؛ و این کتاب به مثابه ردّی است بر شیخ راضی که ادعا کرده زیارت عاشورا ساختگی است و لعن فرهنگ خشونت است و از روش اهل بیت (علیهم‌السلام) نیست و کار را به آنجا رسانده که علمای ما را به حشویه و تزویر متهم ساخته و سیره‌ی متشرعه از علمای ما را که هم عصر با ائمه طاهرین (علیهم‌السلام) بوده‌اند یا از نظر زمانی نزدیک به زمان آنان بوده‌اند با حيله در هم کوبیده، به خاطر آن که می‌خواهد دشمنان اهل بیت (علیهم‌السلام) را خشنود سازد.

او در مقدمه کتابش می‌گوید:

شکی نیست که اعتداء ظلم است و برای ظلم و ظالم احکامی است که به آن دو مربوط است و کتاب عزیز مشتمل است بر آیاتی که نهی از ظلم می‌کند و بر آن تهدید می‌نماید و لعن ظالم در کتاب و سنت آمده است. در این کتاب به زودی از کتاب و سنت آیات و اخباری را که مربوط به ظلم و ظالم است عرضه می‌کنیم تا از آن طریق به بیان حکم لعن بپردازیم که آیا جایز است و یا جایز نیست؟ و توفیق از ناحیه‌ی پروردگار است. مؤلف در متن کتاب می‌گوید:

تردیدی نیست در این که ظالم از مفسدین در زمین است و خدا نسبت به «مفسد فی الارض» حکم کرده که یا کشته شود، یا به دار آویخته شود، یا دو دستش بر خلاف یکدیگر قطع شود و یا تبعید گردد، و وقتی این

۱ - اعتداء یعنی تصرف عدوانی و تجاوز کردن به حقوق کسی.

حکم خدا نسبت به ظالم بود ، پس لعن در حق او چیز زشت و ناپسندی نیست و زیادتر از حق او نیست ، بلکه کمتر از آن چیزی است که سزاوار آن است ، مخصوصاً بعد از آن که لعن را تفسیر کردیم به دوری از رحمت خدا . پس جواز لعن ظالم بنابراین سزاوار است که مفروغ عنه باشد یعنی مطلبی مسلم و حتمی باشد ، مضافاً به آنچه به زودی عرضه می‌کنیم از آیات و اخبار و دعا و زیارات که مشتمل بر لعن است بلکه در زیارات و دعا جهت دیگری است برای دلالت ، آن دو در مقام تعلیم و تلقین هستند برای آنچه می‌گوییم ، پس روایت زمانی که برای ما کیفیت زیارت را بیان کرده و فرمود: بگو : «اللَّهُمَّ الْعَنْ أُمَّةً ظَلَمْتُكَ» و تو می‌گویی : «اللَّهُمَّ الْعَنْ أُمَّةً ظَلَمْتُكَ» در حقیقت این تلقین است و ما را تلقین می‌نماید که آن را انشاءً بگوییم نه حکایتاً ، و تلقین به لعن بر این وجه یعنی امر به آن ، و آن مستلزم حکم به جواز است و ما را به این نتیجه می‌کشد که بر این تقدیر مجالی نسبت به زیارت عاشورا که آن به جهت اشتغال بر لعن ساقط است ، و آنچه برخی از افراد دیگر اظهار می‌دارند مانند زشت شمردن لعن و انکار آن و منع از آن ، به ادعای این که لعن از روش اهل بیت (علیهم‌السلام) نیست ، امری است که مصدري برای آن نیست و قولی است که دلیلی ندارد بلکه گفتاری مخالف واقع وجدانی می‌باشد .

آنچه از نصوص قرآن و سنت و دعا و زیارت عرضه نمودیم ما را کاملاً قانع می‌سازد به اینکه لعن از روش قرآن و از روش اهل بیت (علیهم‌السلام) است و لعن از آنها نسبت به مستحق آن جاری گردیده، و این که اصرار بر انکار آن یا منع از آن می‌نمایند گاهی سببش اندیشه‌ی تقریب است .

نهی از لعن ظالم و امر به ترک آن برای تقدیر نهی از معروف و امر به منکر شمرده می‌شود ، خدا ما را از آن پناه بدهد، و آن چیزی است که خبر رسول اکرم ﷺ را تحقق می‌بخشد که در خطبه‌اش در حجة الوداع نسبت به اوضاع آخرالزمان خبر داده و فرموده است :

«كَيْفَ بِكُمْ إِذَا أَمَرْتُمْ بِالْمُنْكَرِ وَ نَهَيْتُمْ عَنِ الْمَعْرُوفِ؟

چگونه است حال شما وقتی امر به منکر و نهی از معروف کنید ؟
قیل: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَ يَكُونُ ذَلِكَ؟!

عرض کردند : آیا چنین چیزی می‌شود؟

قال: «نَعَمْ، وَ شَرٌّ مِنْ ذَلِكَ، كَيْفَ بِكُمْ إِذَا رَأَيْتُمُ الْمَعْرُوفَ مُنْكَرًا وَ الْمُنْكَرَ مَعْرُوفًا؟!»

فرمود: «آری ، و بدتر از آن. چگونه خواهد بود حال شما هنگامی که ببیند معروف ، منکر و منکر ، معروف گردیده است ؟»^۱
و نیز این کلام ما را به نتیجه دیگری می‌رساند و آن ، این است که نهی از لعن ظالم و رضایت نداشتن به آن گاهی بازگشت می‌کند به اظهار تمایل و هواداری نسبت به ظالم و مدارا نمودن با او در ظلم او، و این بازگشت می‌کند. در نتیجه به سبک شمردن ظلم ظالم و عدم انکار آن، و در مرحله بعد بازگشت می‌کند به مرتبه خفیه‌ای از رضایت دادن به آن و بدین سبب مخفی نیست که شرکت کننده با ظالم در ظلم او شمرده

۱ - تحف العقول، ص ۴۹؛ تهذیب، ج ۶، ص ۱۷۷؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۷۴.

می‌شود؛ همانطور که نصّ صریحی از امام صادق (علیه السلام) در تأیید این مطلب آمده است :

آن حضرت فرموده‌اند: امیرالمؤمنین (علیه السلام) این گونه می‌فرمود :
 «الْعَامِلُ بِالظُّلْمِ وَالْمُعِينُ لَهُ وَالرَّاضِي بِهِ شُرَكَاءُ ثَلَاثَتُهُمْ؛ ظلم کننده و کسی که او را بر آن کمک کند و رضایت دهنده به آن ، هر سه شریک هستند»^۱.

و اضافه بر آنچه گفته شد، این منافات دارد با حقیقت ولاء نسبت به اهل بیت (علیهم السلام) که قوام آن به محبت آنان و تبری از دشمنان آنان است .
 و منافات دارد با حقیقت ایمان که قوام آن به آن دو یعنی محبت اهل بیت (علیهم السلام) و تبری از دشمنانشان است ، به دلیل این آیه شریفه :

«لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ؛ هیچ قومی را که ایمان به خدا و روز رستاخیز دارند نمی‌یابی که با دشمنان خدا و رسولش دوستی کنند ، هر چند پدران یا فرزندان یا برادران یا خویشاوندانشان باشند ، آنان کسانی هستند که خدا ایمان را بر صفحه دل‌هایشان نوشته و با روحی از ناحیه خودش آن‌ها را تقویت فرموده و آن‌ها را در باغ‌هایی از بهشت وارد می‌کند که نهرها از زیر درختانش

۱ - الکافی، ج ۲، ص ۳۳۳.

جاری است، جاودانه در آن می‌مانند، خدا از آن‌ها خشنود است و آنان نیز از خدا خشنودند، آن‌ها حزب الله هستند، بدانید حزب الله پیروز و رستگارند^۱».

و به خاطر آن بر مؤمن لازم است که در امر ظلم و ظالمین و نه در جواز لعن آنان سستی نکند تا در آنچه عقیده و ایمان او را ناقص می‌گرداند، واقع نشود. خداوند ما را از انحراف قلب‌ها در پناه خود حفظ کند^۲.

«پروردگارا! قلوب ما را بعد از هدایت دچار انحراف مساز و از ناحیه خودت برای ما رحمت مرحمت کن که تو بسیار بخشنده‌ای»^۳.

«منزه است پروردگار تو، پروردگار عزت (و قدرت) از آنچه آنان توصیف می‌کنند»^۴.

۱ - مجادله / ۲۲.

۲ - زیارت عاشورا، میراث جاودان عاشورا، ص ۳۶۸.

۳ - آل عمران / ۸. «رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَ هَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ»

۴ - صافات / ۱۸۰. «سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ»

مطالبی پیرامون لعن در زیارت عاشورا

اختلاف اندکی میان آنچه در «کامل الزیارات» و «مصباح المتهدجد» است مشاهده می‌شود. مفاتیح الجنان از «مصباح المتهدجد» نقل کرده است: «اللَّهُمَّ الْعَنُ الْأَوَّلَ وَ الثَّانِيَّ وَ الثَّلَاثَ وَ الرَّابِعَ». اما در «کامل الزیارات» جعفر بن محمد بن قولویه، آمده است: «ثُمَّ تَقُولُ مِائَةَ مَرَّةً: اللَّهُمَّ خُصَّ أَنْتَ أَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ آلَ نَبِيِّكَ بِاللَّعْنِ ثُمَّ الْعَنُ أَعْدَاءَ آلِ مُحَمَّدٍ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ اللَّهُمَّ الْعَنُ يَزِيدَ وَ أَبَاهُ وَ الْعَنُ عُبَيْدَ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ وَ آلَ مَرْوَانَ وَ بَنِي أُمَيَّةَ قَاطِبَةً إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»

البته آنچه مهم است به جهت رعایت تولی و تبری اصل لعنت بر اذیت کنندگان پیامبر ﷺ و خاندان ایشان مطابق با آیه قرآن است، «إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا؛ بی‌گمان کسانی که خدا و رسولش را آزار می‌رسانند، خدا آنان را در دنیا و آخرت لعنت کرده و برایشان عذابی خفت‌آور آماده ساخته است.»^۲

باید گفت: لعن که به معنای دوری از لطف و رحمت الهی است و آنچه نکوهش شده ناسزاگویی و سب به خدایان مشرکان است: «وَ لَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ؛ و آنچه را که جز خدا می‌خوانند دشنام می‌دهید که آنان از روی دشمنی به نادانی خدا را دشنام خواهند داد.»^۳

۱ - ص ۳۳۲؛ تحقیق جواد قیومی، چاپ نشر اسلامی.

۲ - سوره احزاب، آیه ۵۷.

۳ - سوره انعام، آیه ۱۰۸.

اما لعن به معنای طلب دوری از رحمت الهی، نسبت به کافران و ظالمان در قرآن نیز آمده است: «إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكَافِرِينَ وَأَعَدَّ لَهُمْ سَعِيرًا؛ خداوند کافران را لعن می‌کند و عذاب را برای آنان آماده کرده است.»^۱ و همچنین کسانی که پیامبر را آزار داده‌اند مورد لعن قرار گرفته‌اند. «إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ کسانی که خداوند و پیامبرش را آزار می‌دهند خداوند آنان را در دنیا و آخرت مورد لعن قرار می‌دهد.»^۲

برای معاندان و محاربان با امام حسین (علیه السلام) و ظالمین به اسوه‌ها و الگوهای هدایت مردم، ابدی است. زیرا ملاک لعن، ابدی است. آنچه که موجب لعن و نفرین نسبت به ظالمین به حق محمد و آل محمد (علیهم السلام) شده است، و ملاک لعن است، چون باقی است لعن هم باقی است. علاوه بر این، حقیقت و روح دین را همین حب و بغضها تشکیل می‌دهد.

حب و عشق نسبت به کسانی که بندگان مطیع و عارف درگاه الهی بوده‌اند و بغض نسبت به کسانی که دشمن حق و حقیقت بوده‌اند (تولی و تبری) از نشانه‌های ایمان است؛ همچنان که در متون دینی آمده است:

«هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ وَ الْبُغْضُ؟ هَلِ الْإِيمَانُ إِلَّا الْحُبُّ وَ الْبُغْضُ؟ آیا دین و ایمان چیزی غیر از حب و بغض است؟»^۳

۱ - سوره احزاب، آیه ۶۴.

۲ - سوره احزاب، آیه ۵۷.

۳ - مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۲۹؛ و ج ۱۲، ص ۲۲۷.

۴ - المحاسن، ج ۱، ص ۲۶۲؛ الکافی، ج ۲، ص ۱۲۵.

۵ - میزان الحکمه، ج ۲، ص ۹۴۴.

و در حدیث قدسی آمده است : «خداوند به موسی (علیه السلام) فرمود : آیا هرگز کاری برای من انجام داده‌ای ؟

حضرت موسی (علیه السلام) عرض کرد : برایت نماز گزاردم ، روزه گرفتم ، صدقه دادم و تو را یاد کردم ، خدا فرمود : نماز برهان و حجت برای توست و روزه سپر تو در برابر آتش جهنم است و صدقه ، سایه سرت و یاد من ، نوری برای توست ، چه کاری برای من کرده‌ای ؟

حضرت موسی (علیه السلام) عرض کرد : مرا به کاری که برای توست راهنمایی فرما ؟ خداوند فرمود : ای موسی ! آیا هرگز برای من با کسی دوستی کرده‌ای و برای من با کسی دشمنی کرده‌ای ؟ پس موسی ، دانست که برترین اعمال ، حُب و دوستی به خاطر خدا و بغض و دشمنی به خاطر خداست ^۱.

در زمینه حب و بغض به خاطر خدا ، نقل متواتر از شیعه و سنی رسیده است . نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید :

«حب و بغض به خاطر خداوند ، واجب است» ^۲.

از فلسفه‌های زیارت عاشورا تحکیم حُب و بُغض به خاطر خدا می توان بر شمرد .

زیارت عاشورا و وحدت اسلامی

زیارت عاشورا و خواندن [آن] با اصل تأکید بر وحدت اسلامی تنافی و تناقض ندارد ؛ زیرا از نظر فقه شیعه آنجا که انجام کاری باعث نزاع و تفرقه می شود حتماً باید از آن پرهیز کرد و با تکیه بر اصل دیگر دینی «تقیّه» از انجام آن

۱ - همان ، ص ۹۶۶.

۲ - کنز العمال ، متقی هندی ، ج ۲۴۶۸۸.

باید خودداری شود، چنان که هر سال در موسم حج اتفاق می‌افتد که طبق نظر فقهای شیعه برای حفظ وحدت و هماهنگی اسلامی، مهر گذاشتن در نماز لازم نیست و شرکت در نماز جماعت اهل سنت جایز بوده و نماز هم اعاده ندارد. گذشته از همه اینها، خواندن زیارت عاشورا نوعاً در جمع شیعیان است و یا هر کسی در خانه خود آن را می‌خواند، در این صورت هیچ ضرر و زیانی به وحدت بین المللی اسلامی با دیگر مسلمانان وارد نمی‌کند.^۱

اعلامیه علامه سید محمد علی العلی به نیابت از علما احساء

ایشان این دفاعیه از زیارت عاشورا که با عنوان «الله الله فی زیارة عاشورا» صادر نموده‌اند را چنین آغاز کرده‌اند:

اینکه بعضی از افراد جرأت پیدا کرده‌اند و اعتراض و عرض اندام بر بعضی از فرازهای زیارت عاشورا که مشتمل بر لعن است؛ نموده‌اند و یا گفته‌اند که زیارت عاشورا وضع برای زیارت شده و موضوعی برای زیارت حضرت حسین (علیه السلام) قرار داده شده است و اصل عاشورا خالی از این لعن‌هاست و متأسفانه برخی دیگر از اعلام این ادعا را قبول نموده‌اند؛ باید گفت: این شر و فتنه‌ای است که دامن‌گیر آنها و تأییدکنندگان این کلام شده که قائلند تصرف در نص زیارت عاشورا پدید آمده است؛ لذا بر این شدند که لعن را از بعضی از قسمت‌ها حذف کنند و آن را به صورت طبع جدید و موافق کیفیتی که خودشان قائلند انتشار دهند.

این امر موضوعیست که اگر بدون جواب بماند تجرّی به سایر قسمت‌ها کرده و فرصت دیگری برای فرد متجرّی پیدا می‌شود و در آینده‌ای نه چندان دور ، تصرف در زیارت جامعه ، دعای توسل ، دعای ندبه و در هر مآثوری که نفس آدمی با تفکر ولایی نسبت به آن حساسیت به خصوصی دارد ، به وجود می‌آید و دیگر حرمتی برای نصوص ما و ادعیه مآثور ما باقی نمی‌ماند .

لذا سکوت ما در برابر چنین ادعاهایی و غفلت ما از چنین فتنه‌هایی ، شایسته نیست ؛ و از علما اعلام خواستارم که بیدار شده و این‌گونه تصرف و افراد متجرّی را مورد شناسایی قرار داده و به جد در نگهداری و حفظ آثار و مآثورات دینی و ارزشی و این مهم که در دست ماست اهمیت بدهند تا این آثار از بین نرود و در اثر این فتنه‌ها به خاموشی و فراموشی سپرده نشود .

خداوند تعالی کفایت کننده ما و بهترین و کیل است و هیچ نیرو و توانی جز نیرو و توان او نمی‌باشد .

بیستم صفر سال هزار و چهارصد و بیست و نه هجری

به نیابت از علماء احساء سید محمد علی السید هاشم العلی^۱

فصل، ہفتم:

سنت و سیرہ قرار دادن زیارت عاشورا

تحريفات و تصحيقات پيرامون زيارت عاشورا

سنت و سیره قرار دادن زیارت عاشورا

از اهم دلایل مستند بودن زیارت عاشورا سنت و سیره قرار دادن زیارت عاشورا می‌باشد که مفاخر علمای امامیه به آن عمل نموده‌اند که حتی بسیاری از مراجع خودشان زیارت عاشورا با صد لعن و سلام و فقره پایانی را قرائت و مردم را هم بدان ترغیب می‌نمودند که در اینجا به تعدادی از آنها اشاره می‌نماییم :

۱- شیخ مرتضی انصاری رحمته الله علیه

در شرح احوال مرحوم شیخ انصاری رحمته الله علیه آورده‌اند که از جمله عاداتش خواندن زیارت عاشورا بوده که هر روز دو بار صبح و عصر آن را می‌خواند و بر آن بسیار مواظبت می‌نمود. بعد از وفاتش کسی او را در خواب دید و از احوالش پرسید، در جواب سه مرتبه فرمود: عاشورا، عاشورا، عاشورا.^۱

حضرت آیت الله العظمی بهجت رحمته الله علیه می‌فرمودند: شیخ انصاری رحمته الله علیه، زیارت عاشورا را با صد لعن و سلام می‌خواندند. بنابراین زیارت عاشورا محکی است که شیعیان و دوستان اهل بیت علیهم السلام را به منصفه ظهور و بروز می‌رساند و به همین جهت است که دشمنان خاندان نبوت و رسالت، مخصوصاً وهابی‌ها

۱- مردان علم در میدان عمل، ج ۲، ص ۳۷۶.

در مکه و مدینه از به همراه بردن و خواندن مفاتیح مخالفت می کنند که عمده مخالفتشان به خاطر زیارت عاشورا است.^۱

۲- علامه طباطبایی رحمته الله علیه

مرحوم حجت الاسلام هادی مروی رحمته الله علیه می فرمودند: در خدمت مقام معظم رهبری دامه ظله و آیت الله ناصر دامه ظله عرض کردم، خودم از آیت الله شیخ احمد پایانی رحمته الله علیه این داستان را شنیدم:

روز عاشورایی بود که در قم وارد قبرستان نو شدم که دیدم مرحوم علامه طباطبایی گوشه‌ای با سر و پای برهنه ایستاده‌اند. نزدیک شدم که مرحوم علامه مشغول قرائت زیارت عاشورا هستند و من هم ایستادم و گوش دادم. ایشان زیارت عاشورا را با صد لعن و صد سلام به صورت کامل خواندند و بعد از تمام شدن زیارت به من فرمودند: «پایانی! می دانی امروز چه روزی است؟ امروز نه تنها انسان‌ها، بلکه عوالم در عزای امام حسین علیه السلام خون گریه می کنند. می دانی چگونه؟ ایشان کلوخی را از زمین برداشت و فشرد، دیدم که قطرات خون از مُشت ایشان، به زمین ریخت.^۲

توصیه علامه طباطبایی رحمته الله علیه

مرحوم آیت الله سعادت پرور (پهلوانی) رحمته الله علیه از قول علامه طباطبایی رحمته الله علیه می فرماید: از روز اول محرم شروع کن زیارت عاشورا را، با صد لعن و صد

۱ - طرحی نو از زیارت عاشورا، ص ۲۰۶ و ۲۰۷.

۲ - همان، ص ۲۱۲ و ۲۱۳.

سلام بخوان و صد لعن و سلام را در طول روز بگو که سراسر زندگی تو ، در آن روز محشور با زیارت عاشورا باشد . در روز عاشورا ، با سر و پای برهنه برو زیر آسمان و زیارت عاشورا را کامل با صد لعن و صد سلام و نماز و دعایش بخوان^۱.

۳- حضرت امام خمینی رحمته الله علیه

نقل می کنند : حضرت امام رحمته الله علیه در اغلب ایام زیارتی در کنار قبر امام حسین علیه السلام بودند . در دهه^۲ محرم هر روز زیارت عاشورا معروفه را با صد مرتبه سلام و صد مرتبه لعن می خواندند . بیش از پنجاه سال شاید کمتر اتفاق افتاد که فجر طالع شود چشم امام در خواب بوده باشد^۲.

ترک نشدن زیارت عاشورا

حجت الاسلام و المسلمین غیوری نقل می کند : زیارت عاشورای امام خمینی رحمته الله علیه هیچ گاه ترک نمی شد. در صحبتی که خود من با ایشان داشتم متوجه این امر شدم و البته ایشان تصریح نفرمودند ، ولی من متوجه شدم زیارت عاشورای با صد لعن و صد سلامش ترک نمی شود^۳.

۱ - طرحی نو از زیارت عاشورا، ص ۲۱۳.

۲ - همان، ص ۲۱۴.

۳ - همان، ص ۲۱۵، به نقل از سرگذشت‌های ویژه از زندگی مام خمینی رحمته الله علیه ج ۶ ص ۱۰۱.

(۴) - آیت الله العظمی سید حجت کوه کمره‌ای رحمته الله علیه

در زمان متفقین، به واسطه نیامدن باران و گرانی، مردم و طلاب در مشکلات فراوانی قرار گرفته بودند. به طوری که نان سنگگ دانه‌ای یک تومان بود، حال آن که شهریه طلاب ماهی ده تومان بیشتر نبود.

بدین جهت مرحوم آیت الله العظمی حجت کوه کمره‌ای دستور دادند، چهل نفر از طلاب علوم دینی روی بام مسجد مقدس جمکران بروند و چهل زیارت عاشورا با صد لعن و صد سلام بخوانند و ضمناً توسل به آقا موسی بن جعفر علیه السلام و حضرت ابوالفضل علیه السلام و آقا علی اصغر شیرخوار امام حسین علیه السلام پیدا کنند، و بعد برای آمدن باران و رفع مشکلات دعا کنند. عباس که فیض نامش اعجاز کند

فرداست که در بهشت پرواز کند

امروز هم از کار فرو بسته ما

با دست بریده صد گره باز کند

بالاخره بعد از انجام دستورات و مراجعت از مسجد جمکران، در فصل تابستان ابرها بالا آمدند و باران شدیدی شروع شد به طوری که طلاب کفش‌های خود را بیرون آوردند و از میان سیلاب‌ها عبور کردند به برکت این رحمت الهی، نعمت‌ها فراوان شد.^۱

۱ - طرحی نو از زیارت عاشورا، ص ۲۱۸؛ زیارت عاشورا و آثار شگفت، ص ۷۳؛ زیارت عاشورا، میراث جاودان عاشورا، ص ۴۳۷.

(۵) - آیت الله العظمی اراکی رحمته الله علیه

یکی از ملازمان ایشان نقل می‌کرد: برنامه معظم له این بود که هر روز بالای بام می‌رفتند و به حالت ایستاده به خواندن زیارت عاشورا می‌پرداختند. ایشان مقید بودند صد لعن و صد صلوات که در زیارت عاشورا وارد شده است به طور کامل قرائت کنند و این برنامه ایشان تا موقعی که توانایی جسمی داشتند به همین نحو (بالای بام و روبه قبله)، حتی در روزهای برفی و سرد هم بدون کم و کاست ادامه داشت!

(۶) - آیت الله سید عبدالحسین طیب رحمته الله علیه

متلکم فرهیخته، معلم اخلاق و مفسر بزرگ شیعه صاحب کتاب گرانسنگ و گرانقدر اطیب البیان، حضرت آیت الله حاج سید عبدالحسین طیب اصفهانی رحمته الله علیه بر زیارت عاشورا با صد لعن و سلام با تمامی آداب (در تمامی ماه‌های محرم و صفر) در دوره‌ای نزدیک به تمام عمر اهتمام داشتند.^۲

۱ - همان، ص ۲۱۹.

۲ - ریشه‌ها و جلوه‌های تشیع و حوزه علمیه اصفهان، ج ۱، ص ۶۲۲؛ حیات طیبه، ص ۹۴.

تحريفات و تصحيقات پيرامون زيارت عاشورا

فصل هشتم:

استغاثات

تحريفات و تصحيقات پيرامون زيارت عاشورا

از محضر آيت الله الظعمرى شيخ لطف الله صافى گليا يگانى دامت ظلته
س ۱۰ : هناك من يصرّ على حذف اللعن من زيارة عاشورا و يقول: ان اللعن
حرام و غير جائز، فهل يجوز حذف اللعن، ام هذا يمثل خطأ سياسياً يوماً ما
؟

و هل يجوز لى انا العالم الصغير التصرف فى مثل هذه الامور ؟
ج : لا يجوز التصرف فى ما ورد من الادعيه و الزيارات، و ينبغى الاهتمام
بها و قراءتها كما وردت . و الذى يصرّ على حذف اللعن من زيارة عاشورا
بحجة حرمة اللعن فهو اما جاهل ، او جاهد . و قد ورد اللعن فى اكثر من
اربعين آية من القرآن المجيد. هداانا الله و اياه الى الصراط المستقيم و لعن
الكافرين و الجاحدين ١.

١ - يوم الحسين عليه السلام، فصل الشعائر الحسينيه، ص ٩٨.

از محضر آیت الله العظمی مظاهری رحمته الله علیه

ریاست محترم حوزه علمیه اصفهان حضرت آیت الله العظمی شیخ حسین مظاهری رحمته الله علیه در پاسخ سؤال کننده‌ای درباره زیارت عاشورا و سند آن فرموده‌اند :

بسمه تعالی

سند زیارت عاشورا معتبر است و بزرگان دین همه آن را از زیارات معتبره می‌دانسته‌اند و زیارت همین طوری که در مفاتیح آمده است در کتب ادعیه نظیر: «زادالمعاد، اقبال، مصباح کفعمی، مصباح المتهدجد و کامل الزیارات» آمده است. و این زیارت از اول تا آخر بدون جمله‌ای زیاد یا کم نزد بزرگان تشیع معتبر است و از امتیازات این زیارت این است که دو رکن تشیع یعنی تولی و تبری را دارد و ادعای کم یا زیاد در این زیارت یک ادعای بلا دلیل، بلکه یک خرافات است.^۱

۱ - زیارت عاشورا، میراث جاودان عاشورا، ص ۴۵۴ و سند آن به دست خط معظم له در سند شماره ۴ صفحه ۵۳۴ آمده است.

فصل نهم:

کتابشناسی زیارت عاشورا

تحريفات و تصحيقات پيرامون زيارت عاشورا

کتابشناسی زیارت عاشورا^۱

زیارت عاشورا ارزنده‌ترین زیارت امام حسین (علیه السلام) است که از صدور آن دوران امامت امام باقر (علیه السلام) تاکنون، مورد توجه شیعیان و ارادتمندان ساحت قدس حسینی بوده است.

عنایت عالمان و دانشمندان به این زیارت باعث شده که ده‌ها ترجمه و شرح عربی و فارسی بر آن نگاشته شود، یا درباره سند آن و آداب خواندندش پژوهش‌هایی انجام گیرد، که در این فصل کتاب‌های چاپی عربی و فارسی و کتب خطی عربی و فارسی و اردو را معرفی می‌نماییم. و تا حد امکان از نسخه‌های خطی آنها در کتابخانه‌های مختلف نشانی داده شده است.

الف. کتاب‌های چاپی عربی

۱) ذخیره العباد لیوم المعاد، از مؤلفی ناشناخته،

شیخ نصرالله شبستری در اللؤلؤ النضید می‌نویسد: این کتاب به چاپ رسیده است.^۲

۲) رساله (شرح تایعت) فی زیارة عاشورا

تألیف: سید میرمحمدباقر حسینی استرآبادی معروف به میرداماد (م ۱۰۴۱ق)

۱ - حقیر کتابی مستقل با ۲۵۶ عنوان در این زمینه با نام کتابشناسی زیارت عاشورا تألیف نموده‌ام.

۲ - اللؤلؤ النضید، ص ۳۸؛ الذریعه، ج ۱۰، ص ۱۶.

این رساله در شرح کلمه (تابعث) در زیارت عاشورا و اثبات صحیح بودن (تابعث) است.^۱

۳) رساله فی زیارة العاشوراء و کیفیتها

تألیف : سید محمدباقر اصفهانی (حجه الاسلام شفتی) (۱۱۶۰ - ۱۲۶۰ق)
این رساله در ضمن مجموعه (سؤال و جواب) در کتابخانه سپهسالار
جدید موجود است.^۲

۴) رساله فی کیفیت زیارة العاشوراء

تألیف : مولی محمد بن محمد اشرفی مازندرانی (م ۱۳۱۵ق)،
ایشان از شاگردان زبده حجت الاسلام شفتی (ره) می باشند .
متن این سؤال و جواب مفصل ، در ضمن مجموعه سؤال و جواب مرحوم اشرفی
با نام «شعائر الاسلام من الحلال و الحرام» به چاپ رسیده است.

۵) زیارة عاشورا و آثارها العجیبة

-
- ۱ - شفاء الصدور، ج ۲، ص ۴۳۰؛ الذریعه، ج ۱۳، ص ۱۳۲.
 - ۲ - الذریعه، ج ۱۲، ص ۷۹، ش ۵۴۷؛ فهرست کتابخانه سپهسالار، ج ۱، ص ۴۲۳، و ص ۵۰۹؛ روضات الجنات، ج ۲، ص ۱۰۱.
 - ۳ - شفاء الصدور، ج ۲، ص ۴۳۰. الذریعه، ج ۳، ص ۳۰۸ و ج ۴، ص ۱۹۱ شعائر الاسلام را چنین معرفی می کند : مجموعه ای است مفصل مشتمل بر ابواب فقهی به صورت سؤال و جواب و شرح حال مؤلف در کتاب علمای معاصرین تألیف ملا علی واعظ خیابانی، ص ۶۲ - ۶۴ ذکر شده است .

تألیف : سیدعلی موحد ابطحی اصفهانی، بیروت: مؤسسۀ الغدیر ، ۱۴۲۰ ق ، ۱۹۹۹ م ، ۶۵ صفحه ، قطع وزیری .

ترجمه این کتاب به نام «زیارت عاشورا و آثار شگفت آن» چاپ اول آن در قم در سال ۱۳۷۰ ش ، توسط انتشارات امیر ، به زیور طبع آراسته شده است .

۶) شرح زیارة عاشورا^۱

تألیف : میرزا ابوالمعالی کلباسی اصفهانی فرزند محمد ابراهیم (م ۱۳۱۵ق)، این کتاب ، شرح بعضی از جمله‌های زیارت عاشورا و احکام حرم امام حسین علیه السلام و حدود حایر و احکام تربت امام حسین علیه السلام است^۲. انتشارات دارالصدیقه الشهیده علیه السلام ، قم ، چاپ اول، ۱۳۸۶ ش، ۲۹۶ صفحه ، قطع : وزیری به چاپ رسیده است.

۷) شرح زیارة العاشوراء

تألیف : مرحوم ملاحیبب الله کاشانی (۱۲۶۲ - ۱۳۴۰ق) ،

۱- جلد دوم از موسوعه شروح زیارت عاشورا به تصحیح و تدوین و تحقیق «شرح زیارت عاشوراء» تألیف ابوالمعالی کلباسی از عالمان سده چهاردهم اختصاص یافته است. هدف این موسوعه گردآوری و انتشار همه شرحها، تعلیقه‌ها و پژوهشهای مربوط به این زیارت ارزشمند است. در شرح حاضر از دیدگاه فقهی، جنبه‌ها، آموزه‌ها و معارف زیارت عاشورا در ۲۷ تنبیه ارائه شده و علاوه بر متن‌شناسی و توضیح مضامین به جنبه‌های سندی و راویان و دیگر مجموعه زیارتنامه‌ها هم توجه شده است. نویسنده با نقل و بررسی آراء صاحب المصباح و مجلسی و دیگر عالمان شیعه از محتوای زیارت، شرایط و آداب و فضیلت زیارت عاشورا بحث کرده است.

۲- الذریعه، ج ۱۲، ص ۷۹، ش ۵۴۶ و ج ۱۳، ص ۳۰۸، ش ۱۱۲۹؛ شفاء الصدور، ج ۲، ص ۴۳۱.

این کتاب با تحقیق : نزارالحسن (قم ، دارالانصار ، ۱۳۸۱ش) در ۱۱۸صفحه در قطع وزیری چاپ شده است . و همچنین : نشر: جلال الدین ف چاپ سوم، ۱۳۸۳ش، ۱۲۰ صفحه ، قطع : وزیری.

۸) اللؤلؤ النضید فی شرح زیارة مولینا أبی عبدالله الشہید (علیه السلام)

تألیف : حاج شیخ نصرالله شبستری تبریزی (م بعد از ۱۳۵۹هـ)
این اولین کتاب مؤلف است.^۱

قم ، انتشارات امام مهدی (علیه السلام) ، چاپ دوم، ۱۳۶۵ ش، ۲۵۸ صفحه، جیبی.

۹) زیارة عاشورا سنداً و مکانة^۲ ،

تالیف : جعفر سبحانی، موسسه الامام الصادق (علیه السلام) قم ، چاپ اول، ۱۴۳۰ ق ،
۸۰ صفحه ، قطع : جیبی .

۱۰) - زیارة عاشورا تحفة من السماء ،

سید عباس حسینی . نشر : موسسه الامام الرضا (علیه السلام) قم، ۱۴۳۱ق.

۱ - الذریعه، ج ۱۸ ، ص ۳۸۷ ، ش ۵۶۶؛ فهرست آستان قدس، چاپ قدیم، ج ۶، ص ۳۴۴ و ۳۴۵؛ شفاء الصدور، ج ۲، ص ۴۳۳.

۲ - تحقیقی است درباره سند و اعتبار «زیارت عاشورا» و جایگاه ویژه آن نزد شیعیان. در این تحقیق حجیت زیارت عاشورا نزد علمای قدیم و قوی بودن اعتبار آن به جهت شهرت عملی مورد بررسی قرار گرفته و دیدگاه علمایی مانند شیخ طوسی و ابن قولویه درباره اسناد روایی این زیارت منعکس گردیده است. نگارنده معتقد است اگر چه سند روایت مربوط به زیارت عاشورا به دیدگاه برخی از علما ضعیف است اما شهرت عملی علمای شیعه بر مواظبت و مداومت بر این زیارت ضعف سند آن را جبران نموده است. وی پنج سند برای زیارت عاشورا نقل کرده است .

و همچنین نشر مؤسسه زین العابدین (علیه السلام) و فاروس ، چاپ اول ، ۱۳۹۶ ش ، ۳۹۲ صفحه، قطع وزیری .

(۱۱) معرفة الحسين (علیه السلام) فی زیارة الحسين (علیه السلام)، آشنایی با زیارت عاشورا، محمود کامل، نشر: مروای مهر، چاپ اول ، ۱۳۹۵ ش.

(۱۲) زیارت کامله عاشورا ، تجمیع و تحقیق روایة صفوان بن مهران جمال فی زیارة امیرالمؤمنین (علیه السلام) ،

ناشر : ولایت ، ۱۳۹۴ ش ، چاپ اول ، ۵۴ صفحه ، جیبی .

(۱۳) شرح زیارة عاشوراء دور الرضیع فی کربلاء ،

تألیف : سیدجلال حسینی اشرفزاده .

ناشر : طوبای محبت ، چاپ اول، ۱۳۹۵ ش ، ۲۸۶ صفحه ، قطع وزیری .

(۱۴) زیاره عاشوراء: دراسة السند ... و تحلیل المضمون ،

۱ - در این پژوهش از لحاظ سندی، روایی و رجالی، تحقیقی در مورد صحت سند «زیارت عاشورا» صورت گرفته است. نویسنده با توجه به تشکیک‌هایی که از سوی برخی از عالم شیعه در مورد سند زیارت عاشورا صورت گرفته، به دفاع از این زیارت پرداخته و شبهات مطرح شده در مورد سند و مفاد آن را مطرح و پاسخ گفته است. وی توثیق رجال بزرگ حدیث مانند نجاشی، شیخ طوسی و آیت الله سیدابوالقاسم خوبی در مورد سند این زیارت و وجود راویان مطمئن و موثق در سند زیارت عاشورا و برخی از مناقشات صورت گرفته در سند آن را به صورت مفصل مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و ضمن مقایسه نظریه‌های مختلف در سند این زیارت پنج سند و طریق که وی آن‌ها را معتبر شمرده است در اثبات صحت سند مطرح کرده و دیدگاه‌های علمای بزرگ حدیث شیعی را نیز در مورد این اسناد منعکس نموده است.

تألیف : جعفر تبریزی

ناشر: دار الصدیقه الشهیده، چاپ اول، ۱۳۹۰ش، ۲۹۴ صفحه، رقعی

(۱۵) الكنز المخفی: دراسه فی زیاره عاشورا ،

مؤلف:عبدالنبی عراقی

ناشر: دار الصدیقه الشهیده، چاپ اول، ۱۳۸۶ش ، ۲۸۰ صفحه ، وزیری

(۱۶) اضواء علی زیاره عاشوراء ، مؤلف:علی حیدر موید

ناشر: مکتبه الحیدریه، چاپ اول، ۱۳۸۵ش ، ۲۸۸صفحه ، وزیری.

(۱۷) زیاره عاشورا فوق الشبهات ، مؤلف : جواد تبریزی

ناشر: دار الصدیقه الشهیده ، چاپ اول ، ۱۳۸۵ش ، ۸۸ صفحه ، رقعی.

ب . کتاب‌های چاپی فارسی

(۱) آثار و برکات زیارت عاشورا ، عباس عزیزی ،

قم ، انتشارات سلسله ، چاپ نهم ، ۱۳۷۸ ش، ۶۴ صفحه ، رقعی .

۱ - موسوعه گسترده‌ای است در زمینه شروح، تعلیقات و پژوهش‌های مربوط به زیارت عاشورا. در این جلد متن الكنز الخفی نوشته عبدالنبی عراقی در شرح مضامین و معارف زیارت عاشورا تصحیح و به همراه مقدمه و تعلیقات تدوین یافته است. کتاب در یک مقدمه و ۲۵ مقصد و یک خاتمه که عموماً در شرح آموزه‌های شیعی و سیاسی و اخلاقی این زیارت است سامان یافته و از جمله درباره آداب زیارت، ادب حضور ائمه، شرایط و آثار زیارت و کرامات زیارت امام حسین علیه السلام بحث شده است.

- (۲) بررسی اسناد زیارت عاشورا، آیت الله العظمی شیخ جعفر سبحانی^۱.
- (۳) پرتویی از زیارت عاشورا، سید محمود حسینی (سیاهپوش).
تهران: نشر ابجد، ۱۳۵۷ ش، ۳۰ صفحه، رقعی.
- (۴) تحلیلی از حماسه سیاسی، تاریخی زیارت عاشورا، محمدرسول دریایی^۲،
تهران: انتشارات جعفری و اسلامی، ۱۳۷۱ ش، ۵۵۸ صفحه، وزیری.
- (۵) الدر المنصور فی شرح زیارة العاشور
میرزا احمد بن عبدالرحیم، معروف به میرزا آقا تبریزی، تبریز: ۱۳۸۰ق،
۲۵۲ صفحه، قطع رقعی.
- (۶) الدرّة البيضاء فی شرح زیارة العاشورا، حاج سید عزیزالله امامت کاشانی^۳،
کاشان، مجمع متوسلین به آل محمد صلی الله علیه و آله، چاپ اول، ۱۳۷۸ ش،
۵۶۴ صفحه، وزیری.

-
- ۱ - این نوشتار در مجموعه مقالات ایشان به نام سیمای فرزندگان، ج ۲، ص ۴۹۵-۵۰۶ مندرج است.
- ۲ - مؤلف محترم کتاب، در ۴۰ فصل و به شرح مفصل فقرات و جملات زیارت عاشورا از دیدگاه تاریخی پرداخته و آن را با احادیث و اشعار فراوان و نقل اقوال نویسندگان اهل سنت درآمیخته است.
- ۳ - این رساله (۳۵۰ صفحه) به همراه رساله فضائل اهل بیت علیهم السلام و ثواب زیارت سیدالشهدا علیه السلام و رساله‌ای درباره امامزادگان معتبر، و رجال مدفون در کاشان (۲۰۰ صفحه) به چاپ رسیده است.

۷) درس هایی از زیارت عاشورا ، جواد محدثی، تهران : دارالحدیث ، ۱۳۷۸ ش ، ۷۳ صفحه ، رقعی .

بوستان کتاب قم، چاپ هشتم، ۱۳۹۴ش، ۶۶صفحه ، رقعی .
این کتاب به زبان اردو ترجمه و منتشر شده است .

۸) زیارت در پرتو ولایت (شرح زیارت عاشورا) ، زهره صفاتی،
قم ، مجمع علوم دینی حضرت ولی عصر علیه السلام ، ۱۹۵ صفحه ، رقعی.

۹) زیارت عاشورا ، تنظیم : سیدرضا موسی کاظم نائینی ،
قم ، دارالنشر اسلام، ۱۳۷۸ش، ۵۶صفحه ، جیبی.

۱۰) زیارت عاشورا ، غلامرضا ناقلی،

مشهد ، بنیاد مستضعفان خراسان، ۱۳۶۴ ش، ۹۸ صفحه .

۱۱) زیارت عاشورا و آثار معجزه آسای آن ، علی اکبر مهدی پور^۱
قم ، انتشارات رسالت، ۱۳۷۵ ش، ۶۴ صفحه ، قطع جیبی .

۱۲) زیارت عاشورا و آثار شگفت، سیدعلی موحد ابطحی اصفهانی^۲،
قم ، مؤلف، ۱۴۱۵ق، ۱۰۰ صفحه ، قطع جیبی .

۱ - در این رساله از زیارت امام حسین علیه السلام و آثار آن، ایام زیارتی، زیارت عاشورا و ثواب آن، مداومت بر آن و آثار شگفت آن و ده داستان، اسناد و منابع زیارت عاشورا، چند نکته پیرامون زیارت عاشورا و آداب زیارت عاشورا بحث شده است.

۲ - این کتاب، به عربی ، اردو ، فرانسه و روسی ترجمه شده است .

۱۳) زیارت عاشورا و آثار معجزه آسای آن ، ناصر رستمی لاهیجانی ، قم ، مجمع ذخائر اسلامی، ۱۳۷۰ش، ۳۵۹ صفحه ، رقعی .

و همچنین: نشر اشکر، چاپ اول، ۱۳۸۳ش، ۴۴۰ صفحه، وزیری.

۱۴) شرح زیارت عاشورا، آیت الله حاج سیداحمد میرخانی تهرانی (۱۳۳۰ق - ۱۴۱۴ق، مهرماه ۱۳۷۲ش)^۱

تهران ، مکتب ولی عصر و مؤسسه فرهنگی نشر سها، ۱۳۷۴ ش، ۹۷۰ ص، وزیری. و همچنین انتشارات شمس الضحی ، چاپ سوم، تابستان ، ۱۳۸۹ ش، ۸۸۸ صفحه ،

۱۵) شرح زیارت عاشورا ، مولی عبدالرسول نوری فیروزکوهی (م بعد ۱۳۲۰ق)^۲،

این کتاب ، همراه با چند رساله دیگر از مؤلف به سال ۱۳۲۱ق، در تهران به چاپ رسیده است .

۱۶) شرح و ترجمه زیارت عاشورا ، حسن شمس ، گیلانی ، تهران ، ۱۳۶۹ش، ۱۴۷ صفحه ، رقعی .

۱ - این کتاب، در ۵۱ مجلس به سامان رسیده و به شرح مفصل زیارت از دیدگاه کلامی، تاریخی، حدیثی و ادبی پرداخته است.

۲ - الذریعه ، ج ۱۳، ص ۳۰۸ ؛ گنجینه دانشمندان، ج ۶ ، ص ۱۲۵؛ فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی ، ج ۶، ص ۳۳۲ نوشته است : ایشان از شاگردان صاحب فصول و میرزا ابوالقاسم کلانتری بوده است .

۱۷) شرح یک حماسه (نگاهی کوتاه به زیارت عاشورا)، سیدمهدی حسینی زاده تهران، مرکز آفرینش‌های ادبی هنری بنیاد قرآن، ۱۳۸۱ ش، ۱۴۰ صفحه، خشتی.

۱۸) شفاء الصدور فی شرح زیارة العاشور

حاج میرزا ابوالفضل تهران کلانتر (۱۲۷۳ - ۱۳۱۶ ق)، تحقیق و تکمله : سیدعلی موحد ابطحی اصفهانی،

قم: چاپ سیدالشهدا، ۱۳۶۸ ش، ۲ ج، ۴۴۰ و ۴۱۵ صفحه، وزیری .

و همچنین با تحقیق صادق حسن زاده در انتشارات نبوغ، در ۶۶۴ صفحه چاپ اول آن در سال ۱۳۹۱ شمسی در یک جلد به زیور طبع آراسته گردیده است .

۱ - مؤلف، این شرح را - که گسترده‌ترین و پرفایده‌ترین شرح زیارت عاشورا است - در عصر روز عاشورای ۱۳۰۹ ق، در سامرا به پایان رسانیده و مورد تأیید و تمجید مرحوم آیت الله العظمی میرزای شیرازی نیز قرار گرفته است . این کتاب، بارها در بمبئی، تهران و قم به چاپ رسیده و مورد اعتنا و اعتماد محدثان و مورّخانی مانند:

حاج میرزا محمد ارباب قمی در اربعین الحسینیه و حاج شیخ عباس قمی در منتهی الآمال هم قرار گرفته است.

مؤلف بزرگوار، این کتاب را سرشار از فواید گوناگون کلامی، تفسیری، حدیثی، تاریخی، لغوی، ادبی، فقهی و رجالی ساخته و با نهایت دقت و ژرف نگری مطالب را پیگیری کرده و مدّعی خویش را به اثبات می‌رساند .

۱۹) شور عاشوائیان ، (ترجمه منظوم زیارت عاشورا) سروده :
عبدالحسین اشعری قمی ،

قم ، مرکز فرهنگی انصار المهدی ، ۱۳۷۸ش ، ۳۰ صفحه ، جیبی .
۲۰) کنز مخفی ، شیخ عبدالنبی نجفی عراقی (اراکلی) (۱۳۰۸ - ۱۳۸۷ ق) ،
تهران ، ۱۳۷۱ق ، به اهتمام یوسف بوعلی احساسی ، ۱۲۰ صفحه ، وزیری .
و همچنین این کتاب با تحقیق: ناصر باقری بیدهندی، انتشارات مقدس
جمکران، در سال ۱۳۹۲ش به زیور طبع آراسته گردیده است .

۲۱) المصباح والنور در شرح زیارت عاشورا ، میرزا محمد توتونچی
تبریزی (م۱۳۹۸ق) ،

نویسنده دارای شرح‌هایی است بر زیارت جامعه، دعای ندبه و خطبه شقشقیه .
چاپ تبریز، ۱۳۹۲ق، ۸۷ صفحه ، رقعی.

۲۲) نور علی نور فی آداب زیارة العاشور ، میرزا حبیب الله بن شیرمحمد
همدانی^۱،

بمبئی ، ۱۳۲۰ ق، ۲۴۲ صفحه ، رقعی.

۲۳) زیارت عاشورا و داستان‌های آن ، مهدی رئیسی ،

۱ - الذریعه ، ج ۲۴ ، ص ۳۷۱ ؛ فهرست کتاب‌های چاپی فارسی مشار ، ج ۵ ، ص ۵۳۳۵ ؛
فهرست کتاب‌های چاپی فارسی ، بنگاه ترجمه و نشر کتاب ، ج ۲ ، ستون ۳۳۲۲ .

قم ، انتشارات مشهور (میراث ماندگار) ، چاپ سوم، ۱۳۸۵ ش ،
۲۴۰ صفحه ، جیبی.

(۲۴) نجوای آسمانی ، احمد ابراهیمی هرستانی ،

قم ، انتشارات خادم الرضا (علیه السلام) ، چاپ اول، ۱۳۹۱ ش، ۳۵۲ صفحه وزیری .

(۲۵) سلام بر خورشید ، نگاهی نو به زیارت عاشورا ، مهدی خدامیان آرانی
قم ، انتشارات وثوق ، ۱۳۹۱ ش ، ۱۲۶ صفحه .

(۲۶) میزان تشیع ، بررسی سند، محتوا، و نسخه‌های زیارت عاشورا ،
محمد عندلیب همدانی، به کوشش : احمد نباتی،

قم ، انتشارات مسجد مقدس جمکران ، چاپ اول، تابستان ۱۳۹۲ ش ،
۳۱۰ صفحه ، وزیری .

(۲۷) شرح موضوعی زیارت عاشورا ، روح الله بیدرام ،

اصفهان، انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه اصفهان ، چاپ اول، مهرماه
۱۳۹۵ ش. کتاب فوق در سه جلد که جلد اول آن در ۴۸۶ صفحه، به زیور
طبع آراسته گردیده است .

(۲۸) منشور نینوا ، مجید حیدری فر ،

قم ، انتشارات مسجد مقدس جمکران ، چ چهارم ، زمستان ۱۳۸۸ ش ،
۵۳۵ صفحه ، وزیری.

۲۹) ابعاد زیارت عاشورا و رفع برخی از شبهات ، آیت الله حاج شیخ حسین کریمی^۱،

قم ، نشر مرکز فقهی ائمه اطهار (علیهم السلام) ، چاپ اول، ۱۳۸۷ش ، ۱۳۲ صفحه ، رقعی .

۳۰) فقه نینوا ، پرسش و پاسخ پیرامون زیارت عاشورا و کیفیت آن^۲، آیت الله سید محمدباقر شفتی ، تحقیق: مرکز تحقیقات کتابخانه مسجد سید ، اصفهان، نشر بامداد امید، چاپ اول، ۱۳۹۴ ش، ۵۲۸ صفحه.

۳۱) طرحی نو از زیارت عاشورا ، پژوهشی نو در ابعاد مختلف زیارت عاشورا ، اسماعیل کاظمی زرومی ،

انتشارات مهر فاطمه (علیها السلام) ، چاپ اول ناشر، ۱۳۹۰ش، ۳۲۸ صفحه ، وزیری.

۳۲) داستانهای شگفت انگیز از زیارت عاشورا و تربت سیدالشهدا (علیه السلام) ، حیدر قنبری،

ناشر : فاتح خیبر ، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۴ ش ، ۱۶۰ صفحه ، رقعی.

۱ - کتاب فوق شبهات مربوط به سند یارت عاشورا به صورت بسیار دقیق و فنی پاسخ داده شده و معظم له اثبات فرموده‌اند که این زیارت حتی با صد لعن و صد سلام ، معتبر و دارای سندی صحیح و قابل اعتماد می‌باشد .

۲ - در پایان این کتاب دو رساله به زبان عربی از آثار ارزشمند علامه حاج سید اسدالله شفتی اصفهانی، فرزند محمدباقر شفتی ضمیمه گردیده یکی پیرامون زیارت عاشورا و کیفیت آن و دیگری درباره محدوده حائر حسینی (علیه السلام).

- (۳۳) زیارت عاشورا میراث جاودان عاشورا ، سید ملک محمد مرعشی ، نشر راه نیکان ، چاپ اول ، ۱۳۹۲ ش ، ۶۹۹ صفحه ، وزیری .
- (۳۴) شرحی بر زیارت عاشورا، حسین علی مصدقیان .
- (۳۵) زیارت عاشورا در زندگی حضرت آیت الله صافی اصفهانی (ره) ناشر: صاحب الامر(عج)، چاپ اول ، ۱۳۸۸ ش ، ۵۲ صفحه ، جیبی .
- (۳۶) زیارت عاشورا فوق الشبهات ، میرزا جواد تبریزی ، قم ، دارالصدیقه الشهیده ، ۱۳۸۴ ش .
- (۳۷) زیارت عاشورا و داستانهای شگفت آن، حیدر قنبری ، قم، مهدی یاری، ۱۳۸۰ ش . رقی .
- (۳۸) بررسی و تحلیل پیرامون زیارت عاشورا ، حسن اسدی ، تهران، آدینه سبز، ۱۳۸۵ ش ؛ و همچنین نشر راه نیکان، چاپ اول، ۱۳۹۳ ش، ۲۷۲ صفحه، وزیری .
- (۳۹) بررسی کوتاه پیرامون زیارت عاشورا ، سید محمد حسینی ، نشر و فرهنگ اسلامی ، ۱۳۶۴ ش .
- (۴۰) زیارت عاشورا و داستانهای شگفت آن، مترجم: سید حمید عادی ، قم ، نشر دارالغدیر، چاپ دوم، ۱۳۷۹ ش .
- (۴۱) شرح نوین زیارت عاشورا، همراه با پیامها و رازها ، سید حمید فتاحی . نشر میرفتاح ، قم، چاپ دوم ، ۱۳۸۱ ش، ۲۶۸ صفحه ، رقی .
- (۴۲) ترجمه و شرح زیارت عاشورا ، احمد نظری ،

- قم ، نشر معصومین ، چاپ اول، ۱۳۸۷ ش، ۶۸ صفحه ، رقعی .
- نشر عصر جوان، چاپ اول، ۱۳۸۸ ش، ۸۸ صفحه ، رقعی .
- ۴۳) شرح و بررسی صفات فعلی حق در زیارت عاشورا ، زهره احمدی ،
قم، ناشر: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی، چاپ دوم ، ۱۳۹۵ش
، ۲۱۵ صفحه ، رقعی.
- ۴۴) ترجمه و شرح زیارت عاشورا (تلخیص و نظری تازه بر کتاب شفاء
الصدور فی شرح زیارة العاشورا)، حسین ثقفی تهرانی،
تهران، ناشر : هاد، وزیری، ۶۶۶ صفحه.
- ۴۵) شرح زیارت عاشورا ، نگرشی عرفانی، تاریخی ، اجتماعی و سیاسی
، علی اصغر عزیزی تهرانی ،
قم، دارالصادقین، چاپ چهارم ، ۱۳۸۱ش ، ۲۴۸ صفحه ، وزیری.
- ۴۶) پژوهشی در سند و محتوای زیارت عاشورا ، بهروز یدالله پور ،
نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، دفتر نشر معارف ، چاپ
اول، ۱۳۸۴ ش، ۱۲۰ صفحه ، رقعی .
- ۴۷) شرح مأثور بر زیارت عاشورا، شیخ عین الله حسینی .
نشر: شاکر ، چاپ اول، ۱۳۹۲ش، ۵۰۰ صفحه، وزیری .
- ۴۸) فرازهای عاشورا ، شرح فرازهایی از زیارت عاشورا، ابوالفضل هادی منش .
نشر: بهار دلها ، چاپ سوم، ۱۳۹۳ش، ۱۱۲ صفحه ، رقعی .

- ۴۹) اسرار عاشقان و مقامات عارفان در زیارت عاشورا، مرتضی زاهدی ،
موسسه فرهنگی و هنری صابره .
- ۵۰) آوای ملکوتی ، ۴۰ پیام از زیارت آسمانی عاشورا، سید سلیمان علوی ،
تهران ، نشر وثوق، ۱۳۸۵ش، ۲۰۰ صفحه .
- ۵۱) کیمیای وصل، سیری در معارف زیارت عاشورا بر اساس نسخه سید
علی آقا قاضی به قلم جعفر صالحان در دو جلد،
ناشر: تراث، ۱۳۹۴ش ، ۸۳۱ صفحه، وزیری .
- ۵۲) ساغر سرخ ، ترجمه و شرح مختصر زیارت عاشورا ، مجید سینایی
، کانون علمی پژوهشی حضرت ابوطالب (علیه السلام) ،
چاپ اول، ۱۳۹۷ش، ۱۵۲ صفحه.
- ۵۳) ضیافت بلا ، مقامات سلوکی در زیارت عاشورا ، چاپ هشتم، سید
محمد مهدی میرباقری،
نشر تمدن نوین اسلامی ، ۱۳۹۷ش ، ۲۰۸ صفحه .
- ۵۴) شرح زیارت عاشورا، سعید هاشمی ایلامی ،
قم ، براق، ۱۳۸۷ش، ۳۹۶ صفحه ، رقعی .
- ۵۵) دانشگاه حسینی، شرح زیارت عاشورا ، محمود هادی لجین .
ناشر: یاران ، چاپ اول، ۱۳۸۶ش، ۱۵۲ صفحه ، وزیری .
- ۵۶) زیارت عاشورا (تحقیق پیرامون زیارت عاشورا و کیفیت آن) ، سید
محمد رضا غیاثی کرمانی ،

ناشر: الجماعه المدرسین بقم المشرفه، مؤسسه النشر الاسلامی، (عربی، فارسی) چاپ اول، ۱۱۲ صفحه، ۱۳۹۰ش، جیبی.

۵۷) نجوای سرخ، شرحی بر فرازهایی از زیارت عاشورا، (مجموعه سخنرانی‌هایی مرحوم حجت الاسلام شیخ علی محقق طوسی)، به اهتمام: سید مهدیار بامشکی، انتشارات دلیل ما، وزیری.

۵۸) شرح زیارت عاشورا، مفید بن محمد نبی الشیرازی، (م ۱۲۵۱-۱۳۲۵ق)، تحقیق و تنظیم: محمد حسین درایتی، پژوهشکده باقر العلوم (علیه السلام)، ۱۳۹۴ش.

۵۹) نگاهی به زیارت عاشورا، سیروس مختاری، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۸۱ش، ۶۸ صفحه، رقعی.

۶۰) زیارت عاشورا در نگاهی دیگر، با نگاهی به مستندات تاریخی و حدیثی، غلامرضا حیدری ابهری، انتشارات جمال، ۱۰۴ صفحه، ۱۳۹۲.

۶۱) ثواب قرائت زیارت عاشورا، عباس عزیزی،

ناشر: صلاه، چاپ اول، ۱۳۹۷، ۳۲ صفحه، جیبی.

۶۲) معجم زیارت عاشورا، فرهنگ الفبایی متن زیارت عاشورا، یوسفعلی یوسفی،

انتشارات کوثر غدیر، چاپ اول، ۵۶ صفحه، ۱۳۹۷ش، رقعی.

۶۳) عطر سیب سرخ، پژوهشهایی پیرامون زیارت عاشورا،

- ناشر: سردار شهید طوسی، چاپ دوم، ۱۳۹۷، ۲۲۰ صفحه.
- ۶۴) فضائل زیارت عاشورا، قربان محمد زاهدی،
ناشر: ضریح آفتاب، ۱۳۹۷ش، ۱۷۶ صفحه.
- ۶۴) سیری در زیارت عاشورا، از سلسله درسهای استاد سید خاموشی (طاهایی)،
مؤلف: فاطمه طاهایی،
ناشر: نامه نرجس، چاپ اول، ۱۳۹۷، ۲۵۲ صفحه، رقعی.
- ۶۵) این گونه زیارت عاشورا بخوانیم، سید محمد تقی قادری،
ناشر: کوثر کویر، ۱۳۹۴، ۱۷۵ صفحه.
- ۶۶) زیارت عاشورا اتحاد روحانی با امام حسین (علیه السلام) اصغر طاهرزاده،
انتشارات لب المیزان، چاپ پنجم، ۱۳۹۳ش، ۱۳۶ صفحه، رقعی.
- ۶۷) زمزمه قدسیان (شرحی بر زیارت عاشورا)، سید حسن منتظرین،
انتشارات دلیل ما، ۱۳۹۳، ۶۰۰ صفحه، وزیری.
- ۶۸) تدبر در زیارت عاشورا و دعای عهد، محمد نظری،
ناشر: مؤلف، ۱۳۹۶ش، ۹۶ صفحه.
- ۶۹) زیارت عاشورا و ۴۰ نکته از زیارت عاشورا، محمد فربودی،
انتشارات: بقیة الله (علیه السلام)، چاپ دوم، ۱۳۸۴ش، ۶۴ صفحه، جیبی.
- ۷۰) زیارت عاشورا با ترجمه و توضیحات لغوی، ادبی و تاریخی، حمید مستفید،
ناشر: بنیاد قرآن و عترت، (عربی و فارسی)، چاپ اول، ۱۳۸۴ش، ۸۰ صفحه، جیبی.
- ۷۱) شرحی کوتاه بر زیارت عاشورا، مهدی ملکوتی فر،
ناشر: شادیاخ، چاپ سوم، ۱۳۹۷ش، ۱۶۰ صفحه، رقعی.
- ۷۲) بررسی منابع و شرح فرازهای زیارت عاشورا، احمد آقاداتی،
انتشارات کومه، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۸ش، ۱۷۶ صفحه، وزیری.
- و همچنین چاپ اول، انتشارات دلیل ما، سال ۱۳۹۰ش، در ۲۰۸ صفحه.

- ۷۳) زیارت عاشورا بر اساس ۴ روایت، شامل زیارت عاشورای معروف و غیر معروف و امام حسین (علیه السلام) و ...،
ناشر: مهدی طرازنده، چاپ اول، ۱۳۹۳ ش.
- ۷۴) زیارت عاشورا در سیره فقها و بزرگان، پدیدآورنده: ایوب نجفی سردرودی،
ناشر: آوای منجی، چاپ سوم، ۱۳۹۵ ش.
- ۷۵) زیارت عاشورا در میرات مکتوب شیخ طوسی (ره)، مولف: علی لباف، مترجم حمید رضا مستفید
انتشارات منیر، چاپ اول، ۱۳۹۳ ش، ۸۰ صفحه، قطع رقی. .
- ۷۶) زیارت عاشورا منزلگاه انتظار وبلا، مجید جعفر پور،
قم، انتشارات: بیت الاحزان، چاپ اول، ۱۳۹۳ ش، ۱۷۶ صفحه، رقی. .
- ۷۷) زیارت عاشورا در میرات مکتوب شیخ طوسی و علامه حلی (قدس سرهما)، مولف: علی لباف، مترجم حمید رضا مستفید
نشر آفاق، چاپ اول، ۱۳۹۲ ش، ۸۷ صفحه، رقی. .
- ۷۸) حدیث عشق، تفسیر کامل زیارت عاشورا، پری سادات آسیایی
صحنه (امامی)،
ناشر: نظری، چاپ دوم، ۱۳۹۶ ش، ۳۵۲ صفحه، قطع رقی. .
- نشر: مکعب، چاپ اول، ۱۳۸۸ ش، ۲۸۰ صفحه، وزیر. .
- ۷۹) عاقلانه گریستن، شرحی بر زیارت عاشورا، ابوالقاسم جعفری،
ناشر: دعوت، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۶ ش، ۱۷۶ صفحه، رقی. .

- ۸۰) معراج آیه‌ها، نگاهی به زیارت عاشورا، هادی عباسی خراسانی،
ناشر: باران حکمت، چاپ اول، ۱۳۹۶ش، ۱۶۰ صفحه، رقعی.
- ۸۱) زیارت کامله عاشورا، بازسازی و تحقیق روایت صفوان بن مهران
جمال در زیارت امیرالمؤمنین (علیه السلام) زیارت ششم،
ناشر: ولایت، چاپ اول، ۱۳۹۵ش، ۸۰ صفحه، جیبی.
- ۸۲) نغمه‌های شیدایی، شرحی منظوم بر زیارت عاشورا، زیارت جامعه
کبیره، دعای عهد و مناجات امام علی (علیه السلام)، سید مهدی مهدوی زاده،
نشر روح، ۸۰ صفحه، ناشر: شهیدین زین الدین، چاپ اول ۱۳۸۳ش، ۸۰ صفحه،
رقعی.
- ۸۳) بررسی سند زیارت عاشورا، مؤلف: جعفر تبریزی
ناشر: دارالصدیقه الشهیده، چاپ چهارم، ۱۳۹۷ش، ۳۰۴ صفحه، رقعی.

ج. کتاب‌های خطی عربی

- ۱) تحقیق فی زیارة العاشوراء، حسن بن ابراهیم حسینی ساوجی (ق
۱۳)،
نسخه خطی آن (کتابت: ۱۲۸۶ ق) در کتابخانه مسجد اعظم قم موجود است.
- ۲) تذکرة الزائرین، سید ابو محمد حسن بن محمد طباطبایی ساروی^۱
(م ح ۱۳۵۱ ق)،

۱ - فهرست کتابخانه مجلس، ج ۱۲، ص ۸۳؛ شفاء الصدور، ج ۲، ص ۴۱۹.

این کتاب، شرح مختصر زیارت عاشورا بوده و نسخه خطی آن به شماره ۴۳۷۳ / ۷ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است. مؤلف، پس از این، شرح مفصل زیارت را به نام «صداق الحور» نگاشته است.

۳ (جنة السرور فی تحقیق کیفیت زیارة العاشور ، شیخ علی شریعتمدار استرآبادی تهرانی^۱ (م ۱۳۱۵ ق) ،

نسخه اصل به خط مؤلف آن در مجموعه شماره ۳۰۹۰/۳ کتابخانه آیت الله مرعشی موجود است .

مؤلف، این کتاب را خودش به نام «نتایج المأثور» ترجمه کرده است.

۴ (رساله فی روایة زیارة عاشورا ، سید نصرالله بن حسن حسینی،

نسخه خطی آن (مورخ: ۱۲۳۷ق) به شماره ۳ / ۲۵۲۷ در کتابخانه مسجد سپهسالار (شهید مطهری) موجود است.

۵ (الدرّة الحمراء فی شرح کیفیت زیارة العاشوراء

شیخ محمد شهداوی بن ابی الحسن نایینی مصاحبی^۲ (م ۱۲۷۸ق) ، تاریخ تألیف: ۱۲۶۹ ق،

۱ - الذریعه ، ج ۵ ، ص ۱۵۸؛ فهرست کتابخانه مرعشی، ج ۸ ، ص ۳۱۴ - ۳۱۵ .
۲ - فهرست کتابخانه، ص ۲۸۶؛ مکارم الآثار، ج ۶، ص ۲۲۳۱ . این رساله در مجموعه میراث حدیث شیعه دفتر بیستم با تحقیق: حجت الاسلام و المسلمین شیخ مهدی باقری سیانی به چاپ رسیده است.

نسخه خطی آن در مجموعه شماره ۶۹۷ (در ۴۴ صفحه جیبی) کتابخانه سید احمد صفایی خوانساری (اهدایی مقام معظم رهبری به کتابخانه آستان قدس رضوی) موجود است.

۶) رساله فی زیارة عاشوراء ، سید محمد علی بن میرزا محمدحسین شهرستانی حایری^۱،

۷) رساله فی زیارة عاشوراء ، میرزا محمدحسن بن محمدباقر هزار جریبی (۱۲۳۹ - ۱۳۰۰ق)

۸) رساله فی آداب زیارة العاشور ، شیخ محمدباقر اصطهباناتی (م ۱۳۲۶ ق)

نسخه خطی آن به شماره ۹ / ۴۳۷۳ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.

۹) رساله فی زیارة عاشوراء ، ملامحمدجعفر شریعتمدار استرآبادی تهرانی^۲ (۱۱۹۷ - ۱۲۶۳ق)،

نسخه‌ای از آن نزد شیخ مهدی شرف الدین در شوشتر بوده و شاید ، نسخه شماره ۲۵۲۷ کتابخانه مسجد سپهسالار (شهید مطهری)، همین کتاب باشد.

۱ - الذریعه، ج ۱۲، ص ۸۰، ش ۵۵۰.

۲ - الذریعه، ج ۱۲، ص ۷۹، ش ۵۴۸.

(۱۰) رساله فی زیارة عاشوراء

شیخ نصرالله شبستری می‌نویسد: برخی از علمای ساکن مشهد مقدس، تألیفی در شرح زیارت عاشورا نگاشته است.

(۱۱) زیارة الحسین (علیه السلام) یوم عاشوراء، نسخه خطی شماره ۹۰۲۸ کتابخانه برلین.

نسخه خطی آن به شماره ۴۵۶۸ در کتابخانه آیت‌الله مرعشی موجود است.
(۱۲) شرح زیارت عاشوراء، شیخ مفید بن محمد نبی شیرازی بحرانی (۱۲۵۱ق - ۱۳۲۵ق)،

این کتاب، شرح مزجی بسیار مفصلی است که به موضوعات ادبی، تاریخی و اعتقادی بحث می‌پردازد و در آغاز هم مقدمه‌ای درباره فضیلت زیارت امام حسین و معنای عاشورا آورده و در اوایل ماه رمضان ۱۳۰۳ ق، به تألیف آن پرداخته و روز سوم ذی قعدة همان سال، از آن فراغت جُسته است. نسخه‌ای از آن به شماره ۳۷۵ در کتابخانه آیت‌الله مرعشی موجود است.

(۱۳) شرح زیارة عاشوراء، حاج میرزا حسن حایری شیرازی،^۴

۱ - اللؤلؤ النضید، ص ۳۸.

۲ - فهرست کتابخانه مرعشی، ج ۱۲، ص ۱۴۳.

۳ - فهرست کتابخانه مرعشی، ج ۱، ص ۳۹۳.

۴ - المسلسلات فی الاجازات، ج ۲، ص ۲۶۳.

- ۱۴) شرح زیارة عاشوراء ، میرزا فتاح بن محمد علی خیابانی تبریزی^۱
(م ۱۳۷۲ق)
- ۱۵) شرح زیارت عاشوراء ، علامه سید اسدالله اعلم فرزندان حجة الاسلام
سید محمد باقر شفتی اصفهانی (م ۱۲۹۰ق)^۲
- ۱۶) شرح زیارة عاشوراء ، سید محمد علی مازندرانی اصفهانی^۳،
- ۱۷) شرح زیارة عاشوراء ، سید حسین فرزند سید ابوالقاسم جعفر
خوانساری اصفهانی (جد صاحب روضات) (م ۱۱۹۱ق)^۴
- ۱۸) شرح زیارة عاشورا ، مؤلف : نامعلوم، نسخه خطی آن به شماره ۱ /
۱۰۱۸۴ در کتابخانه غرب (همدان) (مدرسه آخوند ملا علی همدانی)
موجود است.^۵
- ۱۹) شرح زیارت عاشورا ، مؤلف: ناشناخته،
نسخه خطی آن به شماره ۱۳ / ۱۰۸۳۶ در کتابخانه غرب (همدان) موجود
است.^۶

۱ - معجم اعلام الشیعة، ج ۱، ص ۳۴۳.

۲ - الذریعه، ج ۱۳، ص ۳۰۷، ش ۱۱۲۷.

۳ - تراجم الرجال، ج ۳، ص ۳۲۶.

۴ - الذریعه، ج ۱۳، ص ۳۰۷، ش ۱۱۲۸؛ مقدمه منهاج المعارف، ص ۱۸۰.

۵ - فهرست کتابخانه غرب، ص ۴۴۱.

۶ - فهرست کتابخانه غرب، ص ۴۵۲.

۲۰) صدق الحور فی شرح زیارة العاشور ، سید ابو محمد حسن بن

محمد طباطبایی ساروی مازندرانی (م ۱۳۵۱ق)

این کتاب، شرحی مفصل بر زیارت عاشورا بوده و تا جمله (علیکم منی جمیعاً سلام الله) را دربر دارد. نسخه خطی آن در مجموعه شماره ۴۳۷۳۸ (رساله هفتم مجموعه) در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.

۲۱) الصرخة المهذوية الكبرى فی زیارة العاشورا ، سیدمهدی غریفی

بحرانی (م ۱۳۳۴ ق)، ۲

این کتاب، شرح زیارت عاشورا و کیفیت خواندن آن، با خاتمه ای در بحث امامت است و خود مؤلف، آن را تلخیص نموده است.

۲۲) الضیائیة ، احتمالاً از: میرزا هدایه الله بن میرزا رضا گلپایگانی (م ۱۳۳۰ق) ، در این کتاب - که مؤلف به نام فرزندش شیخ ضیاءالدین نگاشته - به تفصیل از سند زیارت عاشورا و چگونگی خواندن و ثواب آن و فضایل حضرت سیدالشهدا و تاریخ حرم حسینی بحث شده است.

۱ - فهرست کتابخانه مجلس، ج ۱۲، ص ۸۳ - ۸۴.

۲ - الذریعه، ج ۱۵، ص ۳۹، ش ۲۳۸.

۳ - الذریعه، ج ۱۵، ص ۱۳۲.

۲۳) کیفیت زیارت عاشورا، مؤلف: ناشناخته، نسخه خطی آن (مورخ ۲۷ ربیع الثانی ۱۲۷۱ق) در ۹۰ برگ جیبی، به شماره ۶۳ - د، در کتابخانه دانشکده حقوق دانشگاه تهران موجود است.

۲۴) کیفیت زیارة العاشوراء،

نسخه خطی آن در مجموعه شماره ۸۸۱۱۵۲ (رساله اول) کتابخانه دانشگاه لس آنجلس موجود است.^۱

۲۵) زیارة الحسین (علیه السلام) یوم عاشوراء، نسخه کتابخانه برلین.

۲۶) ترجمه زیارت عاشورا، علامه ملا محمد باقر مجلسی اصفهانی (۱۰۳۷ - ۱۱۱۰ق)،

نسخه آن در کتابخانه آیت الله گلپایگانی قم به شماره ۵۹۰۸ (رساله هفتم مجموعه) موجود است.

۲۷) رساله فی کیفیت زیارة العاشوراء، شیخ عبدالرحیم بن آقا عبدالرحمان کرمانشاهی^۲، (ت ۱۳۰۵ق)

۱ - فهرست کتابخانه حقوق، ص ۳۶۵.

۲ - نشریه نسخه‌های خطی، ج ۱۱، ص ۷۱۳.

۳ - اعیان الشیعه، ج ۷، ص ۴۶۶.

د. کتاب های خطی فارسی

- ۱) شرح جمله (یا ثارالله وابن ثاره)، شیخ علی اکبر بن محمد امین لاری^۱.
این رساله، مفصل بوده و در سال ۱۲۸۴ ق، تألیف شده و نسخه خطی آن به شماره ۴۰۸۶ در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود است.
- ۲) شرح زیارت عاشورا، میراز محمدعلی مدرس چهاردهی نجفی^۲ (م ۱۳۳۴ق)،
این کتاب، مختصر بوده و نسخه خطی آن به شماره ۱۲۳۷۰ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.
- ۳) شرح زیارت عاشورا، شیخ عباس حایری تهرانی^۳ (۱۲۹۸ - ۱۳۶۰ق)
نسخه آن نزد فرزندش حاج شیخ مهدی حایری تهرانی بوده است.
- ۴) شرح زیارت عاشورا، سیدحسین بن جعفر موسوی یزدی^۴،
این کتاب، به صورت پرسش و پاسخ از برخی جمله های زیارت عاشورا است و نسخه خطی آن در کتابخانه وزیری یزد به ش ۱۴۱۹ (مورخ ۱۲۹۶ ق) در ۹۴ برگ) موجود است.

۱ - فهرست کتابخانه مرعشی، ج ۱۱، ص ۱۰۰.
۲ - الذریعه، ج ۱۳، ص ۳۰۸ (نیز، نسخه خطی شارح به شماره ۹۳۷۵ در همان کتابخانه است)؛ فهرست الفبایی کتابخانه آستان قدس، ص ۳۴۱.
۳ - نقباءالبشر، ج ۴، ص ۹۹۰؛ گنجینه دانشمندان، ج ۴، ص ۴۲۶؛ آثارالحجه، شیخ محمد رازی، ج ۱، ص ۲۲۵.
۴ - فهرست کتابخانه وزیری، ج ۳، ص ۹۵۵.

- ۵) نتایج المأثور فی ترجمه (جنه السرور فی شرح زیارة العاشور) ، شیخ علی بن ملا محمد جعفر شریعتمداری استرآبادی تهرانی (م ۱۳۱۵ق)، مؤلف بزرگوار، کتاب جنه السرور خود را، ترجمه تحت اللفظی نموده و نسخه اصل (ناقص) آن به شماره ۳۰۹۰ در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی موجود است. نیز مؤلف، آن را به نام نتیجه النتائج تلخیص نموده است.
- ۶) رساله فی کیفیت زیارة العاشور و بیان طرق الاحتیاط و جمع الاحتمالات فیها، علامه شیخ محمد حسین قمشه ای نجفی کبیر (م ۱۳۳۶ق)، نسخه خطی آن در کتابخانه شهید قاضی طباطبایی در تبریز موجود است.
- ۷) رساله فی کیفیت زیارة العاشور، مولا محمد محسن بن محمد سمیع کاشانی^۲ (م ۱۲۲۲ق) (از نوادگان فیض کاشانی) ، نسخه خطی آن به شماره ۲۲۱۷ در کتابخانه آیت الله العظمی گلپایگانی قم موجود است.
- ۸) شرح زیارة عاشوراء ، سید بهاء الدین علی بن عبدالکریم (عبدالحمید الحسینی النیلی النجفی)^۳ (ق ۸)

۱ - الذریعه، ج ۱۲، ص ۷۹، ش ۵۴۹؛ نشریه نسخه های خطی، ج ۷، ص ۵۱۸.

۲ - فهرست کتابخانه گلپایگانی، ج ۳، ص ۱۹۷.

۳ - الذریعه، ج ۲، ص ۵۰۰؛ فهرست کتابخانه مرعشی، ج ۸، ص ۳۱۳؛ الذریعه، ج ۲۴، ص ۴۷ و ۵۰.

مؤلف بزرگوار، مصباح المتهجد شیخ طوسی را شرح کرده و از آن جا که زیارت عاشورا در آن مذکور است، مؤلف نیز به شرح زیارت عاشورا پرداخته است. علامه مجلسی درباره آن می نویسد:

این شرح را دیدم، بیشتر به بیان تراکیب الفاظ و ادبیات آن پرداخته و فایده بسیار بر آن متصوّر نیست .

هـ کتاب های اردو

- ۱) زادالمؤمنین ، سیدمحمدتقی نقوی هندی^۱، این کتاب ، درباره اعمال عاشورا و زیارات عاشورا و آثار و خواص آن است. لکهنو ، چاپخانه نول کشور.
- ۲) زیارت عاشورا ، نواب سیدحامد حسین خان^۲.
- ۳) زیارت عاشوراکی تعلیمات ، جواد محدثی ، مترجم: جعفرعلی نجم ، قم ، انتشارات عصمت ، ۱۴۲۱ق، ۸۰ صفحه ، قطع رقعی .
- ۴) زیارت جامعه عاشورا ، ترجمه و تحقیق : سیدمرتضی حسین لکهنوی (۱۳۴۱ - ۱۴۰۷ق)، پاکستان ، شیخ اخترعلی بانگا.
- ۵) شرح و ترجمه زیارت عاشورا ، سید انصار حسین صدر الافاضل^۳(م ۱۳۸۷ق)

۱ - الذریعه ، ج ۱۲ ، ص ۱۱ .

۲ - مصنفین امامیه ، ج ۱ ، ص ۴۵۲ .

۳ - تذکره علمای امامیه پاکستان ، ص ۶۰ .

تحریفات و تصحیفات پیرامون زیارت عاشورا

- ۶) شرح و ترجمہ زیارت عاشورا و علقمہ ، سید مقبول احمد، چاپ دہلی.
- ۷) محرّم و عاشورا (ادعیہ ، آداب و اعمال عاشورا) ، شیخ محمدحسن بن ابوالقاسم نجفی کاشانی ، بمبئی ، ۱۳۵۹ق.

منابع و مأخذ

قرآن مجيد

اعتقادات الإماميه و تصحيح الاعتقاد، شيخ صدوق و شيخ مفيد ، ناشر:
كنگره شيخ مفيد، قم، چاپ دوم ، ۱۴۱۴ ق.

ايعان الشيعه،

آثار الحجه، شيخ محمد رازی،

بحار الأنوار ، مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ناشر : دار إحياء التراث

العربی ، بيروت ، چاپ دوم ، سال ۱۴۰۳ ق.

بلد الامين،

بهجه الآمال،

تحف العقول ، ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ناشر: جامعه مدرسین ،
قم ، چاپ دوم ، ۱۴۰۴ ق.

تحفه الزائر ، مجلسی ، محمداقبر ، انتشارات مؤسسه امام هادی (عليه السلام) ،
چاپ اول ، ۱۳۸۶ ش.

تراجم الرجال،

تنقيح المقال،

توضيح المسائل ، آيت الله العظمى شيخ حسين مظاهرى (دامت ظلته) .

تهذيب الأحكام ، طوسی، محمد بن الحسن ، ناشر : دار الكتب الإسلامية ،
تهران ، چاپ چهارم ، سال ۱۴۰۷ ق.

حيات طيبه ، معاونت پژوهش مدرسه علميه امام صادق (عليه السلام) ، انتشارات
نقش نگين ، اصفهان ، چاپ اول ، ۱۳۹۳ ش.

الدر المنضود فی شرح زیاره العاشورا، میرزا احمد تبریزی باغمیشه ای، چاپ اول، ۱۳۹۵.

الذریعه الی تصانیف الشیعه ، الشیخ آقا بزرگ الطهرانی، الطبعة الاولى، (م ۱۳۱۶ق)، تهران ، کتابخانه اسلامیه .

رجال بحر العلوم،

الرجال نجاشی،

روزنامه کیهان

روضات الجنات، محمدباقر الموسوی الخوانساری، مکتبه اسماعیلیان، تهران.

ریشه ها و جلوه های تشیع و حوزه علمیه اصفهان ، موحد ابطحی ، میر سید حجت ،

زادالمعاد ، مجلسی ، محمدباقر ، انتشارات اسلامیه ، چاپ نهم ، ۱۳۷۹ش.

زیارت عاشورا فراتر از شبهه ، تبریزی ، شیخ جواد،

زیارت عاشورا میراث جاودان عاشورا ، مرعشی ، سید ملک محمد ، راه نیکان ، چاپ اول ، ۱۳۹۲ش.

زیارت عاشورا و داستان های شگفت آن ، عادی ، سید حمید ، مترجم ، قم ، دارالغدیر ، دوم ، ۱۳۷۹.

زیارة عاشورا تحفة من السماء ، مسلم الداوری ، مؤسسه الامام الرضا علیه السلام، قم، ۱۴۳۱ق.، مؤسسه زین العابدین علیه السلام، چاپ اول ، ۱۳۹۶ش.

زیارة عاشورا فی المیزان ، حسین راضی ، بیروت دارالحجة البيضاء ، ۱۴۲۹ق.

سیمای فرزندگان، مختاری ، رضا .

شرح زیارت عاشورا ، مفید بن محمد نبی الشیرازی، (م ۱۲۵۱-۱۳۲۵ق)،
تحقیق و تنظیم: محمد حسین درایتی، پژوهشکده باقر العلوم (علیه السلام)،
۱۳۹۴ش.

شرح زیارت عاشورا، ملا حبیب الله الشریف الکاشانی (م ۱۳۴۰ق)، تحقیق نزار
الحسن، دارجلال الدین، قم، ۱۴۲۴ق.

شرح زیارة عاشورا، شیخ ابی المعالی بن محمدا براهیم الکلباسی (م ۱۳۱۵ق) ،
تحقیق : شیخ یوسف احمد احسائی، مکتبه فدک لاحیاء التراث، قم، ۱۴۲۸ق.
شفاء الصدور فی شرح زیارة العاشورا ، النوری الطهرانی ، میرزا ابوالفضل ،
تحقیق: سید علی موحد الابطحی، الطبعة الثالثه، سیدالشهداء (علیه السلام)، قم،
۱۴۰۹ ق .

طرحی نواز زیارت عاشورا ، اسناد ، نسخه شناسی ، آثار و کرامات زیارت
امام حسین (علیه السلام) ، پژوهش و تألیف : کاظمی زرومی ، اسماعیل ، ناشر
مهر فاطمه (علیها السلام) ، چاپ دوم (اول ناشر) ، ۱۳۹۰ ش.
عمده الزائر،

فهرست آستان قدس، چاپ قدیم،

فهرست شیخ طوسی،

فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی

فهرست کتابخانه حقوق،

فهرست کتابخانه سپهسالار

فهرست کتابخانه غرب،

فهرست کتابخانه گلپایگانی،

- فهرست کتابخانه مجلس،
فهرست کتابخانه مرعشی،
فهرست کتابخانه وزیری،
فهرست کتاب‌های چاپی فارسی مشار،
فهرست کتاب‌های چاپی فارسی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب،
قصص العلماء،
کامل الزیارات، جعفر بن محمد بن قولویه، تحقیق جواد قیومی، چاپ نشر اسلامی.
کنز العمال، متقی، علی بن حسام الدین، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۳۶۴.
الکافی، کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، ناشر: دار الکتب الإسلامیه، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
کامل الزیارات، ابن قولویه، جعفر بن محمد، محقق / مصحح: امینی، عبد الحسین، ناشر: دار المرتضویه، نجف اشرف، چاپ اول، ۱۳۵۶ ش.
گنجینه دانشمندان،
لعن‌های نامقدس، مسائلی مهدی، نشر آرما، چاپ اول، ۱۳۹۳ ش.
لؤلؤ البحرين،
اللؤلؤ النضید فی شرح زیارة مولینا ابی عبدالله الشهید (علیه السلام)، شیخ نصرالله بن عبدالله التبریزی الشبستری، الامام المهدی (علیه السلام)، قم، ۱۳۵۹ ق.
مجالس المؤمنین، قاضی نورالله شوشتری، چاپ قدیم، ۱۲۶۸ ق.
المحاسن، برقی، احمد بن محمد بن خالد، ناشر: دار الکتب الإسلامیه، قم، چاپ دوم، سال ۱۳۷۱ ق.

المداخلات الكاملة في ردّ مدّعى التزوير، حب الحسين، مؤسسه التاريخ العربي، بيروت، ١٤٢٩ق.

المزار الكبير، ابن مشهدي، محمد بن جعفر، مترجم: فربودي، محمد، انتشارات ديوان، قم، چاپ اول، ١٣٨٩ش.

المزار الكبير، ابن مشهدي، محمد بن جعفر، محقق / مصحح: قيومي اصفهاني، جواد، ناشر: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، قم، چاپ اول، ١٤١٩ق.

مستدرک الوسائل، نوري، حسين بن محمد تقی، ناشر: مؤسسه آل البيت (عليه السلام)، قم، چاپ اول، سال ١٤٠٨ق.

المسلسلات في الاجازات،

مصباح الزائر،

مصباح المتهجد و سلاح المتعبّد، طوسی، محمد بن الحسن، ناشر: مؤسسه فقه الشيعه، بيروت، چاپ اول، سال ١٤١١ق.

المصباح للكفعمی، كفعمی، ابراهيم بن علی عاملی، ناشر: دار الرضى (زاهدي)، قم، چاپ دوم، سال ١٤٠٥ق.

معجم اعلام الشيعه،

مفاتيح نوین، مكارم شیرازی، ناصر،

مكارم الآثار،

من لا يحضر الفقيه، شيخ صدوق، ناشر: جامعه مدرسين، قم، چاپ دوم، ١٤٠٤ق.

ميزان الحكمه، محمدی ری شهري محمد، دارالحديث، چاپ، سال.

نقباء البشر،

نور العين في المشى الى زيارة قبر الحسين عليه السلام،

هدية الزائرين،

هفتاد و دو سخن عاشورايي ، بيانات حضرت آيت الله العظمى سيد علي

خامنه‌اي دام ظلته،

يوم الحسين عليه السلام، آيت الله العظمى صافي گلپايگانی ، نشر دارالمرتضى.